



مجموعه‌ای که پیش روی شما است تحلیل برخی رویدادهای مهم است که محورهای آن در نشست‌های هم‌اندیشی سیاسی با حضور نخبگان و صاحب‌نظران این عرصه تعیین و توسط کارشناسان مسائل روز تدوین و نگارش می‌گردد.

تلاش نویسندگان و تحلیل‌گران بر این است که مطالب ارائه شده نزدیک‌ترین تحلیل به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری مدظله‌العالی باشد و مورد توجه و استفاده سخنرانان برای طرح در مناظر قرار گیرد. خوشحال خواهیم شد نظرات و پیشنهادات اصلاحی را برای تکمیل این مجموعه ارسال نمایید.

معاونت فرهنگی هیأت رزمندگان اسلام



هیأت رزمندگان اسلام

تلفن : ۸۸۹۶۰۴۳۰

نمبر : ۸۹۷۸۰۳۱۳

پست الکترونیک : info@eheyat.com

شماره پیامک : ۶۶۰۰۰۹۹۷۵۵

تَحْلِيلُ الْوَسَائِلِ

با آثار و مقالاتی از:

دکتر سعد الله زارعی

دکتر یدالله جوانی

دکتر رسول سنایی راد

عباس حاجی نجاری

رضا داوری

دکتر علیرضا معاف

دکتر محمد جواد اخوان

دکتر سعدالله زارعی

۴ تا ۱۷

آمریکا؛ رؤیای قمره و قابلمه

دکتر یدالله جوانی

۱۸ تا ۳۵

اعتراض - اغتشاش؛
ضرورت پاسخگویی به سوالات و شبهات

عباس حاجی نجاری

۳۶ تا ۵۱

علل و زمینه‌های جنگ ترکیبی دشمنان در بستر
اغتشاشات اخیر و بایسته‌های نیروهای انقلاب

رضا داوری

۵۲ تا ۷۵

زمینه‌ها، ویژگی‌ها و اهداف اغتشاش ۱۴۰۱
و تفاوت آن با آشوب‌ها و فتنه‌های گذشته

دکتر علیرضا معاف

۷۶ تا ۸۷

اغتشاش یا اعتراض؟

دکتر رسول سنایی راد

۸۸ تا ۹۵

دهه هشتادی‌ها؛
هیجانی‌های حاضر در عرصه اغتشاشات

دکتر محمدجواد اخوان

۹۶ تا ۱۰۶

فتنه دروغ

تحليل وادها



سعدالله زارعی

آمریکا، رؤیای قمر و قابله



در این دیدار از
ادغام شدن دو
گروهک دموکرات
و کومله که در
تایستان گذشته و
پس از فراخوانده
شدن عبدالله
مهتدی و مصطفی
هجری به نیویورک
انجام شد، تقدیر
و بر لزوم ورود
جدی تر آنان به
اغتشاشات ایران
تأکید شده است.

تحلیل و گزارش

در آخرین سند راهبردی سیاست دفاعی آمریکا که ۴ آبان ۱۳۹۱ منتشر شده است، ایران در کنار کره شمالی در زمره سازمان‌های افراطی خشن (VEO) قرار گرفته و درباره جمهوری اسلامی گفته شده ایران با ساخت و صادرات موشک، پهباد و تجهیزات دریایی و بهبود توانمندی در زمینه ساخت سلاح هسته‌ای، تهدیدی برای آمریکا و مسیر تجارت انرژی است.

در این میان «فرانک ویزنر» سفیر پیشین آمریکا در مصر و هند اخیراً گفته است: «موقعیت ایران به این کشور امکان دسترسی به بسیاری از مناطق جهان را می‌دهد که برای ما آمریکا ارزشمند است. صلح و ثبات این منطقه به چگونگی برخورد با ایران، نقش ایران و چگونگی اثرگذاری سیاست‌های ما بر وضعیت ایران بستگی دارد.» وی سپس به ناتوانی آمریکا در کارزار چهل و چند ساله با ایران اشاره کرده و می‌گوید: «مگر نه اینکه ما معضل‌ترین و سخت‌ترین نظام تحریمی تاریخ آمریکا را علیه ایران اعمال کرده ایم؟ چه تأثیری داشت؟ به فن آوری آن‌ها و پهباد هایشان نگاه کنید، با قطع کردن ارتباط خود با آن‌ها، امکان اثرگذاری و اثرپذیری از یافته هایشان را کاهش داده ایم. ما هم خودمان و هم آن‌ها را فقیر کرده ایم».

در حین آشوب‌های شهریور و مهر امسال، گروهی از نمایندگان کنگره آمریکا در نامه‌ای به رؤسای شرکت‌های بزرگ فن آوری از آن‌ها خواسته‌اند با استفاده از مجوز اخیر دولت بایدن در کاهش تحریم‌های مربوط به دسترسی پذیری اینترنت برای ایران به حمایت از اغتشاشات بپردازند.

در بخشی از بیانیه مشترک ۹ مهر ماه وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه آمده است: «۲۹ شهریور ۱۴۰۱ تیمی از CIA با پوشش وزارت خارجه آمریکا، با حضور در مقر گروهک تجزیه طلب موسوم به حزب دموکرات کردستان ایران، در شهر اربیل با مصطفی هجری رئیس این گروهک دیدار کرده‌اند. در این دیدار از ادغام شدن دو گروهک دموکرات و کومله که در تایستان گذشته و پس از فراخوانده شدن عبدالله مهتدی و مصطفی هجری به نیویورک انجام شد، تقدیر و بر لزوم ورود جدی تر آنان به اغتشاشات ایران تأکید شده است.

کارکنان «توئیت» طی نامه سرگشاده‌ای به عنوان اعتراض به طرح «ایلان



آمریکایی‌ها
در تحلیل
قدرت مقاومت
و ایستادگی
جمهوری
اسلامی به این
نتیجه رسیده‌اند
که مهم‌ترین
منبع قدرت و
ایستادگی ایران،
خود مردم این
کشور هستند و
لذا برای تضعیف
نظام باید مردم
ایران را تضعیف
کرد.

ماسک» که ناظر بر اخراج ۷۵ درصد از نیروهای کار این شرکت است، نوشته‌اند: «توئیت‌ر تأثیرات قابل توجهی بر جوامع مختلف در سراسر جهان دارد. پلتفرم ما به ارتقای روزنامه نگاری مستقل در اوکراین و ایران و همچنین قدرت بخشیدن به جنبش‌های اجتماعی در سراسر جهان کمک می‌کند.» همزمان با این نامه «نیویورک تایمز» هم به نقش توئیت‌ر در آشوب‌های ایران پرداخته است.

آمریکایی‌ها در تحلیل قدرت مقاومت و ایستادگی جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین منبع قدرت و ایستادگی ایران، خود مردم این کشور هستند و لذا برای تضعیف نظام باید مردم ایران را تضعیف کرد. از این رو در رفتار دولت‌های ترامپ و بایدن، مقابله با ملت و یکپارچگی آن دنبال شده است. در دولت مستعجل ترامپ، «مایک پمپئو» وزیر خارجه آن در پاسخ به این پرسش که چطور می‌توانید همزمان با فشار به دولت ایران، هوای مردم این کشور را داشته باشید، گفت «من می‌دانم تحریم‌ها زندگی مردم ایران را تضعیف می‌کند، ولی این به خودشان مربوط است؛ چرا که این آنان هستند که از سیاست‌های بلند پروازانه دولت خود حمایت می‌کنند.» کما اینکه در این دولت طرح به آشوب کشاندن جمعیت‌های فرودست اقتصادی ایران دنبال شد. تحلیل آنان این بود که انقلاب جدید ایران می‌تواند از روستاها شروع شود و به شهرستان‌ها و سپس استان‌ها و در نهایت به پایتخت کشیده شود. در جریان اغتشاشات ۱۳۹۸ این طرح از سوی طیف‌های فرودست اقتصادی جامعه ایران حمایت نشد و به فعالیت خشن یک گروه خاص محدود گردید.

در دولت بایدن، طرح اختلاف در مردم ایران و تبدیل آنان به میلیون مخالف در برابر میلیون موافق جمهوری اسلامی دنبال شد. دولت آمریکا به این موضوع که یک سال پس از روی کار آمدن سید ابراهیم رئیسی و افزایش نرخ کالاهای اساسی، جامعه ایران را مستعد اعتراضات خیابانی کرده است، امید بست و به جمع‌بندی رسید. بر این اساس آمریکایی‌ها در حالی که به شدت نیازمند بازگشت ایران به برجام بودند و برای آن چراغ سبزی هم نشان داده بودند، چند روز پیش از شروع اغتشاش‌های شهریور ماه، مذاکرات وین را با دستور متوقف کردند. «جوزف بورل» رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا به دکتر علی‌باقری کنی رئیس تیم مذاکره‌کننده ایران گفته بود: «راب مالی» معاون وزیر خارجه و مسئول تیم آمریکا در وین معتقد است پس از دو هفته، ایران امتیازات مهمی خواهد داد و گره مذاکرات را باز می‌کند. این در حالی است که یک ماه پیش از این



در این بین نظام
جمهوری اسلامی
علی رغم آنکه با
تهدید پیچیده‌ای
مواجه گردیده بود
و بر پیچیده بودن
آن اذعان داشت
امادستپاچه نشد
و با اعتماد به نفس،
پلیس و نیروهای
امنیتی را از درگیری
پرهیز داد تا جایی
که برخورد با
اغتشاشگران به
مطالبه جدی مردم
تبدیل شد.

تحلیل روزانه‌ها

۷

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رزمندگان اسلام

و در جریان سفر بول به تهران، وی از اصرار آمریکایی‌ها به امضای توافق خبر داده بود.

خودزنی رسانه‌ای

همزمان با آغاز آشوب‌ها در ایران، آمریکا پلتفرم‌های توئیتر، اینستاگرام و واتساپ که از سوی کاربران ایرانی دیده می‌شدند را وادار به ایفای نقش فعال‌تر در آشوب‌ها و در واقع زیرپا گذاشتن همه قوانین این پلتفرم‌ها کرد.

کما اینکه روزنامه نیویورک تایمز و شبکه CNN که برای حفظ مرجعیت خود، همواره احتیاط‌هایی به کار می‌بردند پیش از آشوب‌ها در اقدام عجیبی مدعی بیماری و سپس فوت رهبر معظم انقلاب شده و برای باورپذیر کردن این دروغ، دروغ دیگری ساختند مبنی بر اینکه دستگاه رهبری ایران در حال آماده سازی جایگزین آیت الله خامنه‌ای است. آنان در این مورد از یادداشت دروغ میرحسین موسوی بهره بردند. آمریکایی‌ها در این ارتباط، شبکه «ایران اینترنشنال» که از سوی رژیم اسرائیل مدیریت و از سوی دولت سعودی تأمین مالی می‌شود و شبکه بهایی «من و تو» و شبکه تلویزیون فارسی بی بی سی انگلیس برای تشدید و مدیریت اغتشاشات به کار گرفتند. در واقع در جریان اغتشاشات شهریور و مهر ۱۴۰۱، آمریکایی‌ها طراحی، رژیم اسرائیل مدیریت و دولت عربستان هزینه‌ها و هماهنگی‌های منطقه‌ای آن را انجام دادند. بر این اساس مقامات ارشد آمریکا شامل بایدن، پلوسی، بلینکس و راب مالی بدون ملاحظه و از آغاز، اغتشاشات را مورد حمایت خود قرار دادند و این نقش آفرینی به آنجا کشیده شد که دوازدهم آبان ماه، رئیس‌جمهور آمریکا با صراحت گفت «ما ایران را آزاد خواهیم کرد»!

تصورات باطل

وقتی مواضع آمریکایی‌ها را در دوره آشوب مرور می‌کنیم درمی‌یابیم آنان اطمینان داشتند که شاهد موج عظیم جمعیت ایرانی مخالف سیاست‌های ایران خواهند بود. آنان علی‌القاعده معتقد نبودند با این اغتشاشات کار به سرنگونی جمهوری اسلامی کشیده می‌شود، از نظر آنان، در این مرحله جمعیتی به صحنه خواهند آمد که مهار آن برای جمهوری اسلامی ناممکن و یا بسیار دشوار باشد. تئوری هیأت حاکمه آمریکا این بود که اغتشاش توأم با

خشونت جمهوری اسلامی را منفعل و مدیریت را از دست سیستم امنیتی، انتظامی آن خارج می‌کند. به همین جهت همزمان با سخن گفتن از مردم، از توسل آشوب گران به قتل و کشتار هم حمایت و آن را مجاز و مشروع معرفی می‌کردند!

از نظر آنان، خشونت اغتشاش گران، نظام جمهوری اسلامی را نیز وادار به اعمال خشونت می‌کند و خواه ناخواه مردم ناراضی را با اغتشاش گران در مواجهه با نظام، به طور کلی هم آوای می‌کند. بنابراین لبه تیز پاسخ خشونت آمیز نظام به عناصر خشونت طلب و خون ریز به گونه ای متوجه توده های معترض نیز خواهد شد و این خود مرتب دایره خشونت ورزی را توسعه می‌دهد و کار به جایی می‌رسد که برخلاف گذشته، نظام جمهوری اسلامی نتواند اوضاع را جمع کند. از بداقبالی آمریکا، ناراضیان معیشتی به صف آشوب طلبان و خشونت ورزان نپیوستند و حتی به مرور که خشونت ها از سوی آنان افزایش پیدا کرد و بیم آن می‌رفت که کار و کاسبی مردم تهدید و امنیت آنان را بگیرد، به مخالفان آشوب گران پیوستند و اجتماعات پی در پی آنان علیه آشوب شکل گرفت.

در این بین نظام جمهوری اسلامی علی رغم آنکه با تهدید پیچیده ای مواجه گردیده بود و بر پیچیده بودن آن اذعان داشت اما دستپاچه نشد و با اعتماد به نفس، پلیس و نیروهای امنیتی را از درگیری پرهیز داد تا جایی که برخورد با اغتشاشگران به مطالبه جدی مردم تبدیل شد.

زن و خشونت!

این نکته را هم باید در نظر داشت که سیاست میدانی آمریکا ترکیب «زن» و «خشونت» بود استفاده از موضوع زن و بهره گیری از سویه عاطفی شدید آن، برای جلب افکار عمومی مردم صورت گرفت این تاکتیک از یک سودست پلیس را در برخورد می بست و از سوی دیگر خانواده ها را پای کار آشوب گران می آورد. ترکیب زن و خشونت هم شکافی التیام ناپذیر میان مردم و جمهوری اسلامی پدید می آورد. بر این اساس پی در پی اسامی افرادی از این طیف به عنوان «قربانی» مطرح می شد و حال آنکه هیچ کدام از این موارد واقعیت نداشت. اما جالب این است که این تاکتیک نتوانست بانوان حتی با عنوان معترض به حجاب را به میدان آشوب بکشاند تا جایی که گفته می شود حدود کمتر از ۲۰ درصد اغتشاش گران را بانوان تشکیل می دادند و «جنبش زنانه» با میدان داری مردان اغتشاش گردنبال شد.

جدای از اینکه آمریکایی ها و اروپایی ها و عوامل منطقه ای آنان، گروه های شناخته شده



این نکته را هم باید در نظر داشت که سیاست‌میدانی آمریکا ترکیب «زن» و «خشونت» بود استفاده از موضوع زن و بهره‌گیری از سوپیه عاطفی شدید آن، برای جلب افکار عمومی مردم صورت گرفت این تاکتیک از یک سودست پلیس را در برخورد می‌بست و از سوی دیگر خانواده‌ها را پای کار آشوب‌گران می‌آورد.

تحلیل‌های

۹

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیس‌مجلس

مسلح مثل منافقین، پژاک، پاک، دموکرات، کومله را به میدان فرستادند و آنان را برای قتل و کشتار فعال کردند، در رسانه‌های خاص مثل بی‌بی‌سی فارسی، من و تو و ایران اینترنشنال و شبکه‌های اجتماعی بخصوص اینستاگرام و واتساپ شروع به آموزش خرابکاری به مخاطبان ایرانی کردند. این آموزش‌ها دو بخش را توأمان پوشش می‌داد یک بخش آموزش اقدامات تهاجمی علیه پلیس و نیروهای بسیجی و یک بخش آموزش اقدامات دفاعی با استفاده ماهرانه از سلاح‌ها و تجهیزات سرد در برابر پلیس و بسیج بود.

تاکتیک تداوم اغتشاش

یک وجه از اقدامات تند خشونت‌زا و انضمام «خلق حادثه» به اغتشاشات خیابانی، زنده نگه داشتن آشوب‌ها و فرسایشی کردن مواجهه مأموران پلیس با اغتشاش‌گران بود. در راهبرد آمریکایی‌ها، تداوم آشوب‌ها به عنوان تفاوت این اغتشاشات با اغتشاشات سال‌های قبل مدنظر قرار داشت. در آموزش‌هایی که به مخاطبان خود می‌دادند هم بر این نکته تأکید داشتند که وقتی اغتشاشات از یک هفته بگذرد، توان نیروهای انتظامی و بسیج در کنترل تحلیل می‌رود و امکان فعالیت بیشتری را برای معترضین فراهم می‌کند. به همین جهت به اغتشاش‌گران توصیه می‌شد هرچه خشن‌تر عمل کنند. طبعاً در کارزار خشونت، آنکه آرامش کمتری دارد پلیس است چرا که نیروی آشوب‌گر می‌تواند پس از هر حمله‌ای استراحت کند اما نیروی پلیس، هر لحظه مترصد اجتماع تازه‌ای از آشوب‌گران است و لذا امکان استراحت برای آن وجود ندارد.

اما البته این تاکتیک هم متوهمانه بود و هم با واقعیت میدانی سازگار نیست چرا که وقتی مردم به اغتشاش‌گران نپیوندند، عدد آشوب‌طلبان خشونت‌ورز محدود می‌شود و حال آنکه نظام به هزاران واحد بسیج مردمی متکی است و می‌تواند با نوبه‌بندی مانع خستگی نیروهای عمل‌کننده بشود. کما اینکه علاوه بر بسیج، نیروهای آموزش دیده و مجهز دیگری هم وجود دارند که در صورت ضرورت به صحنه می‌آیند.

به همین جهت حدود یک هفته پس از آشوب‌ها، امید آمریکا و... به پیشرفت معترضین و پسرفت نظام به یأس گرائید و به آن اذعان کردند. رئیس اسبق موساد دو هفته پس از آشوب‌ها گفت برخی تبلیغ می‌کردند که این بار فرق دارد

و جمهوری اسلامی ناگزیر به دادن امتیاز است اما این واقعیت ندارد و با گذشت زمان، نظام براغتاشاش گران مسلط شده و نیازی به تغییر سیاست و رفتار نمی بیند.

تجربه قلمه و قابلمه

مداخله آمریکا در ایجاد آشوب های داخل ایران شباهت زیادی به دخالت آمریکا در آشوب های کشور شیلی در فاصله سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲ دارد. اسناد تحت اختیار «آرشیو امنیت ملی آمریکا» (NSA) که براساس قانون «آزادی اطلاعات» منتشر شدند و به سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ مرتبط بودند، حکایت می کنند. براساس اسناد، تحقیقات مجلس سنای آمریکا در آن زمان مشخص کرده بود که رئیس جمهور وقت آمریکا، ریچارد نیکسون به سیادستور داده که «فریاد اقتصاد شیلی را درآورند» تا «از به قدرت رسیدن آینده جلوگیری شود یا اینکه او را از مسند قدرت پایین بکشند» و این به آن معناست که توطئه آمریکا علیه دولت منتخب آینده از پیش از انتخابات این کشور شروع شده بود. در آن زمان سازمان سیا با ایجاد صف های مصنوعی از کسانی که ظاهراً به دلیل سیاست های دولت «سالوادرا لنده» گرسنه شده اند، زمینه را برای به قدرت رسیدن فرد دلخواه خود در این کشور فراهم کرد. این در حالی بود که با اجرای برنامه های آینده وضع عمومی اقتصادی این کشور نسبت به دوره پیش از آن بهبود چشمگیری پیدا کرده بود. اضافه بر آن علی القاعده آینده نمی توانست در دوره ای دو سال پس از شروع ریاست جمهوری، مسئول مشکلات اقتصادی شناخته شود. در آن زمان سازمان سیا توانست خانم هایی با قابلمه های خالی به خیابان بکشاند. آنان در حالی که با قاشق به قابلمه های می زدند و فریاد برمی آوردند «گرسنه ایم»، «گرسنه ایم»، خواستار برکناری دولت آینده می شدند. بعدها اسنادی منتشر شد که نشان می داد «لشکر قابلمه به دست ها»! به وسیله سفارت آمریکا در سانتاگو سازماندهی شده و پول دریافت کرده اند.

همین اسناد می گویند همزمان با این وقایع، ماشین ترور سازمان سیا، عملیات های تروریستی پلیس مخفی شیلی موسوم به «دینا» را هدایت کرده است. طبق یکی از این اسناد، «ریچارد هلمز»، رئیس وقت سیادستورات ریچارد نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا را در به حرکت درآوردن ماشین کودتا اجرا کرده است. این اسناد می گویند سیا عملیات سری کودتا با اسم رمز «فویل» را با همکاری افسران ارشد اطلاعاتی پنتاگون به نتیجه رسانده است.

آشوب در دولت حجت الاسلام رئیسی با رمز آزادی زنان صورت گرفته است و حال آنکه



سازمان سیا، دولت
آلمان را وادار
کرد اجتماعی از
گروه‌های ایرانی
مخالف جمهوری
اسلامی را در برلین
تشکیل دهد.
هدف این بود که با
انبوه معرفی کردن
مخالفان دولت
ایران و پر شمار
خواندن گروه‌ها و
طیف‌های مخالف بر
روی جامعه ایرانی
اثر گذاشته و آنان
را وادار به تحرک
نمایند

تحلیل‌های ۴۰

۱۱

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیس‌رسان اسلام

زنان به طور نسبی در دولت وی آزادی عمل بیشتری داشته‌اند و از قضا تمایلی هم به وارد شدن در فضا‌های اعتراضی علیه دولت ندارند و لذا آمریکا ناگزیر شد دست به دامان مردان در شبکه‌های ایجاد شده شود و دست به جنبش زنانه رنگی مردانه بزند! جالب این است که اساساً در دوره کوتاه ریاست جمهوری سید ابراهیم رئیسی، اتفاق تازه‌ای میان ایران و آمریکا نیفتاده و حتی در سال گذشته فضای منطقه‌ای هم رو به آرامش گذاشته است تا جایی که جو بایدن در جریان سفر روزهای آخر تیر ماه خود به منطقه در پاسخ به سوال مجری شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم اسرائیل گفت ما به روند کاهش تنش با ایران ادامه می‌دهیم. آمریکایی‌ها در زمانی که به فضای آرامش با ایران احتیاج داشتند، تنش با ایران را بازسازی کردند و به شکل غیر عقلانی تری W علیه ایران وارد عمل شده و قواعد پرنسیپ خود را هم زیر پا گذاشتند. سازمان سیا در حمایت از قمه به دست‌ها وارد میدان شد و البته گمان می‌کرد مردم می‌پیوندند و اغتشاش خونین و فراگیر قمه و قابلمه. خاطره دوره آئنده. شکل می‌گیرد. این رویا به شکلی که «ویلیام برنز». که از ۲۸ اسفند ۱۳۹۹ سکان این سازمان جهمنی را بر عهده گرفته و «دیوید کوهن» معاون او در نظر داشتند، پیش نرفت و قابلمه‌های خیالی او به میدان نیامدند. از این رو مقامات پنتاگون طی نامه‌ای به جو بایدن رئیس جمهور نوشتند اوضاع ایران آن گونه که در گزارش‌های ویژه سازمان سیا آمده مشوش نیست و از موقعیت ویژه آیت الله خامنه‌ای و نفوذ سپاه پاسداران در داخل ایران و در منطقه کاسته نشده است.

نمایش شکست در برلین

پس از آن بود که سازمان سیا، دولت آلمان را وادار کرد اجتماعی از گروه‌های ایرانی مخالف جمهوری اسلامی را در برلین تشکیل دهد. هدف این بود که با انبوه معرفی کردن مخالفان دولت ایران و پر شمار خواندن گروه‌ها و طیف‌های مخالف بر روی جامعه ایرانی اثر گذاشته و آنان را وادار به تحرک نمایند.

پلیس آلمان تعداد افراد شرکت کننده در تجمع ۳۰ مهر برلین را ۳۷ هزار نفر اعلام کرده ولی سعودی که هزینه این تجمع را پرداخته بود در «ایران اینترنشنال» این عدد را به ۸۰ هزار نفر افزایش داد. در این تجمع معترضین با ۱۶ پرچم حضور پیدا کردند که یکی از آن‌ها پرچم رژیم اسرائیل بود. گفته می‌شود میزبانی این



یک خبر موثق هم بیانگر آن است که آمریکایی‌ها به منظور آشوب ناک کردن مرزهای ایران، مذاکراتی با طالبان هم داشته و در ازای آزاد سازی پول‌های آنان و به رسمیت شناخته شدن، از آنان خواسته‌اند، مرزهای شرقی ایران را درگیر کنند که فعلاً موفق نشده‌اند.

تجمع را حزب سبز (Greens) که شریک دولت ائتلافی آلمان می باشد و وزارت خارجه آن را در دست دارد، به عهده داشت.

«النبائروک» روز هفتم مهرماه در پارلمان این کشور خواستار تحقیق درباره مرگ مهسا امینی شد و بر این اساس رهبری کشورهای کانادا، بلژیک، سوئد، اسپانیا، فرانسه و شیلی را در این ادعا برعهده گرفت. این کشور و حزب سبزها در فروردین ۱۳۷۹ نیز به محل تجمع ضدایرانی تبدیل شده بود. در آن اجتماع هم «یوشکافیشر» که وزیر خارجه آلمان و عضو حزب سبزها بود، در سخنرانی افتتاحیه این اجلاس ضدایرانی گفت: «باید در ایران تغییرات بنیادین انجام شود». در هر دو نشست، آلمان ها وظیفه داشتند مخالفان مختلف و ناهمگن جمهوری اسلامی را به نیابت از آمریکا، مرتبط و هم آهنگ سازند. آنان در سال ۱۳۷۹ و در فضای دولت سید محمد خاتمی توانستند چهره های مخالف مرتبط با دولت ایران نظیر اکبر گنجی، حسن یوسفی اشکوری، علیرضا علوی تبار، حمیدرضا جلایی پور، چنگیز پهلوان، مهرانگیزکار، شهلا شرکت، شهلا لاهیجی، جمیله کدیور، محمدعلی سپانلو و منیرو روانی پور را هم در کنار کمونیست ها، منافقین و سلطنت طلب ها بنشانند.

علاوه بر این، سفارت آلمان در تهران نیز این بار نقش ویژه ای برعهده داشت و در ارتباط گیری با لیدرهای اغتشاش از همه فعال تربود و بر این اساس، بیانیه مشترک ۸ مهرماه وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه، از دستگیری تعدادی از اتباع آلمانی در کنار چند تبعه انگلیس و فرانسه خبر داد. با این حال در جریان تجمع اخیر برلین، دولت های آمریکا و آلمان برخلاف سال ۷۹ نتوانستند جریان موسوم به اصلاح طلبان را به گروه مخالفان ایران ضمیمه نمایند و این بار در عمل پیوند داخل و خارج، به پیوند گروه های عمدتاً مسلح خارج از کشور، به آشوب طلبان مجزیه سلاح های گرم و سرد محدود گردید.

دولت آمریکا علیرغم نیازی که به مذاکرات هسته ای و بازگرداندن ایران به توافق هسته ای دارد روی آشوب های ایران متمرکز شده است تا جایی که «جان کربی» سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا در روز ۱۴ آبان ماه یعنی حدود دو ماه پس از آغاز آشوب ها در ایران در جمع خبرنگاران گفت «ما نه دنبال دور جدیدی از مذاکرات هسته ای هستیم و نه چنین درخواستی داده ایم» وی گفت در حال حاضر اولویت ما پاسخگو کردن ایران نسبت به سرکوب معترضان بی گناه است و اضافه کرد «آمریکا هزینه های بیشتری به عاملان خشونت علیه معترضان اعمال خواهد کرد».



آشوب در دولت حجت الاسلام رئیسی با رمز آزادی زنان صورت گرفته است و حال آنکه زنان به طور نسبی در دولت وی آزادی عمل بیشتری داشته‌اند و از قضا تمایلی هم به وارد شدن در فضاهای اعتراضی علیه دولت ندارند و لذا آمریکا ناگزیر شد دست به دامان مردان در شبکه‌های ایجاد شده شود و دست به جنبش زنانه رنگی مردانه بزند!

تحلیل‌های ۴۰

۱۳

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رزمندگان اسلام

دولت آمریکا در سوم تا پنجم خرداد ماه سال جاری نشستی از عناصر ضد انقلاب ایرانی در شهر اسلو پایتخت نروژ برگزار کرد که در آن مؤسسات صهیونیستی نیز مشارکت داشتند. این نشست با عنوان «حمایت از حقوق زنان و امنیت مادر ایران» برگزار گردید. آنچه سه ماه بعد در ایران دنبال شد یعنی همگرا کردن موضوع زنان و کردها، نقش آمریکا و صهیونیست‌ها در مهندسی و اداره این آشوب‌ها را بر ملا می‌کند.

یکی از برنامه‌های آمریکا در سال‌های اخیر، جنگ ترکیبی علیه ایران بوده است. ترکیب تهدیدات امنیتی، بحران اجتماعی، بحران سیاسی، تأثیرگذاری روی روابط خارجی، همگرا کردن کشورهای مخالف ایران، تضعیف دولت‌ها و گروه‌های غیردولتی همگرا با ایران، تأثیرگذاری روی افکار عمومی، تشدید فشارهای اقتصادی و راه انداختن جنگ مشروعیت و مقبولیت رهبری در ایران و در نهایت تلاش برای ایجاد افق تاریک برای ایرانیان صورت گرفته است. دولت آمریکا در همه مواردی که ذکر شد نقش اساسی به عهده داشته است.

براین اساس دولت آمریکا در صدد برآمده است شبکه‌ای از معترضان آموزش دیده و تحت مدیریت خود را در ایران پدید آورد. واشنگتن در این راه از سفارت خانه‌های خارجی به ویژه سفارت خانه‌های چهار کشور آلمان، فرانسه، انگلیس و بلژیک استفاده زیادی کرده است. کما اینکه در سطح منطقه‌ای از دولت‌های اقلیم کردستان، دولت امارات، دولت عربستان و دولت جمهوری آذربایجان استفاده نموده است. یک خبر موثق هم بیانگر آن است که آمریکایی‌ها به منظور آشوب ناک کردن مرزهای ایران، مذاکراتی با طالبان هم داشته و در ازای آزاد سازی پول‌های آنان و به رسمیت شناخته شدن، از آنان خواسته‌اند، مرزهای شرقی ایران را درگیر کنند که فعلاً موفق نشده‌اند.

دشواری‌های آمریکا

در عین حال این نکته را باید در نظر داشت که دولت آمریکا در مواجهه با ایران و رهبری جنگ ترکیبی با دشواری‌های زیادی هم مواجه می‌باشد. این دشواری‌ها را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱. شکست برنامه‌های قبلی آمریکا، اعتماد به نفس مخالفان ایران اعم از

گروه‌های ضد انقلاب و دولت‌های منطقه‌ای مخالف ایران را کاهش داده است. خود طرح جنگ ترکیبی که در دولت‌های ترامپ و بایدن دنبال شده است و به معنای شدت دادن به کارزار غرب علیه ایران است، اعتراف به شکست انواعی از برنامه‌های قبلی به حساب می‌آید. مخالفان ایران طبعاً می‌پرسند وقتی برنامه‌های قبلی نتیجه بخش نبوده است، چه اعتمادی به دستور کار جدید علیه ایران وجود دارد؟ براین اساس طی سال‌های اخیر مخالفت با ایران نه تنها زایشی نداشته، بلکه تلفاتی هم داده است. نمونه آن رامی‌توانیم در مخالفت طیف‌هایی مثل نهضت آزادی و جبهه ملی، که دو گروه سنتی مخالف جمهوری اسلامی محسوب می‌گردند، با اقدامات آشوب‌گرانه در ایران مشاهده کنیم.

۲. آمریکا در شرایطی پروژه جنگ ترکیبی را رقم زده و به همراهی سطح وسیعی از دولت‌ها با خود امید بسته که در سطح بین‌الملل شکاف‌هایی پدید آمده است، روسیه، چین و به طور کلی اعضای دو گروه موثر شانگهای و بریکس حاضر به مشارکت در طرح‌های ضد ایرانی آمریکا نیستند و حلقه بسته اطراف ایران در دهه‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ اینک شکسته شده است. پس ایران می‌تواند از این فضا برای شکست سیاست‌های آمریکا علیه خود استفاده کند.

۳. ایران برخلاف گذشته انسجام ویژه‌ای پیدا کرده و پیروزی اصولگرایان در ایران شرایط را برای پیشبرد سیاست‌های ضد ایرانی سخت نموده است. رهبری، دولت ایران و قوای دیگر در جمهوری اسلامی در این مرحله در وضعیت سایش و تضعیف یکدیگر قرار ندارند و جمع‌بندی مختلفی در نهادهای تصمیم‌گیر ایرانی به چشم نمی‌خورد. علاوه بر آن شکست پی‌درپی انتخاباتی جریان غرب‌گرا در ایران، آن‌ها را در موقعیت و وضعیت انفعال قرار داده است. با این وصف در این دوره همان‌طور که سفیر سابق آمریکا در مصر و هند گفت دسترسی آمریکا به داخل ایران کمتر از گذشته شده است.

۴. با وجودی که شبکه‌های اینترنتی و اجتماعی امکان راهبری اقدامات کف‌خیابان‌ها را برای آمریکا و صهیونیسم هموار کرده است ولی این شبکه‌ها در معرض اعمال محدودیت قرار دارند و می‌توانند از سوی حکومت ایران نیز ردیابی و عوامل فعال در آن شناسایی شوند. به همین جهت آمریکایی‌ها با احساس آسیب‌پذیری این شبکه‌ها، از تکیه بر «استارلینک‌ها» صحبت کرده‌اند که این نیز بدون آنتن زمینی امکان ارتباط‌گیری ندارد و حداقل یک سال زمان می‌خواهد تا بستر آن فراهم گردد.



با وجودی که شبکه‌های اینترنتی و اجتماعی امکان راهبری اقدامات کف خیابان‌ها را برای آمریکا و صهیونیسم هموار کرده است ولی این شبکه‌ها در معرض اعمال محدودیت قرار دارند و می‌توانند از سوی حکومت ایران نیز ردیابی و عوامل فعال در آن شناسایی شوند. به همین جهت آمریکایی‌ها با احساس آسیب‌پذیری این شبکه‌ها، از تکیه بر «استارلینک‌ها» صحبت کرده‌اند که این نیز بدون آنتن زمینی امکان ارتباط گیری ندارد و حداقل یک سال زمان می‌خواهد تا بستر آن فراهم گردد.

تحلیل ژنرالها

۱۵

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رزمندگان اسلام

۵. یکی دیگر از محدودیت‌های آمریکا در راهبرد برنامه جنگ ترکیبی علیه ایران، خود نظام جمهوری اسلامی است. متناسب با برنامه دشمن عمل کردن حکومت در ایران، یکی از پیش نیازهای جدی موفقیت این جنگ می‌باشد. جمهوری اسلامی از آنجا که تجربه ۴۴ سال هم‌اوردی با آمریکا را دارد، از افتادن به دام دشمن پرهیز کرده و حتی به مرحله مصونیت رسیده است در همین اغتشاشات اخیر جمع‌بندی آمریکایی‌ها این بود که وقتی عملیات خشونت بار علیه جان مردم و نیروهای حافظ امنیت در ایران راه بیفتد، حکومت ناگزیر به اقدام متقابل شده و این سبب تشدید خشونت و ترکیب خشونت قانونی و خشونت غیرقانونی می‌شود؛ آن‌گاه کار به جایی می‌رسد که جمع زیادی از خانواده‌ها که از این مسابقه خشونت آسیب دیده‌اند، علیه وضع موجود به صحنه می‌آیند و در این بین جمهوری اسلامی یا مضمحل می‌شود و یا میدان راشکست خورده ترک می‌کند و در اقدام بعدی از پای درمی‌آید.

اما جمهوری اسلامی به این دام نیفتاد. جهاد تبیین که از مدت‌ها قبل و به خصوص از زمان برگزاری نشست خرداد ماه نروژ روی آن تأکید می‌شد، در واقع پایه مواجهه ایران را به جای مقابله شدید میدانی به مواجهه تبیینی تبدیل کرد. جهاد تبیین روی جهاد شناخت استوار می‌باشد و از این رو رهبر معظم انقلاب در اولین واکنش به اغتشاش‌های اخیر، از چهار گروه فعال در این صحنه سخن گفت؛

یک گروه دشمنان خارجی ایران و به طور خاص آمریکا و صهیونیست‌ها و تا حدی عربستان سعودی است که ایشان در این میان از وجود یک طرح پیچیده و چند بعدی و ترکیبی از سوی آنان سخن گفت و دست‌اندرکاران کشور را به هوشیاری دعوت نمود.

گروه دوم برخی شخصیت‌ها و برخی گروه‌های سیاسی داخل ایران هستند که بدون اشراف بروضعیت و بدون دست یافتن به حقیقت، موضع همگرایانه‌ای با اغتشاش‌گران گرفته بودند، رهبر این‌ها را به اصلاح موضع خود فراخواند.

گروه سوم افراد بد سابقه و شرور شامل عوامل رژیم سابق، منافقین و عناصر سابقه‌دار شرور بود که رهبری دستگاه‌های امنیتی و قضایی کشور را به مقابله قانونی با آنان دعوت کردند.

و گروه چهارم شامل جوانان و افرادی است که تحت تأثیر تبلیغات شبکه های مجازی قرار گرفته و به آشوب طلبان کمک کرده اند. رهبری این گروه را هم قابل بخشش دانستند. همزمان با این دسته بندی به پلیس دستور داده شد حتی الامکان جانب مدارا را رها نکنند و به تشدید خشونت کمک ننمایند. از این رو در این صحنه آسیب نیروهای انتظامی بیش از آسیب آشوب طلبان بود.

۶. یکی دیگر از مشکلات جنگ ترکیبی ناسازگاری طرح با روحیه ایرانی ها بود. جنگ ترکیبی طی سال های اخیر، ایران را هدف گرفته و مردم می دانند که هدف آمریکا و... تضعیف قدرت و آینده ایران است. تبلیغات غرب مبنی بر اینکه ایران به دلیل تخلف از پروتکل جهانی هسته ای تحت فشار است و یا تبلیغات ناظر به اینکه حکومت ایران به دلیل نقض حقوق بشر تحت فشار قرار گرفته است، برای ایرانی ها قابل پذیرش نیست؛ چرا که از یک سو اغلب ایرانی ها از سیاست پیگیری انرژی صلح آمیز هسته ای و حتی فراتر از آن حمایت می کنند و اینک نظام زیر سؤال مرم قرار دارد که چرا تسلیحات هسته ای نه؟ از سوی دیگر مردم کوچه و بازار مشکلی با جامعه مطلوب جمهوری اسلامی ندارند و حقوق مطرح در جامعه ایران از جمله حقوق زنان، یک معضل نیست. زنان اگر هم دنبال اختیارات بیشتر و وضعیت بهتری باشند، این اختیارات و وضعیت توسط اسلام و قوانین جمهوری اسلامی محدود نشده اند و به سنت های اجتماعی ایران و نوع نگاه و فرهنگ جامعه ایران به خصوص در استان های جنوبی باز می گردد و نظام از این دسته از محدودیت ها حمایت نمی کند. غرب نمی تواند مردم در جامعه ایران اعم از آنکه مذهبی باشند یا نباشند را با خود همراه کند و لذا در دعوت از جامعه ایران با درب بسته مواجه می گردد.

۷. موضوع دیگر در این میان بی آبرویی اپوزیسیون در ایران است. اپوزیسیون ایرانی جایگاه اجتماعی ندارد. بسیاری از گروه های سنتی به تاریخ پیوسته اند و اصولاً مردم کوچه و بازار ارتباطی با آنان نداشته و اغلب حتی نام آنان را هم نمی دانند. بخشی از اپوزیسیون ایرانی شامل مجاهدین خلق و کومله متهم به قتل هزاران نفر از مردم کوچه و بازار هستند. لیست شهروندان ترور شده توسط این گروهک ها از ۱۷۰۰۰ نفر فراتر رفته است. بنابراین این گروه ها نیز نمی توانند ارتباطی با جامعه ایرانی برقرار نمایند. گروه های جدید که هر روز بانامی ظاهر می شوند، نیز وجهه ای در میان مردم ندارند وقتی یک نام جدید مثل پاک یا پازاک مطرح می شود، نمی تواند در سطح جامعه ایران رسوخ کند و اعتمادی را برانگیزد. در همین روند افرادی که سلبریتی نامیده می شوند هم حداکثر می توانند اکانت هایی در بستر فضای



آمریکایی‌ها در زمانی که به فضای آرامش با ایران احتیاج داشتند، تنش با ایران را بازسازی کردند و به شکل غیر عقلانی تری علیه ایران وارد عمل شده و قواعد - پرنسپ - خود را هم زیر پا گذاشتند. سازمان سیادر حمایت از قمه به دست‌ها وارد میدان شد و البته گمان می‌کرد مردم می‌پویندند و اغتشاش خونین و فراگیر قمه و قابل‌لمه - خاطره دوره آینده - شکل می‌گیرد. این رویا به شکلی که اسفند ۱۳۹۹ سکان این سازمان جهانی را بر عهده گرفته - «دیوید کوهن» معاون او در نظر داشتند، پیش‌رفت و قابل‌لمه‌های خیالی او به میدان نیامدند.

تحلیل‌های

۱۲

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیسندگان اسلام

مجازی ایجاد کنند و دنبال کنندگانی داشته باشند و احیاناً به عدد دنبال کنندگان (فالورها) خود افتخار نمایند.

افق دشمنی‌های آمریکا علیه ایران

دشمنی آمریکا علیه ایران موضوعی و انگیزه‌ای نیست یعنی به موضوعات خاص و تحت انگیزه‌های زمانی قرار ندارد. آمریکا، به طور واقعی ایران را تهدیدی علیه خود تلقی می‌کند. برداشت جامعه اطلاعاتی و نویسندگان آخرین سند امنیت دفاعی آمریکا درست است؛ ایران مانع تحقق سیاست‌های آمریکا در منطقه است. ایران در صدد اخراج آمریکا از منطقه می‌باشد و ایران این سیاست را بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی اتخاذ نکرده است. اقدامات پی‌درپی ضد ایرانی آمریکا که دارای جلوه‌های مختلف از جمله جلوه نظامی می‌باشد، جمهوری اسلامی را به این نتیجه رسانده که امنیت ایران وابسته به عدم حضور نظامی آمریکا در محیط پیرامونی کشور است و این در حالی است که برای آمریکا رفتن از منطقه غرب آسیا، وداع با جهان به عنوان یک ابر قدرت بوده و نمی‌تواند به صورت طبیعی مورد پذیرش مقامات این کشور قرار گیرد. از این رویک مقام کاخ سفید در تازه‌ترین اظهارات گفت: «این سخن که اولویت خاورمیانه برای آمریکا کم رنگ شده است واقعیت نداشته و ایالات متحده کماکان به این منطقه به عنوان کلید اداره جهان نگاه می‌کند.»

بنابراین با قاطعیت می‌توانیم بگوئیم دشمنی آمریکا علیه ایران در دهه‌های آینده نیز استمرار می‌یابد و طبعاً واکنش‌گن از کشورهای وابسته و یا همگرا با خود در جهان علیه ایران استفاده می‌کند.

از آن طرف جمهوری اسلامی چاره‌ای جز افزایش مقاومت در برابر آمریکا ندارد و نمی‌تواند از مقابل آمریکا بگریزد. ایران در عین حال افق‌هایی دارد که نیازی هم به مماشات با آمریکا پیدا نمی‌کند. پیگیری سیاست همسایگی و گسترش رابطه با شرق، ایران را از نظر اقتصادی بی‌نیاز می‌کند و پیگیری پروژه‌های علمی به خصوص در حوزه تکنولوژی‌های نوین، امکان رشد صنعتی ایران را فراهم می‌نماید و پیشرفت ایران در زمینه‌های فرهنگی می‌تواند، فضای بهتری را برای زندگی طیف‌های مختلف ایران پدید آورد و اصلاحات اقتصادی می‌تواند شرایط زندگی مردم را بهبود بخشد و جامعه ایران را به نقطه اطمینان برساند.

تحليل ودراما



دکتر بداله جوانی

اعتراض - اعتشاش ؛ ضرورت پانگھولی بہ سوالات و شبہات

حوادث و اغتشاشات پدید آمده در کشور به بهانه فوت خانم مهسا امینی، از ابعاد و زوایای مختلف قابل بررسی و مطالعه می باشد. نکته ای که نباید هیچ تردیدی در آن راه داد، بهانه قرار دادن فوت این خانم برای ایجاد اغتشاش و ناآرامی در کشور است.

رهبر حکیم انقلاب اسلامی در بیانات ۱۱ مهر در مراسم مشترک دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه های افسری نیروهای مسلح، با اشاره به نقش دشمنان در این حوادث و اغتشاشات فرمودند: «این حرکات عادی نبود، طبیعی نبود. این اغتشاش برنامه ریزی داشت، این اغتشاش برنامه ریزی شده بود. اگر قضیه این دختر جوان هم نبود، یک بهانه دیگری درست می کردند برای اینکه امسال در اول مهر به دلیلی که عرض خواهم کرد، در کشور ناامنی درست کنند، اغتشاش درست کنند.»

اشاره مقام معظم رهبری به ایجاد اغتشاش از سوی دشمنان در اول مهر، بیانگر یک واقعیت تلخ است و آن اینکه، دشمنان تصور می کنند در نسل جوان و نوجوان ایرانی، ظرفیت های بالایی برای کشاندن آنان به صحنه های اعتراض و اغتشاش وجود دارد. البته بخش قابل توجهی از این ظرفیت های پدید آمده، ناشی از غفلت ها و کم کاری ها و کارویژه های جریان نفوذ در نظام آموزشی کشور و بخش مهم نتیجه تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمنان در دو دهه گذشته است. اکنون در کشور میان نسل های گذشته و جدید، یک ناهماهنگی شناختی و ادراکی، نسبت به موضوعات مختلف پدید آمده است. این ناهماهنگی شناختی و ادراکی، در قالب سوالات و شبهات به شکل های مختلف مطرح می شود.

بسیار روشن است که یکی از راه های کاهش اعتراضات و جلوگیری از اغتشاشات، پاسخگویی درست و منطقی به سوالات و شبهات نسل جوان در مدارس و دانشگاه ها می باشد. در این نوشتار، به اجمال در این خصوص مواردی مطرح می شود.

حوادث تلخ و ناگوار شهریور و مهرماه ۱۴۰۱، گرچه به ظاهر باز یگرانش عده‌ای از جوانان دختر و پسر این سرزمین در خیابان‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس کشور بودند، لکن طراحی و برنامه‌ریزی اصلی آن را دشمنان خارجی انجام داده و این دشمنان، تمامی ظرفیت‌های خود را برای رسیدن به اهداف چند لایه‌ای و چند مرحله‌ای به کار گرفتند. آن چه در این حوادث رخ داد، حکایت از یک جنگ احزاب، یک جنگ ترکیبی و همه جانبه داشت. رویارویی جبهه حق و باطل در ۴۳ سال گذشته، بیانگر یک واقعیت است و آن اینکه، انقلاب اسلامی و نظام ولایی مستقر در ایران به عنوان جبهه حق و توحید محور، دشمنان ثابت دارد که عبارتند از: آمریکا، رژیم صهیونیستی، برخی از کشورهای اروپایی مانند انگلیس خبیث و دولت‌های مرتجع عرب در منطقه همانند رژیم سعودی. اما این دشمنان ثابت کینه توز برای رسیدن به اهداف خود در مقابل با جمهوری اسلامی و ملت ایران، هر از چندی به یک ابزاری و باز یگرانی به اقتضای شرایط متوسل می‌شوند. روزی سراغ منافقین می‌روند و از طریق ترور رهبران انقلاب می‌خواهند این انقلاب را شکست دهند، روزی سراغ گروهک‌های قومی تجزیه طلب می‌روند و از طریق تجزیه ایران می‌خواهند انقلاب اسلامی را شکست داده و جمهوری اسلامی را ساقط نمایند و روزی هم با تحریک صدام و تجهیز آن و به راه انداختن یک جنگ جهانی علیه ملت ایران می‌خواهند به اهداف خود برسند. اما شکست دشمنان کینه توز در همه این توطئه‌ها، آنان را به سمت برخی از جریان‌های سیاسی سوق داده و در نهایت با استفاده از ظرفیت انتخابات و صندوق رای با پدید آوردن جریان اصلاحات، به دنبال براندازی قانونی به زعم خود در ایران هستند. با شکست این نقشه در یک دوره ۸ ساله از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، به دنبال اجرای نقشه دیگری با الگوگیری از انقلاب‌های رنگی رفته و با بکارگیری بخشی از جریان‌ها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی استحاله شده و منفعت‌گرای کشور، فتنه آمریکایی - صهیونیستی ۸۸ را پدید آورده و تصور می‌کردند این بار کار جمهوری اسلامی تمام می‌شود! با شکست این توطئه، داستان تحریم‌ها و فشارهای حداکثری و به زعم آنان تحریم‌های فلج‌کننده را تا جایی دنبال کردند که رسماً اعلام کردند، جمهوری اسلامی چهل سالگی خود را نخواهد دید، هم زمان به این توطئه‌ها، جنگ‌های نیابتی



پرسش اصلی این است که در برابر چنین توطئه و نقشه‌ای که دشمنان طراحی نموده و در حال اجرای آن می‌باشند، چه باید کرد؟ پاسخ آن است که در برابر این تهاجم ترکیبی، اقدام‌ها هم باید ترکیبی و در حوزه‌های گوناگون باشد. به طور قطع یکی از حوزه‌های اصلی، حوزه جهاد تبیین، روشنگری، بصیرت افزایی و پاسخ به سوالات، شبهات مردم و خصوصاً نسل جوان است.

تحلیل و راه‌ها

راهم در منطقه پدید می‌آوردند. اما واقعیت آن است که دشمنان در تمامی این صحنه‌ها با شکست سخت و راهبردی مواجه شده و جمهوری اسلامی به دنبال انتخابات‌های ۱۳۹۸ مجلس و ۱۴۰۰ ریاست جمهوری، وارد یک فصل نوین برای برداشتن گام‌های بزرگ در مسیر پیشرفت و حل مشکلات خود می‌شود. در چنین شرایطی است که دشمنان اصلی، نقشه جدید خود را عملیاتی کرده، با استفاده از ظرفیت‌های ایجاد نموده در کشور طی سالیان گذشته در حوزه زنان، دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و شبکه‌سازی‌های گوناگون در داخل ایران، می‌خواهند با هدف قرار دادن امنیت، آرامش و ثبات داخلی، حرکت پیشرفت کشور را متوقف نمایند. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در بیانات ۱۱ مهر خود، با تصریح بر اینکه برنامه ریزی برای ایجاد اغتشاش در کشور، کار آمریکا، رژیم صهیونیستی و دنباله‌روهای آنان است؛ در خصوص انگیزه‌ی این دشمنان از ایجاد اغتشاش در کشور می‌فرمایند: «حالا انگیزه دولت‌های خارجی چیست؟ آنچه بنده احساس می‌کنم، انگیزه‌ی آن‌ها این است که احساس می‌کنند کشور در حال پیشرفت به سمت قدرت همه‌جانبه است و این را نمی‌توانند تحمل کنند؛ این را احساس می‌کنند، می‌بینند که بحمدالله بعضی از گره‌های قدیمی در حال گشوده شدن است.»

مقام معظم رهبری در تحلیل جامع و کامل حوادث و نقش دشمنان در پدید آوردن اغتشاشات به بخش‌هایی از نقشه دشمنان اشاره کرده و می‌فرمایند: «برنامه ریزی کرده‌اند برای دانشگاه، برنامه ریزی کرده‌اند که دانشگاه تعطیل بشود، نسل جوان سرگرم بشوند، برای مسئولین کشور مسائل جدیدی به وجود بیاید؛ در شمال غرب کشور، در جنوب غرب کشور مسائلی به وجود بیاید؛ اینها همه سرگرم کننده است؛ این‌ها کارهایی است که برای این دارد ایجاد می‌شود و تحریک می‌شود که حرکت پیشرونده کشور را متوقف کنند.»

هم‌اینک پرسش اصلی این است که در برابر چنین توطئه و نقشه‌ای که دشمنان طراحی نموده و در حال اجرای آن می‌باشند، چه باید کرد؟ پاسخ آن است که در برابر این تهاجم ترکیبی، اقدام‌ها هم باید ترکیبی و در حوزه‌های گوناگون باشد. به طور قطع یکی از حوزه‌های اصلی، حوزه جهاد تبیین، روشنگری، بصیرت افزایی و پاسخ به سوالات، شبهات مردم و خصوصاً نسل

جوان است. تمامی صاحبان قلم، اصحاب رسانه و کسانی که تریبون هایی را مانند هیات های مذهبی، وعاظ و مداحان در اختیار دارند، باید با سوالات مطرح در جامعه و به ویژه سوالات دانشجویان و دانش آموزان آشنا شده، و پاسخ های درست، منطقی و قابل قبول برای این نسل را ارائه نمایند. در شرایط کنونی، افراد توانمند و واجد شرایط باید با هماهنگی مسئولین مربوطه، در دانشگاه ها و مدارس حضور پیدا کرده و به سوالات جوانان در راستای جهاد تبیین و بازکردن گره های ذهنی پاسخ دهند. بر همین اساس در ادامه این نوشتار، ۱۰ سوال پرتکرار در خصوص حوادث اخیر به همراه پاسخ های برگرفته از نشریه پرسمان سیاسی معاونت سیاسی سپاه و ۲۷ سوال پرتکرار در میان دانش آموزان می آید.

سوالات اساسی در خصوص اغتشاشات اخیر

۱- چه نقطه مشترکی را می توان در سیر اعتراض ها و اغتشاش های خیابانی پس از

انقلاب اسلامی به ویژه در دوره زعامت رهبر معظم انقلاب به عیان مشاهده کرد؟

نگاهی به شورش ها و اغتشاشات مشهد، شیراز، اراک، قزوین و اسلامشهر و همچنین کوی دانشگاه تهران در دهه هفتاد شمسی، فتنه سال ۱۳۸۸، اغتشاشات دی ۱۳۹۶ و اغتشاشات آبان ۱۳۹۸ نشان می دهند که دو مؤلفه در همه آنها دیده می شود؛

یک- مداخله بیرونی با طراحی آمریکایی و پشتیبانی اطلاعاتی و مالی برخی کشورهای مسئله دار با انقلاب اسلامی و عملگی منافقین و ضدانقلاب در کف خیابان که اول با اغوا، فریب روانی و رسانه ای برخی از مردم را با خود همراه کرده اند و در نهایت با شناخت آنها از سوی مردم و جدا شدن مردم از آنها دست به خشونت عریان علیه مقدرات، اموال و جان همین مردم زده اند.

دو- مدیریت داهیان رهبری که فتنه و بحران را شناخته و با تبیین صحیح توانسته اند ابتدا صف مردم را از اغتشاشگران و فتنه گران جدا سازند و سپس به صورت قاطع با اغتشاشگران برخورد نمایند. در واقع، رهبر معظم انقلاب در طول دوره زعامت خودشان در مواجهه با این بحران ها سیاست کم و بیش یکسانی را داشته اند و آن، پس زدن «نرمش» در مقابل آشوب طلبان بوده است. همچنین رهبری صف مردم را از اغتشاشگران جدا کرده، ضمن اعتقاد به بررسی مشکلات مردم و توجه به حل ریشه ای آنها و تأکید بر اینکه باید زمینه ها و زخم ها را درمان کرد، اما در مقابل آشوبگران به ویژه



در شرایط کنونی،
افراد توانمند و
واجد شرایط باید با
هماهنگی مسئولین
مربوطه، در
دانشگاه‌ها و مدارس
حضور پیدا کرده و
به سوالات جوانان
در راستای جهاد
تبیین و باز کردن
گره‌های ذهنی
پاسخ دهند.

تحلیل و راه‌ها ۴۰

۲۳

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رزمندگان اسلام

آنهایی که به تحریک صحنه‌گردانان بیرونی به کف خیابان آمده و خواسته‌اند از درد و زخم‌های مردم و جامعه سوء استفاده و بر محمل نیازهای مردم موج سواری کنند، ایستاده‌اند و دستور برخورد با مزدوران جبهه استکبار و ضدانقلاب را داده‌اند.

۲- علت نقش‌آفرینی نوجوانان در این آشوب را چه می‌دانید؟

دلایل نقش‌آفرینی نوجوانان در آشوب‌های اخیر را می‌توان به دو دسته ۱- نقش دشمنان و رسانه‌های آنها و ۲- اقتضائات و شرایط نسل جدید تقسیم کرد: دسته اول دلایل غیرطبیعی ریشه در تحریک ضد انقلاب و بیگانگان معارض دارد که مشخص بوده و نیاز به توضیح چندانی ندارد، اما دسته دوم به ویژگی‌های خاص نوجوانان و شرایط زمانه آنها مربوط می‌شود که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

- حساس بودن مقطع سنی آنها و تحریک پذیری و احساسی بودنشان که اتفاقاً دشمنان نیز با دست گذاشتن بر این حوزه بود که توانستند آنها را وارد خیابان کنند.
- میل بالا به دیده شدن و مؤثر بودن در میان نوجوانان و جوانان. در توضیح باید گفت که جوانان در گذشته بیشتر درگیر مسائل رفاهی بودند، اما بخش زیادی از جوانان، به ویژه جوانان طبقه متوسط و متوسط به بالا، اکنون رفاهیات بی سابقه‌ای را تجربه می‌کنند. به لحاظ روانشناسی، وقتی دغدغه‌های مادی و رفاهی مرتفع می‌شود، نیازهای دیگری در انسان رشد می‌کند، از جمله ابراز وجود و میل به دیده شدن.
- توهم بالای دانایی نزد بخش عمده‌ای از نوجوانان و جوانان امروز با توجه به توسعه دسترسی آنها به شبکه‌های اجتماعی مجازی.
- این واقعیت که آنها در یک محیط بمباران شده از نظر شناختی (با توجه به جنگ شناختی دشمن) قرار دارند و در این محیط، آنها هم سواد رسانه‌ای لازم را ندارند و هم متولیان امر چندان به آموزش و تبیین لازم برای آنها توجه نکرده‌اند.
- گسست در جامعه پذیری سیاسی در کشور؛ بدین معنا که جامعه پذیری

سیاسی نسل نوجوان و جوان کنونی در عصر رسانه‌ها اتفاق افتاده و از این نظر، با پدران‌شان تفاوت‌های جدی دارند. نکته مهم در این میان آن است که در خلال این گسست، فرهنگ سیاسی نه تنها به خوبی منتقل نشده است، بلکه فرهنگ سیاسی معارض در میان آنها رشد کرده است.

- تأثیرپذیری بالای این نسل از معلمان و اساتید دانشگاه که با توجه به نارضایتی‌هایی که در میان معلمان (به‌طور عمده به دلیل مشکلات معیشتی) و اساتید وجود دارد، اساساً ایستارهای مخالف با وضع موجود در میان این نسل بیشتر رشد کرده است.

روانشناسی نوجوانان، باید ما را به سمت رشد و تربیت انسانی و اسلامی نوجوانان هدایت نماید و یکی از زمینه‌های مناسب برای این کار، دوران مدرسه است، به‌ویژه که ارتباطات اولیاء با معلمان و مربیان می‌تواند یک انسجام و سامانه هماهنگ در تربیت، میان خانه و مدرسه ایجاد کند. لذا، سهم و نقش قصورها و احياناً تقصیرهای متولیان امور، قابل توجه و ملاحظه است. از این رهگذر، اهمیت نقش آفرینی بسیج دانش‌آموزی و هیات‌های مذهبی هم روشن می‌شود.

۳- رویکرد نظام نسبت به دهه نودی‌ها چیست و آیا بحران هویت فعلی ادامه خواهد یافت؟

رویکرد نظام نسبت به این نوجوانان، قطعاً جذب و تعالی آنها می‌باشد و با توجه به ریشه‌های هویتی و فرهنگی قوی در جامعه ایران، این امر کار چندان دشواری هم نیست. با این حال، لازمه این امر، دقت در چند نکته است:

- این نسل چندان به امروز و نهمی توجه ندارد، بلکه می‌خواهد زندگی خود را آنگونه که مایل است، بسازد. در این شرایط، دستگاه فکری نظام باید قادر باشد تا به جای ایجاد ممانعت در مسیر تحقق خواسته‌های این نسل، «گزینه‌های جایگزین مناسب» برای آنها ارائه دهد. به عنوان مثال، وقتی عده‌ای از دختران این نسل می‌خواهند برای تماشای فوتبال وارد ورزشگاه شوند، نمی‌توان ابتدا به ساکن با گارد بسته و سلبی با آنها مواجه شد، بلکه باید گفت که حضور در ورزشگاه برای تماشای مسابقات ورزشی زنان بلامانع است و برای مشاهده مسابقات ورزشی مردان نیز باید تمهیداتی اندیشیده شود و شرایطی رعایت شود که در آن صورت

- این مطالبه دختران نسل جوان، بدون هرگونه مسئله ای تأمین شود.
 - دقت در تقویت قدرت اقناع سازی. واقعیت آن است که بعضی از مطالباتی که از سوی برخی جوانان مطرح می شود، خارج از قواعد است. در این صورت، با اتکا به تبیین درست و منطقی باید به اقناع آنها پرداخت.
 - دقت در رعایت شأن و کرامت این نسل در هرگونه مواجهه با آن ها
 - تقویت امید آنها نسبت به آینده با حل سریع تر مشکلات اقتصادی
 - مبارزه با فساد و شکاف طبقاتی به منظور رفع بسیاری از گره های کورذهنی این نسل
 - دقت در تقویت شایسته سالاری و جوان گرایی در اداره کشور تا نسل جوان به این امید برسد که با تلاش، آنها نیز می توانند نقشی در اداره کشور داشته باشند.
 - بازنگری در مراجع آموزشی و پرورشی این نسل و روزآمدسازی آن ها
 - رسیدگی به مشکلات معیشتی معلمان با توجه به تأثیرپذیری بالای این نسل از معلمان
 - دقت در تقویت پاسخگویی مسئولان و دستگاه های مختلف در قبال عملکرد خود تا از تأثیرپذیری این نسل از تبلیغات دشمنان جلوگیری شود.
- ۴- چرا باید یک جوان دهه هشتادی امیدی به آینده از نظر شغل، مسکن و نیازهای اولیه نداشته باشد؟**

در پاسخ به این سؤال می توان به چند نکته اشاره کرد:

- واقعیت آن است که دسترسی به این امکانات در مقایسه با گذشته بسیار دشوار است، اما باید توجه هم داشت که در گذشته، عموم مردم هیچگاه همه این امکانات را یکجا و در یک زمان تهیه نمی کردند. حتی بسیاری از وسایل که امروز جزو حداقل ضروریات تلقی می شوند از قبیل یخچال، تلویزیون، فرش، خودرو... در گذشته به صورت تدریجی و مرحله ای و در طول چندین سال تهیه می شد. با این حال، منظور آن نیست که جوانان امروز هم باید مانند جوانان ۵۰ سال پیش زندگی کنند، اما این واقعیت را هم نمی توان نادیده گرفت که تهیه یکباره این همه وسایل،

- واقعاً دشوار است. بنابراین، اصل تدرج را باید در نظر داشت.
- اگرچه سطح نیازهای موجود در کشور رشد کرده، اما در این شرایط، سطح درآمدها برای بخش‌های زیادی از مردم هم رشد کرده است. با این حال، در تلاش برای تأمین نیازها بایستی به اهم و مهم توجه داشت. در واقع، با حذف تجملات و غیرضروریات، می‌توان از بار مشکلات و فشارهای اقتصادی کاست.
- اگرچه تورم بالا وجود دارد، اما در نقطه مقابل، ارزش‌هایی چون سخت‌کوشی، قناعت، عدم اسراف و عدم تجمل‌گرایی نیز در میان مردم کمرنگ شده است.
- به این واقعیت هم باید توجه داشت که بالاخره تحریم‌ها و فشارهای خارجی در رقم خوردن این شرایط هم تأثیرگذار بوده است؛ یعنی بخشی از این شرایط خارج از کنترل مسئولان می‌باشد.

۵- چرا تاکنون سازوکار مشخصی برای اعتراضات قانونی وجود نداشته و اقداماتی

برای استفاده از ظرفیت اصل ۲۷ قانون اساسی پیش‌بینی نمی‌شود؟

اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جزو اصولی از قانون اساسی به حساب می‌آید که در دوره تصویب اصول قانون اساسی توسط مجلس خبرگان بیشترین بحث‌ها و اختلافات را به خود اختصاص داده است. شدت اختلافات بین اعضای خبرگان درباره این اصل به حدی بود که در نهایت این اصل در جلسه ۶۵ بررسی اصول قانون اساسی یعنی دو جلسه مانده به آخر تصویب شد. بررسی بخش‌هایی از مذاکرات مربوط به اصول قانون اساسی گویای آن است که اختلاف نظرها درباره چگونگی گنجاندن این اصل در متن قانون اساسی بسیار جدی و با فاصله زیاد از نظر فکری بوده است. در بین اعضای خبرگان قانون اساسی، دو دسته افراد در این باره دیدگاه خودشان را ارائه کرده‌اند. دسته اول بر این اعتقاد هستند که متأثر از فضای پدیدآمده ناشی از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران به موضوع آزادی تجمعات و اعتراضات نگاه حداکثری دارند و معتقدند که هیچ قید و شرطی را نباید برای آزادی تجمعات گذاشت. دسته دوم اعضای خبرگان قانون اساسی نگاه دولت‌محور دارند و بر این عقیده اصرار می‌ورزند که درست نیست دولت را در عرصه مدیریت و اداره جامعه و حفظ نظم عمومی دچار محدودیت کنیم و در نهایت این گروه قیود متعددی را در جهت ایجاد محدودیت بر این اصل مطرح می‌نمایند. به هر ترتیب پس از بحث‌های مفصل و طولانی و در آخرین جلسات بررسی

پیش نویس قانون اساسی این دو رویکرد در قالب اصل ۲۷ قانون اساسی
تجمیع شده و به این شکل در قانون اساسی قرار داده شد. «تشکیل اجتماعات
و راهپیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد،
آزاد است.» یک نگاه که موافق با آزادی کامل تجمعات و اعتراضات است و نگاه
دیگر مقید به محدود کردن اعتراضات را دنبال می کرد. هر چند در بین برخی
از اعضای خبرگان این تفکر نیز وجود داشته که به طور کلی این اصل بایستی از
قانون اساسی حذف شود.

نکته مهم در این باره آن است که یکی از دلایل اجرانشدن کامل این اصل
قانون اساسی در دوره های بعدی نظام جمهوری اسلامی را بایستی ناشی از
رهیافت های مختلفی دانست که در زمان تصویب این اصل قانون اساسی بین
اعضای خبرگان پدید آمده بود. در حقیقت باید اینگونه موضوع را تکمیل کرد
که هر چند با تجمیع دو نگاه مسئله نحوه گنجاندن اصل ۲۷ در قانون اساسی
فیصله پیدا کرد، اما اختلاف نظر بین دو دیدگاه که بعضاً نسبت به هم فاصله
زیادی نیز داشتند، همچنان باقی ماند و اثر وضعی این اختلاف نظر در حوزه
اجرای این اصل به طور کامل خود را نشان داده است.

این واقعیت غیر قابل انکار است که مضاف بر اختلافات گذشته که بر سر اصل
تصویب اصل ۲۷ قانون اساسی پدید آمد و کار اجرای این اصل را دشوار ساخت،
به دلیل دشمنی سرسختانه و تهاجم فرهنگی و عملیات روانی بسیار سنگین
نظام سلطه با کشور ما فضای سیاسی - امنیتی حاکم بر جامعه ایرانی کاملاً
متفاوت با کشورهایمانند کشورهای اروپایی است که هیچ دشمنی ندارند.
شاید پتانسیل تجمع اعتراضی چند صد هزار نفره در کشورهای اروپایی برای
تبدیل شدن به اغتشاش بسیار نازل تر از پتانسیل تبدیل شدن یک تجمع صد
نفری به اغتشاش در ایران است. دلیل آن هم مشخص است، در فضای عمومی
ایران چندین سرویس جاسوسی و اطلاعاتی برای سوء استفاده از این تجمعات
هست که در کشورهای غربی اساساً چنین مسائلی موضوعیت ندارد. جنگ
روانی که بر روی ملت ایران انجام می شود، بر روی هیچ ملتی انجام نمی شود
و این باعث می شود اعصاب و روان ملت ایران مملو از تشویش ها، اضطراب ها
و نگرانی های ممتراکم و نا امیدکننده شود. از این رو کوچک ترین تجمعی در

ایران از سوی دشمنان تبدیل به اغتشاش می شود؛ هر جا اعتراض بحقی هم صورت بگیرد سریعاً توسط برخی عوامل مزدور و فریب خورده به انحراف کشیده می شود و سریعاً اعتراض به اغتشاش مبدل می گردد. لذا مسئولان کشور به راحتی نمی توانند برای هر تجمعی مجوز صادر کنند، چون شرایط ایران اسلامی در جهان کاملاً شرایط متفاوتی است. اگر شرایط سیاسی - امنیتی ایران را هریک از کشورهای غربی داشتند، حتی اجازه تجمع ۱۰ نفره هم نمی دادند چنانکه در شرایط بحرانی به هیچ عنوان مجوز نمی دهند. در هر حال ریشه عدم اجرا و استفاده از ظرفیت نهفته در اصل ۲۷ قانون اساسی را بایستی در اختلاف نظر تاریخی بین اعضای خبرگان و امتداد آن اختلاف در سال های بعدی و نگرانی های ناشی از تحرکات و طراحی های خشونت آمیز دشمنان جست و جو کرد.

در پایان بایستی به نقش دولت ها در عدم اجرای اصل ۲۷ نیز اشاره کرد. دولت های گوناگون در کشور که خود برآمده از تفکرات گوناگون سیاسی کشور بوده اند، مادامیکه در قدرت نیستند اجرای این اصل را مطالبه می کنند. اما زمانی که قوه اجرایی در اختیار آنها قرار دارد با محاسبه اینکه تحقق این امر زمینه نقد و اعتراض به آنها و جریان سیاسی متبوع آنها را فراهم می کند، لذا فراهم ساختن تمهیدات اجرای این اصل قانون اساسی را پیگیری نمی کنند. اگر هم در مواردی در زمان استقرار دولت همفکرشان بحث آزادی تجمعات و یافتن سازوکارهای اجرایی آن را مطرح می کنند، بیشتر به ژست سیاسی دموکراتیک شباهت دارد تا اینکه به صورت واقعی دیدگاه خود را ابراز کرده باشند. شاهد مثال اینکه در کشور حتی دولت های باگرایش اصلاح طلبی درباره اجرای اصل ۲۷ قدمی برنداشته اند.

در هر حال امید آن است که موضوع فراهم ساختن اجرای اصل ۲۷ که اخیراً از سوی آقای رئیسی عنوان شده است، با بررسی همه جانبه و در نظر گرفتن همه ابعاد کار در عمل به یک نقطه مطلوبی برسد و دولت سیزدهم برای نخستین بار در این زمینه قدم اولیه را بردارد و دولت انقلابی پیشگام حرکت جدی و اصولی درباره عملیاتی سازی این امر مهم و ضروری باشد. در پایان لازم است این نکته را نیز مد نظر قرار داد که سامان دادن به وضعیت احزاب، تشکل های صنفی و برخی گروه های واسط، نقش کلیدی و تعیین کننده در حرکت به سمت تحقق اصل ۲۷ قانون اساسی دارد.

۶- با توجه به وقوع اغتشاشات اخیر که پیرو فوت مهسا امینی اتفاق افتاد، در میان بسیاری از کارشناسان و مردم صحبت از این می شود که باید به فکر ایجاد بستری برای بیان اعتراضات مردم بود. در این خصوص این سؤال مطرح می شود که اساساً آیا با ایجاد یک بسترو طراحی سازوکاری برای برقراری اعتراض، مشکل معترضان رفع می شود؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤال در ابتدا باید به این نکته توجه کرد که پروسه اعتراض چند گام دارد:

گام اول فرایندی است که به ایجاد فکر اعتراض در ذهن اعتراض کننده می انجامد، به بیانی ساده تر چرا یک نفر یا یک جمعیت به این نتیجه می رسند که باید در یک موضوع یا چند موضوع دست به اعتراض بزنند؟ گام دوم اینکه آنها تصمیم می گیرند این اعتراض را در چه قالب و به چه شکلی بیان کنند که شنیده شود و گام سوم، ارزیابی نتیجه حاصل از این اعتراض است.

براین اساس خاستگاه اعتراضات همان گام اول است؛ یعنی اگر مسئله ای برای اعتراض نباشد، طبیعتاً مراحل بعد هم به وجود نخواهد آمد. این بدین معنی است که هر اندازه نظام های سیاسی برنامه ای روتین و منظم داشته باشند و بتوانند درخواست ها و دغدغه های مردم را شناسایی کنند و بدان پاسخ دهند، اعتراض ها کمتر خواهد بود و عکس این هم صادق است. وقتی سیستم دچار اشکال و خطا در کارکرد باشد و نتواند مسائل را قبل تر شناسایی و برای حل آن اقدام کند، با انبوه اعتراضات مواجه خواهد شد. بنابراین بهترین راهکار، شناسایی و درمان مسائل قبل از وقوع اعتراض است.

۷- اعتراضات و اغتشاشات در کشور چگونه و در چه دسته بندی هایی قابل تحلیل است؟

پیش از هر عملی باید جمعیتی را که به خیابان آمده تجزیه و تحلیل کرد. ما با هر جمعی مواجه هستیم که در رأس آن معاندین با کمترین جمعیت و بیشترین خشونت حضور دارند. طبیعتاً برخورد با اینها از جنس برخورد سخت خواهد بود. گروه بعدی کسانی هستند که خواهان استقرار عدالتند. اینها گروهی هستند که به زعم خودشان از نابرابری های اجتماعی رنج می برند و تشنه اجرای عدالتند.

گروه بعدی کسانی هستند که می‌توان آنها را نوگرایان نامید. اینها گروهی از جوانان و نوجوانان هستند که هنجارها و قواعد رسمی حاکمیت را نمی‌پذیرند. اینها پای از سنت بریده اما دستشان هم به مدرنیسم و پست مدرنیسم نرسیده است و به نوعی دچار ابهام و پرسش‌های حل نشده و گره‌های ذهنی هستند. به قول خودشان فقط می‌خواهند زندگی کنند و شعار «زن، زندگی، آزادی» را مرتب سرمی‌دهند. این افراد و طیف اجتماعی در عصر فضای مجازی و دوران کرونا رشد یافتند. به همین علت، به شدت احساسی و مجازی هستند. اینها نیازمند ارتباط‌گیری، گفت‌وگو، توضیح و کار فرهنگی هستند.

و دسته آخر که بیشترین جمعیت را شامل می‌شود، اقتصاد زدگان به معنی طبقات ضعیفی که تحت فشار اقتصادی بوده و طبقات متوسطی که در حال سقوط به مراحل پایین‌تر هستند. اینها در شرایط فعلی چیزی جز بهبود شرایط اقتصادی نمی‌خواهند، برای اینها آتش بیار معرکه چیزی جز گرانی نیست و تنها راه آرام کردنشان بهبود شرایط اقتصادی است.

بنابراین ما برای مدیریت اعتراضات نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات حساب شده امنیتی، قضایی، فرهنگی و اقتصادی هستیم که هر کدام در صورت موفقیت می‌تواند به بهبود شرایط بینجامد؛ چیزی که جمهوری اسلامی ظرفیت آن را دارد.

۸- چرا معمولاً خواسته‌های طبیعی برخی مردم در کشور تبدیل به اغتشاش

می‌شود و چه عوامل و متغیرهایی در این زمینه نقش مخرب ایفا می‌کنند؟

اساساً وقتی که شکاف‌های اجتماعی در ابعاد وسیعی خود را نشان دهد، باید منتظر وقوع دوگانگی‌های ارزشی در جامعه باشیم. جدایی نسل‌ها، اختلاف دیدگاه‌ها، تفاوت نیازها و در نهایت اختلاف در اهداف همگی سبب می‌شود که افراد جامعه از همدیگر دور شوند. از هم گسیختگی اجتماعی که مخالف اتحاد و همدلی عمومی می‌باشد، موجب می‌شود تا اعتراضات مردمی دچار انحراف و رادیکالیسم گردد و بنابراین احساسات و هیجانات عمومی مردم و گروه‌های اجتماعی در نهایت موجب بروز اغتشاش و خشونت اجتماعی می‌شود.

از سوی دیگر نهادهای تنظیم‌گر روابط دستگاه حاکمیتی و مردم چنانچه تضعیف گردد، در این صورت شاهد بیگانگی اجتماعی مردم و مسئولان خواهیم بود. این بیگانگی اجتماعی، تغییرات اجتماعی را سبب خواهد شد و بنابراین تغییرات اجتماعی در ابعاد

وسیع تر من تجربه اختلاف نظر و زاویه دید افراد شده و هر کدام از این افراد به دنبال اثبات حقانیت خود و قبولاندن سبک زندگی، عقیده و اعتقاد خود خواهند بود. برای اینکه این اتفاق بیفتد مجبور هستند تا از هر روشی برای اثبات خود کمک بگیرند و به همین دلیل ممکن است که روند اعتراضات تبدیل به خشونت و آشوب عمومی گردد. نهادهای تنظیم‌گر روابط در این حالت نقش ضربه‌گیر و تخفیف‌دهنده روند اعتراضات و خشونت را دارند. این نهادهای تنظیم‌گر می‌تواند اعم از احزاب سیاسی، ان‌جی‌اوها، سندیکاها، انجمن‌ها و... باشد. یکی از ریشه‌های اساسی این بحث، ویژگی احساساتی بودن ایرانی‌هاست. هیجانی شدن و رفتارهای خارج از عرف و هنجار در این مسائل به فراخور دیده می‌شود. در این حوادث ابتدای امر موضوع و مطالبه واضح و شفاف است اما بعد از گذشت لحظاتی مسیر آن عوض می‌شود؛ چرا که احساسات و هیجانات افراد بر قوه عاقله آنها مسلط می‌شود و طبیعتاً با چنین صحنه‌هایی روبه‌رو می‌شویم.

تحلیل‌ها

۹- راهکارهای طبیعی برای پیشگیری از اعتراضات و جلوگیری از ایجاد اغتشاش چه چیزهایی است و تجربه کشورهای دنیا در این باره چیست؟

نکته اول این است که در هر صورتی به دلیل اینکه منابع محدود و اولویت بندی‌ها سلیقه‌ای است، بنابراین اعتراض و تعارض منافع قطعاً وجود خواهد داشت و باید سعی شود که درصد وقوع و همچنین کیفیت آن را مدیریت و کنترل کرد. یکی از بهترین راه‌حل‌ها برای پیشگیری از وقوع این اعتراضات، نزدیک کردن مردم و مسئولین به یکدیگر و داشتن فهم مشترک از رویدادها و رخدادها می‌باشد. اساساً اگر جامعه مخاطب و نهاد حکومتی اندیشه مشترک و هدف واحدی داشته باشند، در این صورت مسیرهای مختلف و روش‌های مختلف تعارض جدی ایجاد نخواهد کرد اما اگر اهداف متفاوت باشد، سیاستگذاری‌ها و اندیشه‌ها متعارض می‌شود و تولید خشم، نفرت و اعتراض می‌کند.

دومین راهکار این است که احزاب، ان‌جی‌اوها، انجمن‌ها و سندیکا‌های مردم‌نهاد به عنوان مطالبه‌گر وارد صحنه شوند و صحبت‌ها و اعتراضات مردمی

را به صورت طرح، لایحه و شکل‌های حقوقی در اختیار دولتمردان قرار دهند. در این حالت احزاب به عنوان بازیگران سیاسی هیچگاه خواهان براندازی و از بین بردن نظام سیاسی حاکم نخواهند بود؛ چرا که در این نظام در حال کنشگری هستند و بنابراین سعی می‌کنند تا با اصلاح رویه‌ها و کارآمدسازی آنها در نهایت از قدرت حاکمیتی بهتری برخوردار شوند.

سومین راهکار این است که چهره واقعی دشمنان و بیگانگان برای مردم تبیین گردد. در این صورت صف اغتشاشگران از صف معترضان جدا خواهد شد. واقعیت این است که هرگاه مردم ایران خواهان اعتراض مسالمت‌آمیزی بودند، این حرکت با دخالت عناصر بیگانه و خارجی‌ها تبدیل به براندازی و تهدید وجودی حاکمیت شده و طبیعتاً منجر به تولید خشونت و اغتشاشات خواهد شد.

تجربه کشورهای دیگر نیز نشان‌دهنده این است که وقوع اعتراضات غیر قابل پیشگیری صد درصدی می‌باشد و به نحوی امکان دارد که این اتفاق بیفتد، اما کشورهای دیگر مثل ایالات متحده آمریکا با تقویت احزاب و ان‌جی‌اوها و گفتمان‌سازی و گفت‌وگو پیرامون موضوعات چالش برانگیز سعی در ارائه نظر اکثریت و اجماع نظر دارند. یا مثلاً در فرانسه سندیکاهای مردمی تلاش می‌کنند تا صدای اعتراض و فریاد مردم عادی باشند و مطالبه حقوق آنها از حکومت را بر عهده دارند.

۱۰- آیا نظام و سیستم امنیتی در قضیه اغتشاشات اخیر پیش‌بینی از وقوع آن را داشت یا دچار غافلگیری شد؟

نظام و سیستم امنیتی همواره سطحی از هشدار و ناامنی را برای خود متصور است، چون دشمن مدت هاست راهبرد خود علیه جمهوری اسلامی ایران را در سرعت بخشیدن به وقوع اغتشاشات خیابانی متمرکز کرده است. عناصر سیاسی و امنیتی همواره در این باره پیش‌بینی‌هایی را از وقوع اعتراض یا تبدیل شدن آن به اغتشاش داشته و دارند. اما در قضیه کنونی به نظر می‌رسد که برسر زمان و پیش‌بینی حرکت اعتراضی که تبدیل به اغتشاش شود، دیدگاه قطعی وجود نداشت که این عدم قطعیت امر طبیعی به حساب می‌آید. مهم اما این است که بخش اطلاعاتی در شکل‌کلان کار دچار غافلگیری نشد. این را نیز باید اضافه کرد که پیوند سیاسی سلبریتی‌ها با بخش‌هایی از جوانان به گونه‌ای نبود که دستگاه‌های حاکمیتی تصور کنند که ممکن

است چالش برانگیز باشد، بنابراین اساساً غافلگیری به دلیل وقوع اعتراضات نبود بلکه غافلگیری در سطح کیفیت و زمان این اعتراضات بود. شاید هیچگاه تصور نمی‌رفت که به خاطر بحث فوت یک خانم این همه خسارت جانی و مالی به کشور وارد گردد.

سوالات و شبهات پرتکرار در جامعه به ویژه در قشر دانش آموزان

سوالات زیر نمونه‌های پرتکرار از صدها سوال، شبهه و ابهامی است که امروز نسل جوان و نوجوان ما در مدارس و دانشگاه‌ها با آن‌ها درگیر و مواجهند. از این رو، در راستای جهاد تبیین پاسخ‌های منطقی، اقناعی، باور پذیر و متناسب با زبان این نسل، می‌تواند تا حدودی گره‌های ذهنی آنان را باز و از انباشت تلقی‌های غلط و مخاطره‌آفرین همانند حوادث اخیر جلوگیری نماید.

۱. چرا روشی برای اعتراض در جامعه وجود ندارد؟ یا اینکه جوان معترض به مسائل مختلف چگونه اعتراض‌شان را نشان دهد؟
۲. هرکس مختار است سبک پوشش خود را انتخاب کند و ما باید به عقاید هم احترام بگذاریم، بنابراین چرا باید در حیطه حجاب امر به معروف باشد؟
۳. چرا وقتی اکثریت مردم حجاب نمی‌خواهند، نظام مخالفت کرده و به شدت برخورد می‌کند؟
۴. من حجاب را دوست ندارم. دلم نمی‌خواهد روسری سرم باشد. چرا باید خلاف علاقه خود حجاب را رعایت کنم؟
۵. مشکلات اقتصادی چه زمانی تمام خواهد شد؟
۶. چرا بودجه کشور به جای اینکه صرف جوانان و نوجوانان کشور شود. صرف کشورهای بیگانه‌ای مانند عراق و سوریه می‌شود که روزی با ما جنگیده‌اند؟
۷. انقلاب اسلامی گرانی را به مردم تحمیل کرده است و خبری از آب و برق مجانی طبق وعده امام نیست، چرا این انقلاب از مسیر خود منحرف شده و به وعده‌هایی که به مردم داده شده عمل نمی‌شود؟

۸. چه دلیلی برای برحق بودن رهبر جامعه وجود دارد؟ شاید او باطل باشد؟
۹. اگر عده ای بانک را آتش بزنند، می شوند اغتشاش گر، ولی زمان انقلاب همین اعتراض ها و اغتشاش ها می شد انقلاب و به اغتشاش گران انقلابی گفته می شد؟
۱۰. چرا رئیس جمهور و دولت (کلاً مسئولین) برای آرامش مردم کاری نمی کنند؟
۱۱. چرا سپاه در همه امور سیاسی، اقتصادی و... کشور دخالت می کند؟
۱۲. از اوضاع کنونی و آینده ترس داریم و نا امید هستیم (کار و اوضاع فرهنگی و سیاسی و...) چرا کسی از این زاویه به حوادث اخیر نگاه نمی کند که وقتی ناامیدی، چیزی برای از دست دادن نداری؟
۱۳. چرا با فساد های اخلاقی و اقتصادی آفازاده ها و مسئولان برخورد نمی شود؟ یا اگر می شود چرا شفاف سازی نمی شود و عملاً روایت دشمن غالب می گردد؟
۱۴. چرا جلوی خلاف کارها گرفته نمی شود؟
۱۵. جریان مهسا امینی چی شد؟ چرا شفاف سازی نمی شود؟
۱۶. چرا در کشور ایران آزادی نیست اما در دنیا آزادی هست؟
۱۷. چرا همه سیاست مداران کشور ما دروغ می گویند؟
۱۸. در زمان شاه مردم آزاد و شاد بودند ولی الان کشور ما افسرده ترین کشور دنیاست؛ چرا؟
۱۹. نظامی که اکنون وجود دارد ۴۰ سال پیش والدین ما به آن رای داده اند. این نظام با الگوهای زندگی ما سازگاری ندارد. چرا نمی توانیم یا اجازه نداریم آن را تغییر دهیم؟
۲۰. هیچ مسئولی در کشور به فکر مردم نیست، بلکه فقط در فکر منفعت خودشان هستند. زندگی کردن و بردگی کردن برای این چنین مسئولینی ارزش ندارد، توضیح دهید؟
۲۱. چرا اینستاگرام را فیلتر کردند؟ واقعاً لازم بود؟ آیا همه چیز فیلتره تا حقیقت افشاء نشه؟
۲۲. یک روزی در کشور ما رفرا ندوم برگزار شد و مردم به جمهوری اسلامی رای دادند چرا حالا دوباره رفرا ندوم برگزار نمی کنیم تا مشخص شود مردم جمهوری اسلامی را می خواهند یا نه؟
۲۳. چرا بیشتر محدودیت ها برای خانم هاست؟
۲۴. چرا با آمریکا مذاکره نمی کنیم تا مشکلات حل بشه؟ چرا برجام را نمی پذیریم؟

۲۵. با آنکه دسترسی آزاد به اطلاعات از ما گرفته شده و همه چیز را به فضای مجازی نسبت داده و دسترسی ها را بسته اند اما بعضی از کاستی ها و جنایات را هر روز داریم لمس می کنیم. آیا باز هم فضای مجازی مقصر است؟

۲۶. چرا حکومت اعتراضات مردم را سرکوب می کند؟

۲۷. چرا مردم به صدا و سیما اعتماد ندارند، اما به شبکه های ماهواره ای و خارجی اعتماد دارند؟

تحلیل وادها



عباس حاجی نجاری

علل و زمینه های جنگ ترکیبی دشمنان در بستر
اعتناشات اخیر و بایسته های نیروهای انقلاب

حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (مدظله العالی) در دیدار با دانش آموزان در روز ۱۱ آبان ماه، اتفاقات چند هفته اخیر را «جنگی ترکیبی» و نه صرفاً اغتشاشات خیابانی دانستند و خاطرنشان کردند: دشمن یعنی آمریکا، رژیم صهیونیستی، بعضی از قدرتهای موذی و خبیث اروپایی و برخی از گروهک ها با همه امکانات به میدان آمدند و با استفاده از دستگاه های اطلاعاتی، رسانه ای و ظرفیت فضای مجازی، و بهره گیری از تجربیات گذشته در ایران و بعضی از کشورهای دیگر تلاش کردند به ملت ضربه بزنند. معظم له سپس تأکید کردند که: البته ملت به معنی واقعی در دهان بدخواهان زد و آن ها را ناکام کرد.

جنگ ترکیبی، به راهبرد پیچیده ای اطلاق می شود که ترکیبی از نبردهای متعارف، نامتعارف، سایبری، روانی و اطلاعاتی را در خود جای می دهد و متناسب با آن طیف گسترده ای از ابزارها را به شیوه متقارن یا نامتقارن در نبردی غیرخطی مورد استفاده قرار می دهد. ابعاد و مؤلفه های این جنگ که اصطلاحاً به آن جنگ هیبریدی می گویند؛ فعالیت های نظامی متعارف و غیرمتعارف، جنگ تبلیغاتی و رسانه ای، جنگ اقتصادی و انواع تحریم ها، جنگ سایبری، دیپلماسی و مذاکره، جنگ روانی و اطلاعاتی، تروریسم، شورش و ناآرامی اجتماعی را شامل می شود.

آنچه که در ماه های اخیر (از اواخر شهریور ماه) به بهانه مرگ مهسا امینی در کشور آغاز شده است، واجد تمامی ابعاد این جنگ ترکیبی است که طی آن دشمنان نظام بر اساس سناریویی طراحی شده تحت عنوان «انقلاب زنان» تمام ظرفیت های ممکن برای مقابله با نظام اسلامی را به کار گرفته اند. از منظر طراحان این پروژه و مبتنی بر تجربه ۴ دهه گذشته، تنها راه باقی مانده برای مقابله با نظام اسلامی بحران سازی داخلی است، چرا که در همه عرصه ها برای مقابله با ملت ایران ناکام مانده اند.

تأکید بر خط تجزیه و سوریه سازی ایران با حمایت از گروهک های تروریستی، اگرچه تکرار سناریوی شکست خورده روزهای آغازین انقلاب است اما همین

اقدامات و تحرکات آن ها به ویژه آتش زدن پرچم ایران، حمله به مساجد و حسینیه ها، کشیدن چادر از سر زنان و... خود تبدیل به عاملی برای روشن شدن مردم ایران و عدم همراهی با آن ها شده است.

بررسی عوامل مؤثر در این اغتشاشات نظیر؛ اهداف و مطامع بیگانگان، آسیب ها و چالش های داخلی مؤثر در همراهی بخشی از جوانان با این اغتشاشات، دلایل ناکامی اغتشاشگران و بایسته های نیروهای انقلاب و... موضوعاتی است که در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه

مردم ایران در حالی که تجربه موفق مقابله با چند فتنه مهم نظیر فتنه تیر ۷۸، خرداد ۸۸ و آبان ۹۸ را در کارنامه خود دارند، این روزها در حال مقابله با یکی از توطئه های طراحی شده دشمنان نظام اسلامی هستند که به لحاظ شاخصه های میدانی و عوامل درگیر و مهم تر از آن طراحی های گسترده و پیچیده دشمنان در جهان کم نظیر است و کمتر کشوری رامی توان یافت که اینگونه آماج جنگ ترکیبی دشمنان بیرونی و معاندین داخلی قرار گرفته باشد و در عین حال بتواند با کمترین هزینه از آن عبور کند، توطئه ای که در آن ده ها سازمان جاسوسی از کشورهای مختلف که صلابت، اقتدار و امنیت داخلی و پیشرفت های نظام اسلامی را بر نمی تابند، با هدایت سازمان سیا و موساد و بکارگیری صدها شبکه ماهواره ای و فضای مجازی و تمامی گروهک های ضد انقلاب و معاندین داخل و خارج ایفای نقش می کنند.

طراحی این حوادث مبتنی بر گزاره «انقلاب زنان» برای مقابله با نظام اسلامی، سناریویی است که در ماه های گذشته بارها رسانه های معاند و دشمنان نظام بر آن تأکید کرده بودند. از منظر طراحان این پروژه و مبتنی بر تجربه ۴ دهه گذشته، تنها راه باقی مانده برای مقابله با نظام اسلامی بحران سازی داخلی است، چرا که در همه عرصه ها برای مقابله با ملت ایران ناکام مانده اند. دیگر نه تحریم های اقتصادی برای شکست اراده و تسلیم ملت ایران کارآمد است و نه تهدیدات نظامی به دلیل رسیدن ایران به توان بازدارندگی تأثیری دارد. روند بازی غرب با افکار عمومی مردم ایران نیز از طریق برجام به پایان خط رسیده و با ابتکار دولت سیزدهم عملاً کشور به یک مصونیت در برابر شرطی



از لحاظ گرایشات
سیاسی و گروه‌هی
نیز طبق بررسی‌ها،
۱۰ درصد از بازداشت
شدگان را اعضای
گروهک منافقین،
گروهک سلطنت
طلبان، و از احزاب
کرد، کوموله تشکیل
می‌دهند. نکته قابل
توجه اینکه فقط ۲
درصد آن‌ها گفته‌اند
که ما به خاطر مهسا
امینی به خیابان
آمده ایم.

تحلیل روزهای ۱۴۰۱

۳۹

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیس زندگان اسلام

سازی برجام رسیده است و این در حالی است که در نقطه مقابل برنامه‌های دولت در عرصه‌های مختلف اقتصادی، علمی، پزشکی و... و حل چالش‌های باقی‌مانده از دوران گذشته، چشم‌انداز روشنی را در پیش روی نظام ایجاد کرده و با توجه به همگرایی و هماهنگی ایجاد شده در نظام تصمیم‌گیری و اداری کشور امید به حل مشکلات در مردم افزایش پیدا کرده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیان‌اتشان در مراسم بزرگداشت سی و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله) در ۱۴ خرداد ماه سال جاری با اشاره به نقشه‌های دشمنان و خواب‌های آشفته‌ای که برای ملت ایران دیده‌اند، یادآور می‌شوند: امروز مهم‌ترین امید دشمنان برای ضربه زدن به کشور، امید بستن به اعتراضات مردمی است. امیدشان به این است که بلکه بتوانند با کارروانی، با فعالیت‌های اینترنتی و فضای مجازی و انواع و اقسام این‌ها، با پول، با مزدور پروری، مردم را در مقابل نظام اسلامی و جمهوری اسلامی قرار بدهند؛ معظم له سپس به توطئه‌های دشمنان در سال‌های اولیه انقلاب و تحمیل ۸ سال جنگ برای به سقوط کشاندن نظام جمهوری اسلامی اشاره و با تأکید بر غلط بودن محاسبه آنان خاطرنشان کردند: جمهوری اسلامی که آن روز یک نهال باریک بود، یک درخت تناور و ریشه داری شده، روز به روز قوی‌تر و مقتدرتر هم شده. محاسبه‌شان آنجا غلط بود، اینجا هم غلط است. این محاسبه هم مثل همان محاسبات است؛ مثل محاسبه‌شان در قضیه‌ی جنگ تحمیلی؛ به صدام کمک کردند به خیال اینکه در ظرف چند روز جمهوری اسلامی را ساقط کند؛ کودتاگران را کمک کردند به امید اینکه بتوانند یک غلطی بکنند؛ همه‌ی اینها محاسباتی بود که آمریکایی‌ها و غربی‌ها کردند و همه غلط بود. امروز هم این محاسبه غلط است که خیال کنند می‌توانند ملت ایران را در مقابل نظام اسلامی قرار بدهند، می‌توانند در مقابل جمهوری اسلامی عاملی را قرار بدهند که می‌دانند جمهوری اسلامی به آن عامل خیلی اهمیّت می‌دهد و آن، عامل مردم است. ۱۴/ خرداد/ ۱۴۰۱.

عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تداوم اغتشاشات اخیر را به شرح زیر می‌توان مورد بررسی قرار داد:

نقش و بازیگری بیگانگان:

با گذشت بیش از یک ماه از آغاز اغتشاشاتی که به بهانه فوت خانم امینی آغاز شده، حمایت مستقیم سران آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی از این اغتشاشات و وقوع حادثه تروریستی شامگاه چهارشنبه ۴ آبان ماه در حرم مطهر احمدین موسی علیه السلام در شیراز توسط عوامل گروهک تروریستی داعش، ابعاد پنهان این اغتشاشات را آشکار کرد و ثابت کرد که دشمنان قسم خورده داخلی و بین المللی نظام اسلامی بنا دارند شکست ها و ناکامی های ۴۴ ساله گذشته خود از مردم ایران را حتی با همکاری با جنایتکاران داعشی جبران کنند.

صحت این مدعا را در سخنان رئیس جمهور آمریکا و دیگر مقامات این کشور به روشنی می توان دید آن گاه که هدایت کنندگان این آشوب ها در میانه این حوادث از نتیجه بخشی اغتشاشات نا امید شده بودند، برای تقویت روحیه اغتشاشگران و امیدوار سازی آن ها مستقیماً به میدان آمده و تاکید می کنند که مذاکرات هسته ای دیگر برای آن ها اهمیت ندارد، بلکه آنچه که اهمیت دارد پشتیبانی از اغتشاشات اخیر در ایران برای به ثمر رساندن آن است، البته ادعا می کنند که هدف آن ها در این ماجرا حمایت از مردم ایران است، نکته ای که در بیانیه گروهک تروریستی داعش نیز بعد از به شهادت رساندن مظلومانه تعدادی از هموطنان مادر حرم شاهچراغ تکرار و بر حمایت داعش از اغتشاشات تاکید می شود.

بر اساس یافته های وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه، مستندات اطلاعاتی موجود نشان می دهند سرویس جاسوسی سیا (C.I.A) با همکاری سرویس های جاسوسی هم پیمان و نیابتی های مُرتجع، از ماه ها قبل برای راه اندازی یک غائله ی سراسری در ایران با هدف ارتکاب جنایت علیه ملت بزرگ ایران و تمامیت ارضی کشور و نیز زمینه سازی برای تشدید فشارهای خارجی، نقشه دقیقی را طراحی کرده بودند. طبق اطلاعات موجود نقش اصلی را در این میان آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (C.I.A) بعهده داشت و از همکاری نزدیک سرویس اطلاعات خارجی انگلیس خبیث، سرویس اطلاعات خارجی رژیم کودک کش صهیونیستی (موساد) و سرویس اطلاعات خارجی اشرافیت بَدَوی آل سعود و چند کشور دیگر برخوردار بود.

ند پرایس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با تصریح بر اینکه تمرکز ما اکنون بر چگونگی کمک به معترضان در ایران است نه مذاکرات احیای برجام، مدعی می شود که تمرکز ما



انتقال سریع جزییات
برخی از تجمعات و
حتی پخش زنده تصاویر
و فیلم‌ها که توسط
عناصر میدانی برای
رسانه‌های بیگانه ارسال
می‌شد، نشان دهنده
برنامه‌ریزی گسترده برای
پوشش این اعتراضات
است. حضور افرادی در
ساختمان‌های مشرف به
تجمعات و تصویربرداری
و ارسال سریع به
رسانه‌های معاند نشان از
برنامه‌ریزی هدفمند برای
این اغتشاشات داشت.

تحلیل‌ها

در حال حاضر... بر شهامت (؟!) مثال زدن ای است که مردم ایران در تظاهرات مسالمت آمیز از خود نشان می‌دهند و تمرکز ما فعلاً بر این است که توجه را به آن‌ها معطوف کنیم و به هر روشی که می‌توانیم از آن‌ها حمایت کنیم.

جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید نیز با تأکید بر حمایت جو بایدن از اغتشاشات روزهای اخیر در ایران با ادعای اینکه شهامت ایرانیان فوق العاده بوده است، مدعی می‌شود: «مشاهده دلاوری، نترسی، پایبندی به اصول و شهامت زنان و دختران و حامیان‌شان در خیابان‌های ایران، اعتصاب کارگران، مشارکت دانشجویان و مردم در راهپیمایی‌ها با مطالبه رعایت حقوق اولیه و حیثیت شان فوق العاده بوده است».

در مورد چرایی هدایت و حمایت اینگونه آمریکا و متحدانش از اغتشاشات اخیر به رغم عدم همراهی مردم ایران به چند نکته می‌توان اشاره کرد:

۱- قدرت‌های سلطه همه روش‌های ممکن برای براندازی نظام را تجربه کرده و شکست خورده بودند، ورود به عرصه جدید که در واقع یک جنگ ترکیبی همه جانبه است، عمدتاً متکی بر یک برنامه ریزی منسجم و با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها بود و به همین دلیل پیروزی و موفقیت خود را در آن قطعی می‌دانستند.

۲- ورود پرشدت آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها به این میدان و تصور پیروزی قطعی در آن، ناشی از آن است که آن‌ها فریب جنگ روانی و رسانه‌ای را خورده‌اند که خود سناریو پردازی می‌کنند و تصور می‌کنند که زمان چندانی تا سقوط جمهوری اسلامی باقی نمانده است. جریان سازی رسانه‌های آن‌ها نسبت به شرایط داخل ایران اینگونه است که تصور می‌کنند که کشور به هم ریخته و اغتشاش سراسر کشور را فرا گرفته است و به همین دلیل دچار این توهم شده‌اند که با این حمایت‌ها قادرند نظام اسلامی را سرنگون کنند.

۳- برآورد قدرت‌های غربی به نتیجه‌گیری از این اغتشاشات برای تحمیل شرایط خود به نظام اسلامی به ویژه در عرصه مذاکرات هسته‌ای به دلیل این است که تصور می‌کنند که دامن زدن به این اغتشاشات سبب کوتاه آمدن نظام در احقاق حق مردم ایران در روند پرونده مذاکرات اصلی می‌شود و با دیدن برتنور اغتشاشات می‌توانند نظام را وادار به تسلیم در برابر شرایط خود کنند.

۴- حمایت از اغتشاشگران و تلاش برای حفظ آن ها در صحنه به دلیل نگرانیشان از افول بیشتر این حرکت است، چرا که این اغتشاشات به دلیل نداشتن مبانی و صرفاً متکی بودن به دروغ نقش نظام در مرگ خانم امینی که آن هم به سرعت روشن شد و به همین دلیل نه تنها اوج نگرفت، بلکه به دلیل عدم حمایت مردم صرفاً بر اقدامات ایدئایی و تحرکات آشوبگران و عوامل گروهکی در برخی از شهرها متکی است و به همین دلیل عمیق و مردمی نشد و از آنجایی که سرمایه گذاری چند ماهه قدرتهای سلطه برای مقابله با مردم ایران بر این اغتشاشات متکی است، لذا غربی ها به هر قیمتی تلاش دارند شراره های آن رازنده نگه دارند.

۵- تأکید بر خط تجزیه و سوریه سازی ایران با حمایت از گروه های تروریستی، اگرچه تکرار سناریوی شکست خورده روزهای آغازین انقلاب است اما همین اقدامات و تحرکات آن ها به ویژه آتش زدن پرچم ایران، حمله به مساجد و حسینیه ها، کشیدن چادر از سر زنان و... خود به عاملی برای روشن شدن مردم ایران و عدم همراهی با آن ها تبدیل شد. اگرچه ممکن بود در آغاز برخی از افراد به ویژه جوانان به دلیل عدم اطلاع از واقعیت های کشور به دلیل اعتراض به برخی از اقدامات و نارسایی ها با آن ها همراه شده بودند، اما ظهور این گونه واکنش ها سبب شد مردم با آن ها فاصله بگیرند و حتی تلاش آن ها هم برای همراه سازی اصناف و اقشار مختلف هم به نتیجه نرسد.

به طور کلی آمریکا و متحدانش در شکل گیری اغتشاشات در ایران در ۵ سطح فعال بودند:

- ۱- تلاش برای توسعه ابزارهای رسانه ای، فرهنگی و اجتماعی برای حفظ قدرت تاثیرگذاری در محیط داخلی
- ۲- تلاش برای دستیابی به قدرت و توانمندی دستکاری در نظام محاسباتی با افزایش قدرت حضور در محیط داخلی
- ۳- موج سواری بر چالش های داخلی و افزایش هزینه های سیاسی امنیتی اداره کشور با تحریک تروریست

های اجاره ای برای انجام اقدامات کور تروریستی

- ۴- یارگیری از جامعه مدنی و تسخیر نظام فکری- فرهنگی از طریق بستر سازی های بین المللی علیه محیط داخلی در مباحث چند لایه اعم از سیاسی، اقتصادی، هویت جنسی (حقوق زنان)، هویت جوانان، برابری اجتماعی، محیط زیست و...



عوامل میدانی
آشوبگران در تجمعات
به صراحت شعارهایی
نظیر «مرگ بر اصل
ولایت فقیه» و «اصل
نظام نشانه است»، «می
جنگیم، می میریم، ایرانو
پس می گیریم»، «مرگ
بر دیکتاتور»، «رفتارهایی
نظیر «آتش زدن
قرآن»، «آتش زدن
ایران» و «آتش زدن
مساجد و حسینیه ها»...
به خوبی نشان دادند
طراحان این آشوب ها،
خون خواهی یک دختر،
و با گشت ارشاد و...
نیست، بلکه ماجرا عناد
عمیق با انقلاب و نظام
اسلامی است.

تحلیل و گزارش

۴۳

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت زینندگان اسلام

۵- بهره گیری از ظرفیت اختلافات و شکاف های قومی - مذهبی و دامن زدن به آن ها به منظور تضعیف نظام

اهداف و انگیزه های غرب در حمایت از اغتشاشات

- نابودی ظرفیت های راهبردی کشور در حوزه های اقتصادی، نظامی، امنیتی
- اخلال در امنیت ملی و سلب امنیت اجتماعی مردم
- سوق دادن کشور به جنگ شهری در مرکز و پیرامون با هدف تجزیه کشور
- اثرگذاری بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
- تضعیف افکار عمومی و نا امید سازی جامعه ایرانی از توسعه و بهبود شرایط
- خدشه در پیوند ملت و دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی
- مقابله با نفوذ و جریان سازی فکری و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه
- مقابله با گسترش الگوی انقلاب اسلامی و دستاوردهای محور مقاومت
- مهندسی فرهنگی جامعه با محوریت ارزش های غربی
- تأکید بر انگاره ناکارآمدی حکومت دینی و اخلال در روند فعالیت های دولت برای حل مشکلات کشور
- مصادره ظرفیت دیاسپورای (ایرانیان خارج از کشور) جمهوری اسلامی ایران

چالش ها و آسیب های داخلی

علاوه بر نقش بیگانگان در طراحی و اجرای غائله اغتشاشات اخیر، تأمل در علل همراهی بخشی از جوانان با این شعارها و اقدامات بیانگر وجود ضعف ها و آسیب ها و زخم های داخلی است که در چنین فرصت هایی بروز یافته و چهره متفاوتی از مردم ایران به ویژه نسل جوان (اگرچه محدود و اندک) را به تصویر می کشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۹ دی ماه سال ۱۳۹۶ در دیدار مردم قم با اشاره اغتشاشات دردی ماه ۹۶ به تأثیر زخم ها و ضعف ها در وقوع این پدیده ها اشاره و یادآور گردیدند: این جوری نیست که ما هیچ اشکالی نداریم، فقط

دشمن خارجی است که دارد [مشکل ایجاد می‌کند]؛ نه، مگس روی زخم می‌نشیند؛ زخم را خوب کنید، زخم را نگذارید به وجود بیاید. ما اگر مشکل داخلی نداشته باشیم، نه این شبکه‌های می‌توانند اثر بگذارند، نه آمریکا می‌تواند هیچ غلطی بکند.

درباره شرایط اجتماعی ایران کنونی باید گفت نظام جمهوری اسلامی در یک دهه اخیر متأثر از تحریم‌های اقتصادی دشمنان و ضعف و ناکارآمدی دولت‌های گذشته به دلیل شرطی‌سازی کشور به برجام، با دو چالش عمده مواجه شده است؛ چالش کارآمدی و چالش مشروعیت.

انباشته شدن مشکلات اقتصادی، تورم ساختاری و طولانی مدت، کاهش ارزش پول ملی و قدرت خرید مردم، افزایش ضریب جینی و فاصله طبقاتی، وقوع مفاسد اقتصادی سنگین با ارقام نجومی، اشرافی‌گری، تظاهر و ریاکاری بعضی از مسئولان، فاصله گرفتن نهادها و تربیون‌های رسمی نظام از متن جامعه و ادبیات و دغدغه‌های عامه، جنگ روانی و رسانه‌ای دشمنان و... سبب افزایش شکاف مردم-مسئولان و نخبگان-حاکمیت شده است. این وضعیت آنجایی خطرناک می‌شود که شکاف‌های اجتماعی، منجر به دوقطبی‌های شدید بین حامیان و مخالفان نظام شود که متأسفانه این مسئله تا حد زیادی رخ داده است. در چنین شرایطی، به طور طبیعی اعتبار نهاد‌های رسمی نظام کاهش یافته و اعتماد به این نهادها و نیز امید جوانان نسبت به آینده خدشه دار می‌شود. در چنین شرایطی، در صورت ناامیدی به اصلاح و تغییر، میل به ساختار شکنی و براندازی افزایش می‌یابد.

علاوه بر این وجود بعضی از ضعف‌ها در جریان حوادث اخیر، فرصت مناسبی را برای بیگانگان و عوامل داخلی آن‌ها برای دامن زدن به اغتشاشات فراهم کرده است؛ نظیر: - اطلاع‌رسانی نامناسب از آغاز ماجرا و سردرگمی رسانه ملی در برگزاری برخی مناظره‌ها که در آن نه تنها مردم توجیه نشدند، بلکه متأثر از برخی مواضع مطرح شده، به آشوب و اغتشاش دامن زده شد.

- انفعال و سردرگمی دستگاه‌های فرهنگی کشور در این ماجرا
- کوتاهی مجلس در تصویب قانون صیانت از فضای مجازی و اتخاذ راه‌های قانونی برای مدیریت این فضا در طی ماه‌های اخیر، تصویب این قانون می‌توانست از تحمیل برخی از هزینه‌های این آشوب‌ها بر نظام جلوگیری کند
- موضع‌گیری برخی افراد غیرمسئول که منتسب به نظام شناخته می‌شوند، در تحریک



تلاش برای کشته
سازی برای تحریک
افکار عمومی و
تحریک کشورهای
غربی برای تشدید
تحریم‌های ایران
به بهانه مسائل
حقوق بشری بخشی
از برنامه طراحی
شده در این جنگ
ترکیبی است.

تحلیل ژورنالیست

۴۵

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رزمندگان اسلام

بخشی از ورزشکاران و هنرمندان برای همراهی با این آشوب‌ها نقش اساسی داشت.

- عوامل فتنه ۷۸ و ۸۸ نقش مؤثری در دامن زدن به این اغتشاشات داشتند. آغاز این آشوب‌ها به دروغ‌پراکنی‌های عوامل فتنه بازمی‌گردد؛ از موضع چندی قبل میرحسین موسوی در زیر سوال بردن مدافعان حرم تا دروغ‌پردازی در مورد دانشجویانی رهبری و تاملات نظام به قتل خانم امینی توسط محمد خاتمی و دیگر سران این جبهه از جمله بخشی از مستندات این مدعاست، حتی بعد از اینکه دلیل اصلی فوت خانم امینی مشخص شده اغلب آن‌ها تنها حاضر به عذرخواهی نشدند، بلکه برخی از عناصر افراطی آن‌ها نظیر شکوری راد، نیروهای نظام را متهم به دامن زدن به بعضی از خشونت‌ها کردند و این در حالی است که تاکنون نیروهای مدافع امنیت بیش از ۳۰ شهید در مقابل با آشوبگران تقدیم نظام و انقلاب اسلامی کرده‌اند.

عوامل مؤثر در میدان اغتشاشات

در جریان اغتشاشات عوامل میدانی از چند بخش تشکیل می‌شدند
الف- نقش بارز شبکه‌های مجازی در تحریک و به صحنه آوردن آشوبگران، نشان دهنده این است که این فتنه از سوی مرکزیتی در خارج از کشور توسط بیگانگان و مخالفان نظام هدایت می‌شود

ب- هسته‌های آغازکننده اغتشاش؛ این هسته‌ها کاملاً آموزش دیده و هماهنگ و برنامه‌ریزی عملیاتی داشته و از سرپل‌های ایرانی و خارجی مرتبط به سازمان سیا و موساد خط و مشی کلی را اخذ می‌کردند

ج- هسته‌های منافقین و گروهک‌های تروریستی تجزیه طلب در اغتشاشات اخیر وارد فاز عملیاتی شده و با حمله به مراکز نظامی و انتظامی و همچنین برخی اماکن حساس و حیاتی و پروژه کشته‌سازی و اقدامات کور تروریستی تلاش داشته و دارند تا ضمن بازسازی هسته‌های عملیاتی در داخل، موقعیت خود را تحکیم کنند.

د- بدنه اصلی معترضان و اغتشاش‌گران نوجوانان و جوانان زیر ۲۵ سال بودند و الگوی آنان نیز قهرمانان بازی‌های کامپیوتری و تحرکات آنان نیز کاملاً مشابه قهرمانان خیالی آن بازی‌ها بود. براساس گزارش‌های مراکز اطلاعاتی ۷۱ درصد

بازداشت شدگان این حوادث کمتر از ۳۳ سال، ۱۷ درصد کمتر از ۱۸ سال سن دارند. بر اساس همین گزارش ۹۳ درصد بازداشتی‌ها در سراسر کشور هیچ سابقه قبلی اغتشاش و درگیری و فتنه ندارند.

از لحاظ گرایش‌ات سیاسی و گروهی نیز طبق بررسی‌ها، ۱۰ درصد از بازداشت شدگان را اعضای گروهک منافقین، گروهک سلطنت‌طلبان، و از احزاب کرد، کوموله تشکیل می‌دهند. نکته قابل توجه اینکه فقط ۲ درصد آن‌ها گفته‌اند که ما به خاطر مهسا امینی به خیابان آمده ایم.

ه- در عمده این تحرکات میدان دار و صحنه‌گردان اصلی تجمعات زنان بودند و شعار دهی‌ها و سازمان دهی‌های میدانی را بر عهده داشتند. قابل مدیریت بودن زنان، جاذبه‌های جنسیتی، و اینکه زنان سوژه‌های خوبی و فریبنده‌ای برای مظلوم‌نمایی و تحریک عواطف هستند، از جمله دلایل میدان‌داری زنان در این تحرکات است و- انتقال سریع جزییات برخی از تجمعات و حتی پخش زنده تصاویر و فیلم‌ها که توسط عناصر میدانی برای رسانه‌های بیگانه ارسال می‌شد، نشان‌دهنده برنامه‌ریزی گسترده برای پوشش این اعتراضات است. حضور افرادی در ساختمان‌های مشرف به تجمعات و تصویربرداری و ارسال سریع به رسانه‌های معاند نشان از برنامه‌ریزی هدفمند برای این اغتشاشات داشت.

ز- عدم همراهی مردم با اغتشاشگران مهمترین شاخصه این حوادث است. طراحان این اغتشاش برای فراگیر کردن و کشاندن همه اقوام و اقشار به صحنه و به زعم مردمی کردن آن طی دوران اغتشاشات از همه ترفندهای ممکن استفاده کرده‌اند، نظیر؛ تلاش برای کشته‌سازی و پاک‌شسته‌نمایی زنان و دخترانی که در هفته‌های اخیر به دلیل بیماری و یا حوادث جان‌باخته بودند برای تحریک افکار عمومی و تحریر کشورهای غربی برای تشدید تحریم‌ها علیه ایران به بهانه مسائل حقوق بشری، سوء استفاده از انگیزه‌های قومی، ایجاد هماهنگی میان همه گروهک‌های معاند اعم از سلطنت‌طلبان، منافقین و گروهک‌های تجزیه‌طلب شمال غرب و جنوب شرق کشور، برنامه‌ریزی هدفمند برای کشاندن اعتراضات به مدارس و دانشگاه‌ها، هجمه به نمادها و جلوه‌های ارزش‌های انقلابی و اسلامی، از جمله روش‌هایی بود که طی دوران اغتشاشات به کار گرفته شد، تا شاید جمعیت‌های انبوه مردمی در حمایت از اغتشاش‌گران به صحنه بیایند. اما عدم همراهی مردم با این جریان و محدود شدن آن به جمع اندکی از جوانان که عمدتاً تحت

تأثیرالقائات رسانه‌های بیگانه و رفتارهای هیجانی ناشی از بازی‌های رایانه‌ای قرار داشتند، نشان دهنده ظرفیت محدود گردانندگان این ماجرا در ایجاد تحرک اجتماعی است.

ویژگی‌های اغتشاشات

۱- همچون فتنه‌ها و آشوب‌های گذشته در این ماجرا نیز دشمنان نظام اسلامی از طریق رسانه‌های وابسته، فضای مجازی و موضع‌گیری مستقیم مقامات سیاسی نقش بارزی در دامن زدن به آشوب‌ها و اغتشاشات در داخل داشتند، مضافاً بر اینکه تلاش کردند باره اندازی اجتماعات اعتراضی در کشورهای دیگر اعتبار بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی را مخدوش و زمینه محکومیت ایران در مراجع بین‌المللی را فراهم کنند.

۲- برخلاف اجتماعات و اعتراضات ماه‌های اخیر، اعتراضات و اغتشاشات بعد اقتصادی نداشته و شعارها بیشتر معطوف به مسائل سیاسی و اجتماعی بوده و صراحتاً مسئولان نظام را هدف گرفته است. عوامل میدانی آشوب‌گران در تجمعات به صراحت شعارهایی نظیر «مرگ بر اصل ولایت فقیه» و «اصل نظام نشانه است»، «می‌جنگیم، می‌میریم ایرانو پس می‌گیریم»، «مرگ بر دیکتاتور» و رفتارهایی نظیر «آتش زدن قرآن»، «آتش زدن پرچم ایران» و «آتش زدن مساجد و حسینیه‌ها»... به خوبی نشان دادند طراحان این آشوب‌ها، خون‌خواهی یک دختر، و یا گشت ارشاد و... نیست. بلکه ماجرا عناد عمیق با انقلاب و نظام اسلامی است.

۳- تلاش برای کشته‌سازی برای تحریک افکار عمومی و تحریک کشورهای غربی برای تشدید تحریم‌های ایران به بهانه مسائل حقوق بشری بخشی از برنامه طراحی شده در این جنگ ترکیبی است.

۴- برنامه‌ریزی هدفمند برای کشاندن اعتراضات به درون دانشگاه‌ها. با توجه به باز شدن دانشگاه‌ها پس از تعطیلی چند ترمه به دلیل شرایط کرونایی، حضور دانشجویان در صحنه اغتشاشات همراه با طرح شعارهای هنجار شکنانه و ناموسی، از ویژگی‌های منحصر به فرد اغتشاشات دانشجویی است.

۵- تلاش برای استفاده از انگیزه‌های قومی، برای به صحنه کشاندن نیروهای بی‌انگیزه و مشابه‌سازی این اعتراضات علاوه بر مناطق کردنشین در منطقه

بلوچستان و بختیاری با کشته سازی های مشابه نشان از برنامه ریزی برای تکرار غائله توطئه تجزیه قومی سال های اول انقلاب و درگیر سازی دولت با چالش های امنیتی دارد. ۶- گستاخی و جسارت اغتشاشگران در حمله به نیروهای امنیتی و روحانیون از شاخصه های بارز این حوادث است. شبکه اراذل و اوباش حرفه ای اجیر شده ای که با کمترین دستمزد به هر جرم و جنایتی دست می زنند.

۷- کشف حجاب و تلاش به عنوان نهادینه سازی آن به عنوان یکی از دستاوردهای این اغتشاشات در زمره برنامه های اصلی اغتشاشگران است.

۸- هجمه به نمادها و جلوه های ارزش های انقلابی و اسلامی (اهانت به قرآن، آتش زدن پرچم، آتش زدن نمادهای عاشورایی، آتش زدن مساجد و حسینیه ها و... همگی ناشی از نگرانی های دشمنان نسبت به شکوفایی ارزش های اسلامی و انقلابی است که در قالب راهپیمایی اربعین، سرود سلام فرمانده و... رهای جهان به سرود سلام فرمانده، حیرت جهانیان را برانگیخته است.

۹- بررسی فراخوان های صورت گرفته نشان می دهد که عملیات «انقلاب زنان؟!» توسط سرویس های اطلاعاتی با الگوگیری از شعارهای دوران انقلاب در خارج از مرز کدگذاری شده و توسط عوامل آموزش دیده در داخل بارگذاری و در نهایت توسط اراذل و اوباش و برخی دسته های تحریک شده اجرایی می شود. شعارها نیز مؤید آن است. نظیر اینکه: «می جنگیم می میریم ایرانو پس می گیریم»، «توپ تانک فشفسه، آخوند باید گم بشه»، «می کشم می کشم هر آنکه خواهرم کشت»، «این آخرین پیامه، هدف خود نظامه»، «این ها همه اش بهانه است. اصل نظام نشانه است».

۱۰- تحلیل وضعیت میدانی تجمعات برگزار شده نشان می دهد که میزان «خشونت رفتاری» معترضان و اقداماتی نظیر حمله به اماکن دولتی به شدت افزایشی بوده و هدف این بود که با بزرگنمایی حرکت، نیروهای انقلابی را منفعل و از صحنه بدر کنند، تاکتیکی که در جریان اغتشاشات دانشجویان در دانشگاه شریف و خواجه نصیرالدین طوسی با طرح شعارهای وقیحانه ناموسی برای از صحنه خارج کردن نیروهای انقلابی بکار گرفته شد.

۱۱- تلاش برای تداوم اغتشاشات با هدف حفظ اغتشاشگران در صحنه و همچنین فرسایش و خسته کردن نیروهای نظام و دولتمردان به ویژه نیروهای انتظامی و امنیتی، تحت عنوان «شنبه های اعتراض» و یا «چهارشنبه های انقلاب» و یا به مناسبت چهلم

هرکدام از کشته شدگان، بخشی از راهبرد گردانندگان توطئه است، گردانندگان این جنگ ترکیبی در پی آن هستند تا در صورت موفقیت، با استفاده از مدل انقلاب های رنگی وارد فازهای پیچیده تر شده تا بتوانند بخشی از جامعه را با خود همراه کنند و اگر نتوانستند با استفاده از مدل سوریه کشور را با بحران درونی درگیر کنند.

دلایل ناکامی

هدایت های رهبر معظم انقلاب اسلامی و هوشیاری و درایت مسئولان کشور، آمادگی و دقت عمل نیروهای انتظامی و امنیتی در مقابله هوشمندانه با اغتشاشات، عامل اصلی ناکامی دشمنان نظام در پیشبرد این فتنه انگیزی ها است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس و اعضای دوره جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام، در روز ۲۰ مهرماه اغتشاشات اخیر را طراحی انفعالی و ناشیانه دشمنان در مقابل پیشرفت ها و حرکت های ابتکاری و بزرگ ملت ایران خواندند و تأکید کردند: تا هنگامی که ملت در مسیر نظام اسلامی و ارزش های دینی قرار دارد، این دشمنی ها ادامه خواهد داشت و تنها راه علاج آن ایستادگی است و مسئولان کشور نیز مراقب باشند اینگونه مسائل آن ها را از مسئولیت ها و وظایف اصلی در عرصه داخلی و خارجی باز ندارد.

عدم همراهی توده های اجتماعی با این جریان و معطوف شدن آن به حوزه محدود جوانان و برخی از تحریک شدگان، نشان دهنده ظرفیت محدود گردانندگان این ماجرا در ایجاد تحرک اجتماعی است. علاوه بر اینها در اغتشاشات اخیر دقت و سرعت عمل مدافعان امنیت سبب گردید که ابتکار عمل از دست عوامل بیگانه خارج شود.

بستن برخی از نرم افزارهای مورد استفاده آشوبگران و انتقال از شبکه جهانی اینترنت به شبکه ملی اطلاعات نیز توان سازماندهی و عملیات سایبری گردانندگان آشوب را تا اندازه زیادی کاهش داد. اگرچه محدودیت های حمل سلاح توسط نیروهای انتظامی و بسیج در مواجهه با این اغتشاشات، سبب چند برابر شدن تعداد شهدای بسیجیان و نیروهای فراجا در مقایسه با حوادث قبلی شده است. به همین دلیل برخورد قاطع با آشوب گران به مطالبه اصلی مردم تبدیل شده است.

به طور کلی چند اشکال ساختاری در عدم توفیق گردانندگان این اغتشاشات مؤثر است :

- نداشتن رهبری آشکار و در صحنه
- ضعف ایدئولوژیک و مبانی گفتمانی اغتشاشگران
- تراکم انسانی پایین در کانون های شورش
- فرار یا دستگیری لیدرهای آشوب
- اذعان همگانی به بهانه بودن مرگ مهسا امینی

بایسته های نیروهای انقلاب

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای دوره جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۲۰ مهرماه امسال با تبیین ابعاد توطئه های دشمنان در این اغتشاشات، تأکید کردند: تا هنگامی که ملت در مسیر نظام اسلامی و ارزشهای دینی قرار دارد، این دشمنی ها ادامه خواهد داشت و تنها راه علاج آن ایستادگی است و مسئولان کشور نیز مراقب باشند اینگونه مسائل آن ها را از مسئولیت ها و وظایف اصلی در عرصه داخلی و خارجی باز ندارد.

فارغ از وظایف و مسئولیت دولتمردان در مواجهه با این پدیده که در جای خود باید به آن پرداخته شود، نسبت به مسئولیت نیروهای جبهه انقلاب در حوزه اطلاع رسانی و تبلیغ به نکاتی چند می توان اشاره کرد:

۱- از آنجائی که کشور درگیر یک جنگ ترکیبی بی سابقه است، الزامات این جنگ همانند دوران دفاع مقدس باید رعایت شود. که مهمترین آن ایجاد انسجام ملی و تمهید تمامی ظرفیت ها و حضور در صحنه نیروهای انقلابی برای مقابله با آن است.

۲- حوادث مذکور بار دیگر ضرورت ایجاد انسجام در حوزه اطلاع رسانی به ویژه با تمرکز بر مؤلفه های جنگ ترکیبی را اثبات کرد. وجود یک قرارگاه برای هدایت فعالیت ها و انتخاب مواضع درست و به موقع و با بهره گیری از ظرفیت دستگاه های مسئول، می تواند از بسیاری از هزینه های تحمیل شده بر نظام جلوگیری کند.

۳- با تبیین دقیق نقش فضای مجازی در دامن زدن به اغتشاشات و سلب امنیت اجتماعی، ضرورت صیانت از این فضا، باید به یک مطالبه عمومی تبدیل شود، نقش رسانه ها برای تبیین این پدیده در عین تلاش دستگاه های مسئول برای کمک و تقویت نرم افزارهای داخلی بسیار اساسی است.

۴- در طول تاریخ انقلاب مردم همواره نقش اصلی را در مقابله با توطئه‌های دشمنان داشته‌اند. برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی، هیات‌ها، مساجد و ان‌جی‌اوها برای مدیریت فضای محلات، شهرک‌ها برای هدایت و ارشاد جوانان و تحقق واجب امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند نقش اساسی در خنثی‌سازی القائات دشمنان به ویژه نهادینه‌سازی کشف حجاب داشته باشد.

۵- نیروهای انقلاب باید اهتمام خود را معطوف به تغییر فضای مرعوبانه ایجاد شده نموده و در محافل مختلف اعم از محیط‌های کاری، اتوبوس و تاکسی و مترو و صف‌نان و غیره؛ با تبیین دقیق اهداف دشمنان از سلب امنیت اجتماعی و بحران‌سازی داخلی پیامدهای تداوم این شرایط را در زندگی‌ها و کسب و کارها را تبیین کنند.

۶- رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانش‌آموزان با اشاره به انبوه محتواهای دروغ، تهمت و سخنان انحرافی که برای ذهن فعال جوانان تهیه می‌شود، گفتند: «تأکید مکرر و چندین باره بر جهاد تبیین به همین علت است و قبل از اینکه دشمن محتوای دروغ و انحرافی تولید کند باید محتواهای حقیقی و صحیح در داخل تولید شود». یکی از مهمترین مسئولیت نیروهای انقلاب در مواجهه با این پدیده جهاد تبیین است. در این حوزه، تأکید بر موضوعاتی نظیر امنیت و تبیین برنامه دشمنان پروژه بی‌ثبات‌سازی، ایجاد آشوب و ناامنی و اخلاص در زندگی عادی مردم، پاسخ‌گویی به شبهات و ابهامات موجود، امیدافزایی با تأکید بر اقتدار نظام اسلامی با توجه به پیروزی‌های گذشته و چشم‌انداز روشن آینده، تبیین پیشرفت‌ها و دستاوردهای نظام اسلامی، اقدامات مناسب دولت و...

تحلیل و دیدگاه



رضا داوری

زمینه ها، ویژگی ها و اهداف اعشاش ۱۴۰۱
و تفاوت آن با آشوب ها و قتنه های گذشته

* دنیای غرب از حرکت پیش رونده و مهارناشدنی انقلاب اسلامی که بزرگترین هنر آن تسخیر دل و جان و فطرت های خداجوی بشریت امروز بوده، به ستوه آمده و با چشمانی نگران نظاره گر کمتر شدن فاصله پیروزی های نظام اسلامی در چله دوم آن است.

* به تعبیر رهبر معظم انقلاب، دشمنان در حرکتی انفعالی، ناشیانه و ابلهانه، اقدام به طراحی اغتشاش های پراکنده جهت مقابله و سنگ اندازی در برابر پیشرفت ها و حرکت های ابتکاری ملت ایران نموده اند.

* آمریکایی ها در فتنه ۱۴۰۱ با توجه به برنامه ریزی های پیشینی صورت گرفته تلاش نمودند تا با محور قرار دادن مسائل فرهنگی - اجتماعی به هم افزایی همه ظرفیت های سیاسی، اقتصادی و امنیتی با آن پرداخته و یک فتنه ترکیبی بی سابقه ایجاد نمایند.

* اگرچه اعتراض ها و اغتشاشات اخیر، چندوجهی، پیچیده و تحلیل آن نیاز به بررسی های دقیق تر علمی دارد اما بی تردید «رسانه ای بودن» مهمترین ویژگی آن است. آشوب های اخیر را می توان دارای چهار بُعد "زنانه" و "جوانانه" و "خشونت گرایانه" و "فناورانه" دانست.

* تحریم های اخیر دنیای غرب که به بهانه به اصطلاح سرکوب اعتراض کنندگان انجام گرفته، نشان می دهد که غرب به ویژه آمریکا از کوچکترین روزنه ای برای مداخله در امور داخلی کشورمان و ایجاد شکاف در میان ملت ایران که وجه دیگری از تداوم پیگیری سیاست فشار حداکثری برای گرفتن امتیازات بیشتر است، چشم پوشی نخواهد کرد.

* اگر طبقه متوسط و متوسط به بالا به طلاق عاطفی، هنجاری و معرفتی نسبت به حاکمیت برسد، دیگر درون سیستم بازی نمی کند. نوعی اعتراض سرد که مثلاً در شهر تهران وجود داشت، از جهاتی خطرناکتر از اعتراض عریان خیابانی است.

مقدمه:

رویارویی انقلاب شکوهمند ایران اسلامی با تمدن غرب و نظام استکباری به مرحله سرنوشت سازی رسیده است. دنیای غرب از حرکت پیش رونده و مهارناشدنی انقلاب اسلامی که بزرگترین هنر آن تسخیر دل و جان و فطرت های خداجوی بشریت امروز بوده، به ستوه آمده و با چشمانی نگران نظاره گر کمتر شدن فاصله پیروزی های نظام اسلامی در چله دوم آن است.

انقلابی که سکوی پرواز آن بر پایه های عقلانیت و اخلاق و عدالتجویی بنا شده است، سقفی برای پرواز ندارد و در عصری که حرکت پرشتاب نظام سلطه به سوی ظلمت و جهالت و غلبه نفسانیت به پیش می رود، این دردانه الهی تبدیل به سرچشمه های امید و روشنایی و افق گشایی برای ملت های مظلوم و ستمدیده شده است.

از این رو طبیعی است که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، دشمنان در حرکتی انفعالی، ناشیانه و ابلهانه، اقدام به طراحی اغتشاش های پراکنده جهت مقابله و سنگ اندازی در برابر پیشرفت ها و حرکت های ابتکاری ملت ایران نمایند.

از نظر استراتژیست های آمریکایی، نظم جهانی کنونی که حاصل جنگ جهانی دوم و سپس فروپاشی شوروی در جنگ سرد با آمریکا است، امروز با چالش های جدی مواجه شده است و چین، روسیه و ایران اصلی ترین قدرت هایی هستند که این نظم را به چالش کشیده و در حال تغییر آن هستند. از این رو برای مقابله با روند تضعیف قدرت رهبری جهانی آمریکا و جلوگیری از تغییر نظم جهانی لازم است که هرچه سریعتر کشورهای چالش زار تضعیف و از میدان خارج کنند. لذا آمریکایی ها در تلاش هستند تا با سیاست های حمایتی خود از اوکراین و قرار دادن هرچه بیشتر اروپا در برابر روسیه، این کشور را در این منطقه زمین گیر کرده و به ورطه مشکلات اقتصادی و شورش های اجتماعی بکشانند و با تشدید منازعه تایوان و ایجاد محور ضد چینی بی ثباتی را در حریم امنیتی این کشور افزایش دهند.

غرب آسیا که به عنوان یکی از راهبردی ترین مناطق جهان امروز نقش کلیدی در منازعه قدرت میان آمریکا با رقبای خود (ایران، روسیه، چین) دارد، از مهمترین مولفه های قدرت در تشکیل دهکده جهانی به رهبری آمریکاست که تامین امنیت رژیم صهیونیستی

تحلیل و گزارش



دنیای غرب از حرکت پیش رونده و مهارناشدنی انقلاب اسلامی که بزرگترین هنر آن تسخیر دل و جان و فطرت‌های خداجوی بشریت امروز بوده، به ستوه آمده و با چشمانی نگران نظاره گر کمتر شدن فاصله پیروزی‌های نظام اسلامی در چله دوم آن است.

تحلیل و ارزیابی

۵۵

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیس‌مجلس

و دسترسی به منابع ارزان انرژی در اولویت این هدف راهبردی که قرار است در ۲۰۲۵ محقق شود، قرار دارد. لذا آمریکا و غرب سناریوهای متعددی را برای براندازی، تغییر رفتار، بی‌ثبات سازی و تضعیف جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای، پیشران کلیدی تغییر در نظم جهانی و یکی از موانع اصلی تحقق این راهبرد آمریکا در منطقه، اجرایی کرده اند. اما آمریکایی‌ها اعتراف دارند که براندازی جمهوری اسلامی ایران امکانپذیر نیست و این اقدامات در راستای مهار قدرت انقلاب اسلامی با دورا هبرد بی‌ثباتی در کشورهای منطقه (افغانستان، عراق، سوریه، لبنان) با هدف تضعیف محور مقاومت و اغتشاش در ایران با هدف تضعیف عناصر قدرت آن انجام می‌گیرد.

طراحی فتنه ترکیبی

تجربه فتنه‌های سال‌های گذشته به آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها نشان داد که اغتشاش بر پایه صرفاً مسائل سیاسی یا معیشتی، از انرژی لازم جهت وارد کردن جامعه به چرخه بی‌ثباتی و خشونت و کشاندن جمعیت زیادی از مردم برخوردار نیست. از طرفی با تغییر دولت در ایران و روی کار آمدن دولت جدید و برخی اقدامات مثبت اقتصادی به نفع دهک‌های پایین جامعه، امید به ایجاد اغتشاش با استفاده از مشکلات معیشتی دهک‌های پایین جامعه و قشر متوسط به پایین تا حدی از بین رفت.

از سوی دیگر اندیشکده‌های آمریکایی به مدت چندین دهه اشاره به شکاف فکری و ورزشی جوانان با حاکمیت، تمرکز خود را بر حوزه زنان و جوانان قرار داده و آن را نسخه‌ای برای براندازی دانسته اند. با فهم همین واقعیت، آمریکایی‌ها در سناریوی فتنه جدید توجه ویژه به ظرفیت برخی مسائل فرهنگی-اجتماعی کرده و زمین اصلی منازعه و دو قطبی سازی منتهی به آشوب را در این موضوعات تعریف کردند و البته تلاش نمودند تا ظرفیت‌های دیگر را نیز فعال نمایند. از این رو در فتنه ۱۴۰۱ با توجه به برنامه ریزی‌های پیشینی صورت گرفته تلاش نمودند تا با محور قرار دادن مسائل فرهنگی-اجتماعی به هم افزایی همه ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی با آن پرداخته و یک فتنه ترکیبی بی سابقه ایجاد نمایند.

با این وصف می‌توان گفت فتنه ۱۴۰۱ و اغتشاشاتی که همچنان تلاش می‌شود



به تعبیر رهبر
معظم انقلاب،
دشمنان در
حرکتی انفعالی،
ناشیانه و ابلهانه،
اقدام به طراحی
اغتشاش های
پراکنده جهت
مقابله و سنگ
اندازی در برابر
پیشرفت ها
و حرکت های
ابتکاری ملت
ایران نموده اند.

تا زنده نگه داشته شود یک سناریوی طراحی شده آمریکایی با کمک رژیم صهیونیستی و سایر متحدین این کشور است که بر بستری از تضادها و گسل های فرهنگی - اجتماعی ایران که طی یک سال اخیر برای عمیق تر شدن آنها تلاش ویژه صورت گرفت، ایجاد شده است. باتوجه به این موضوع، برآورد آمریکایی ها بر این بود که موضوع حجاب تنها موضوعی است که فراگیر است و هم طبقه متوسط، هم طبقه ضعیف، هم همه اقشار با آن پیوند می خورند.

در سطح تاکتیکی نیز اقدامات متعددی را طی ماه های اخیر عملیاتی کردند. آنها در یک برنامه زمانبندی شده تلاش کردند که خشم افکار عمومی را از وضعیت موجود کشور به اوج نفرت و دو قطبی بکشانند که ورود زنان به ورزشگاه مشهد، کارزارها و فراخوان های کشف حجاب توسط عناصر داخلی و خارج از کشور، موج سواری بر گرانی ها و ارزش گرایی، حمله به خانواده شهید در شیراز، قتل نوجوان قربانی تجاوز، اکران و تقدیر از فیلم عنکبوت مقدس، انتشار منظم ویدئوها و مطالب زیاد علیه گشت ارشاد در شبکه های اجتماعی، انتشار بیانیه «تفنگت را زمین بگذار» توسط برخی سینماگران و سلبریتی ها پس از حادثه ریزش ساختمان متروپل در آبادان، دو قطبی سازی با قشر مذهبی جامعه و نفرت پراکنی علیه آنها پس از اجرای همگانی سرود «سلام فرمانده»، تشکیک در سلامتی مقام معظم رهبری مد ظله العالی، برخی از مصادیق این اقدامات می باشد. برنامه آن بود که این فشارها و عملیات رسانه ای تا شهر یورادامه یابد و سپس در آغاز مهرماه و همزمان با بازگشایی دانشگاهها، دو موضوع با محوریت دانشگاه تهران آغاز گردد. قرار بود موضوع حجاب توسط جریان های چپ اعتقادی و موضوع سلف سرویس ها و معیشت دانشجویان و اساتید با موضوعات چپ مارکسیستی پیگیری شود و در ادامه با موضوعات معیشتی و قشری تداوم یابد و در نهایت گروه های ویژه برای عملیات های سخت مانند حمله و تصرف اماکن نظامی و انتظامی وارد کشور شوند و از ظرفیت روز دانشجو، سالگرد آبان ۱۳۹۸ و همزمانی با برگزاری جام جهانی نیز حداکثر استفاده شود. عملیات رسانه ای هماهنگ و بی سابقه ارتش رسانه ای دشمنان و رسانه های ضد انقلاب در موضوع فوت «مهسا امینی» در کنار آمادگی عجیب کانال ها و صفحات مختلف در شبکه های اجتماعی فوق برای همراهی با اغتشاشات و دامن زدن به فضای افکار عمومی و ارائه سرویس های لازم به اغتشاشگران در زمینه های مختلف همچون ساخت مواد منفجره و ... نشان از هماهنگی پیشینی آنها دارد. این حجم از عملیات



اگرچه اعتراض‌ها و اغتشاشات اخیر، چندوجهی، پیچیده و تحلیل آن نیاز به بررسی‌های دقیق‌تر علمی دارد اما بی‌تردید «رسانه‌ای بودن» مهمترین ویژگی آن است. عملیات رسانه‌ای دشمنان در مراحل مختلف این دوره از اغتشاشات، پر حجم، پیچیده، مجازی، دارای مغایرت‌های زیاد با واقعیت‌های صحنه و بی‌سابقه بوده است.

تحلیل ژورنالیستی

۵۷

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیس‌رسانگان اسلام

رسانه‌ای و جنگ روانی شاید در طول تاریخ بی‌سابقه بوده و علیه هیچ دولتی رخ نداده باشد که همین واقعیت نشان دهنده برنامه ریزی مفصل و سنگین آمریکایی‌ها در این موضوع است؛ به طوری که طی ده روز ۱۳۵ میلیون محتوای توثیق‌شده با موضوع مه‌سایمینی منتشر می‌شود و این ۳۲ برابر تمام تولید محتوایی است که از مجموعه همه موضوعات اعتراضی از زاینده رود، متروپل، حذف ارز ترجیحی و امثالهم در دو سال گذشته رخ داده است.

اگرچه اعتراض‌ها و اغتشاشات اخیر، چندوجهی، پیچیده و تحلیل آن نیاز به بررسی‌های دقیق‌تر علمی دارد اما بی‌تردید «رسانه‌ای بودن» مهمترین ویژگی آن است. عملیات رسانه‌ای دشمنان در مراحل مختلف این دوره از اغتشاشات، پر حجم، پیچیده، مجازی، دارای مغایرت‌های زیاد با واقعیت‌های صحنه و بی‌سابقه بوده است.

این رسانه‌ها با اتخاذ راهبردهای بزرگنمایی، خشونت و اعتراضات، انکار زندگی عادی مردم، بحران زایی و بحران‌افزایی و تاکتیک‌های بمباران اطلاعات، نقل و قول، گزینشگری، هزینه‌از سرمایه، تحریف، دروغ، صدای مردم و کارشناسان همسو، تقدم و تاخر و مقایسه، افکار عمومی و امنیت ایران را هدف قرار داده‌اند. داشتن سناریو و برنامه و آمادگی قبلی، قضاوت و صدور حکم قبل از اعلام نتایج بررسی، استفاده از تمام ظرفیت‌های رسانه‌ای، تحریک زنان، تشویق به خشونت و حرمت‌شکنی، القای حس ناراضی، هراس، خشم و بدبینی مردم به پلیس و مسئولان و القای امید کاذب و همچنین شادی و رضایتمندی مردم از حمله به پلیس و ضرب و شتم آنها، برخورد دوگانه و نقد کل سیستم به جای فرد حقیقی و حقوقی، مهم‌ترین محورهای جنگ رسانه‌ای دشمن در پوشش اعتراضات و اغتشاشات بوده است.

لایه‌هایی از جنگ ترکیبی رسانه‌ای

آشوب و فتنه اخیر را باید یک عملیات پیچیده و ترکیبی رسانه محور علیه نظام اسلامی دانست که برخی لایه‌های آن به شرح ذیل بودند:

۱- جنگ روانی در میدان یعنی هدایت اعتراضات و گسترش و تبدیل آن به آشوب سراسری که نیازمند سه مولفه‌ی مهم؛ انرژی و سرعت؛ احساسات و رقت؛ و همچنین جسارت و خشونت است. در این آشوب‌ها هر یک از سه مولفه‌ی مزبور

باید به سرعت شکل بگیرد و به اوج برسد و با کمک و حمایت رسانه ها و عوامل داخلی و خارجی در مرحله قبل از آشوب و حین و پس از آن ضریب مضاعف داده شود.

۲- باتوجه به سه مولفه پیش گفته، آشوب های اخیر را می توان دارای چهار بُعد "زنانه" و "جوانانه" و "خشونت گرایانه" و "فناورانه" دانست.

نخست؛ در لایه انرژی و سرعت، شاهد حضور فعال جوانان و نوجوانان ۱۶ تا ۲۵ ساله بودیم که باتوجه به انرژی زیاد و چابکی خاص و سرعت، که مختص این سنین است با دلایل مختلفی که - در مجالی جداگانه باید بدان پرداخته شود - به میدان آمده بودند و از فرصت رفاقت های مشکوک و شبگردی های هیجان آور بهره می بردند.

دوم - لایه دوم که برانگیختن احساسات و عواطف و به وجود آوردن صحنه ها و صحنه سازی های رقت انگیز بود با حضور پر حجم دختران و زنانی رقم خورد که کار پلیس و نیروهای امنیتی را با سختی مواجه می کرد. به همین جهت اصل فتنه از تمرکز بر فوت یک دختر جوان شروع شد و در آتش آن به انواع گوناگون دمیده شد.

سوم - لایه سوم بخش رایکالی کردن و به خشونت کشاندن آشوب ها در سطح بالا به سبک داعشی آن بود که با سرگروهی و لیدری عناصر منافق، تجزیه خواه و سلطنت طلب میدان داری شد و در این میدان حرمت و قداست نمادهای دینی (قرآن، مسجد، امامزاده، موبک های عزاداری)، نمادهای ملی (پرچم ایران) نمادهای انقلابی (تصاویر امام و رهبری و حاج قاسم) شکسته شد و به اشخاص و افراد عادی و رهگذر و نیروهای امنیتی و انتظامی و اموال عمومی و تجهیزات امدادی حمله شد و آسیب های مادی و معنوی فراوانی را وارد آورد.

چهارم - لایه فناورانه و پشتیبان آشوب ها است که در فضای رهاشدگی فضای مجازی در قالب حامی و پشتیبان با تمام قوا و در مقایسه با فتنه ۸۸ و ۹۸ با ضریب ده چندان، با یگان های سایبری صهیونیستی در مرکز اعتدال ریاض و اردوگاه منافقین در آلبانی، به هدایت فتنه و آشوبگران پرداختند و تلاش کردند از سویی در باز نشر شبهه ها و ابهامات بکوشند و از دیگر سو با باز نشر و ضریب دهی اخبار غلط و ناقص و درست و جعلی و درهم آمیختگی آن، اغتشاش اطلاعاتی به وجود بیاورند تا اغتشاشات فیزیکی را دو چندان کنند.

مقطع زمانی اغتشاش ۱۴۰۱

برای بررسی و تحلیل اهداف آشوب گران، بایستی به مقطع زمانی وقوع آشوب توجه داشت. در واقع، اینکه چرا آشوب گران در مقطع کنونی دست به آشوب زده اند، به دلایل



و عوامل متعدد ذیل برمی گردد:

۱- ناکامی دشمنان در طرح های توطئه آمیز چهار دهه اخیر.

۲- هزینه دار کردن حمایت از انقلاب برای مردم؛ دشمن زبون مقصر شکست های خود را همراهی مردم ایران با انقلاب و مسئولان می داند و لذا در بستر شرایط فتنه گون در صدد تسویه حساب با مردم با اهانت به مقدسات، کشیدن چادر و حجاب از سر زنان مسلمان و آتش زدن قرآن، مساجد، نمادهای ملی و مذهبی همانند پرچم عزای امام حسین سلام الله علیه و پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران و تصویر قهرمان ملی سردار دل ها شهید سلیمانی، اقدامات غیر انسانی آتش زدن آمبولانس ها، ماشین های آتش نشانی، آتش زدن و بریدن رگ گردن پلیس، به شهادت رساندن بسیجی و برهنه کردن مخالفان خود و ضرب و شتم شدید آنها و استفاده از اسلحه گرم و کشتن افراد بی گناه است.

۳- بن بست مذاکرات احیای برجام؛ واقعیت برجام آن است که طرفین مایل و نیازمند به توافق هستند، اما در این میان طرف آمریکایی توافقی را مطلوب می داند که در آن تعهدی بابت رفع مؤثر تحریم ها و تضمین بابت عدم خروج از توافق جدید ن داده باشد. اما جمهوری اسلامی ایران، با توجه به نیت شوم و توطئه های طرف مقابل و همچنین با اتکا به تجربه برجام تأکید دارد که دنبال توافقی خوب، مطمئن و پایدار است؛ یعنی توافقی که در آن ضمن رفع مؤثر و عملی تحریم ها، تضمین های لازم هم دریافت شده باشد و هرگونه روزنه ای برای اعمال فشار مجدد بر ایران در آینده بسته شده باشد. در این شرایط، آمریکا برای آنکه جمهوری اسلامی را وادار کند تا از موضع ضعف وارد مذاکره شود، آشوب های اخیر را در ایران ایجاد کرد تا به زعم خود بتواند شرایطش را بر ایران تحمیل کند.

۴- رویکرد امید بخش دولت سیزدهم؛ که بدون معطل ماندن برای برجام، ضمن انجام اصلاحات اقتصادی در داخل و تلاش برای فعال سازی ظرفیت های دیپلماسی اقتصادی با سیاست نگاه باز به تمام دنیا و اجتناب از نگاه صرف به غرب، دشمنان را به فکر ایجاد آشوب در داخل ایران، برای ممانعت از تمر بخشی رویکرد امید بخش دولت اندخته است.

اگر در فتنه های گذشته کسی بابت دروغ سازی ها و کشته سازی هادر پیشگاه قانون قرار می گرفت شاید به این سادگی ها این بازی تکراری رخ نمی داد. هنوز هم دیر نشده است، با بانیان و دروغ پردازان کشته سازی بدون کنترل و باید با ابزار قانون برخورد کرد.

تحلیل روزها

۵۹

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت زندگان اسلام

۵- هدف قرار دادن ظرفیت های ترانزیتی ایران؛ آشوب های اخیر، در راستای پروژه فشارهای حداکثری دشمن است. دولت سیزدهم با اقداماتی از جمله فعال سازی ظرفیت های ترانزیتی کشور، تلاش کرده تا این فشارها را خنثی کند. از مهم ترین دلایل انتخاب ایران به عنوان بخشی از کریدور شمال - جنوب به دلیل امنیت پایداری است که در ایران وجود دارد و اکنون با فعال سازی این ظرفیت های کریدوری - ترانزیتی، بیش بینی شده که ایران سالانه حدود ۲۰ میلیارد دلار از این ناحیه کسب درآمد کند (نصف درآمد نفت در بهترین شرایط فروش نفت). بنابراین، ایران از این طریق به خوبی توانسته است بخش مهمی از فشارهای تحریمی را خنثی کند. کاهش ۴۰ درصدی ترانزیت از مسیر ایران و حمله به دفتر همکاری های تجاری ایران، چین و هند در بندر چابهار و آتش زدن آن در خلال آشوب های اخیر به خوبی گویای تلاش آشوب گران برای هدف قرار دادن این ظرفیت مهم کشور می باشد که در این ایام به وجود آمد.

۶- تلاش برای تسخیر دالان جعلی زنگرور؛ با توجه به نقشه ترکیه و جمهوری آذربایجان برای تسخیر دالان جعلی زنگرور و قطع اتصال زمینی ایران و ارمنستان که در راستای پروژه غرب و ایجاد دالان تورانی ناتو قرار دارد؛ زیرا از این طریق هم اتصال زمینی ایران به آسیای مرکزی و تا حدودی قفقاز قطع می شود و هم زمینه برای اجرای طرح ترانس خزر که در صدد تأمین نیازهای گازی اروپا از طریق ترکمنستان و آذربایجان می باشد، فراهم می شود، محتمل است که آنها با به آشوب کشاندن ایران در صدد بودند تا دالان مذکور را تسخیر کنند که البته همواره با مخالفت قاطع ایران مواجه شده و هم اکنون ارتش نیز در منطقه مرزی مورد نظر مستقر است.

۷- انتقام از ایران به سبب جنگ اوکراین؛ با توجه به پروپاگاندای وسیع رسانه های غربی درباره نقش پهلپاد های ایرانی در جنگ اوکراین و به نوعی تغییر موازنه نبرد در این جنگ به نفع روسیه با استفاده از پهلپاد های ایرانی، محتمل است که غربی ها با به آشوب کشاندن ایران در صدد انتقام گرفتن از ایران باشند.

گونه شناسی بازیگران و آشوب گران

در آشوب های اخیر، موج شکل گرفته در فضای مجازی به آشوب های خیابانی کشیده شد. بنابراین، کسانی که در فضای مجازی علیه نظام فعالیت کردند، اگرچه در آشوب خیابانی وارد نشدند، در ایجاد آشوب دخیل بوده و سهم موثری داشته اند. بر این اساس، می توان آشوب گران یا بازیگران آشوب های اخیر را به همراه اهداف هریک از آنها در پنج



برنامه آن بود که این فشارها و عملیات رسانه‌ای تا شهر یور ادامه یابد و سپس در آغاز مهرماه و همزمان با بازگشایی دانشگاهها، دو موضوع با محوریت دانشگاه تهران آغاز گردد. قرار بود موضوع حجاب توسط جریان‌های چپ اعتقادی و موضوع سلف سرویس‌ها و معیشت دانشجویان و اساتید با موضوعات چپ مارکسیستی پیگیری شود و در ادامه با موضوعات معیشتی و قشری تداوم یابد و در نهایت گروه‌های ویژه برای عملیات‌های سخت‌مانند حمله و تصرف اماکن نظامی و انتظامی وارد کشور شوند و از ظرفیت روز دانشجو، سالگرد آبان ۱۳۹۸ و همزمانی با برگزاری جام جهانی نیز حداکثر استفاده شود.

تحلیل‌های ۴۰

۶۱

آبان ماه ۱۴۰۱
حیات‌زمین‌نگار اسلام

لایه به شرح زیر برشمرد:

۱. بیگانگان معارض اعم از آمریکا، رژیم صهیونیستی و اذناناب منطقه‌ای آنها که هدفی جز براندازی ایران قوی و مستقل ندارند.

۲. ضد انقلاب داخلی اعم از گروه‌های مختلف سلطنت طلب، منافقین، نهضت آزادی، کومله و... که در بیستر رسانه‌ها و برخی محافل نفوذ دارند.

۳. برخی فعالان سیاسی معارض که سابقه تحرکات ضد امنیتی مانند فتنه ۸۸ دارد. اینها اگرچه در آشوب خیابانی وارد نشدند، اما در مراحل اولیه شروع اعتراض‌ها در سطح رسانه، با همراهی با موج اعتراضی، در آتش آن دمیدند و امیدواری لازم را برای بیگانگان و ضدانقلاب ایجاد کردند که آشوب‌های آنها به نتیجه خواهد رسید.

۴. طیفی از سلب‌ریتی‌ها که دو نقش مهم ایفا کردند: برخی از آنها مانند علی کریمی و... عملاً با دو لایه‌ی نخست آشوب همراهی کردند و برخی دیگر با انتقاد و حمله به نظام (در عین عدم دعوت به آشوب) در تحریک جوانان مؤثر بوده‌اند.

۵. لایه‌های ناراضی و معترض طبقه متوسط شهری. که بررسی روند‌های آشوب در ایران از دی ماه ۹۶ تا کنون حکایت از آن دارد که طبقه متوسط شهری تا زمانی با این فضاها و اعتراضی همراهی می‌کند که منجر به تقابل با نظام و تخریب نشود. به همین دلیل، این طبقه نه در دی ۹۶ و نه در آبان ۹۸ و نه در شرایط کنونی با تغییر فاز اعتراض‌های نرم (رسانه‌ای) به اردو کشی‌های خیابانی و اقدامات مخرب همراهی نکرده است.

اغتشاشات اخیر در کجا طراحی شد؟

اگرچه زمینه بسیاری از اعتراضات کاستی‌ها و ضعف‌های داخلی است اما به فرموده رهبر انقلاب برخی می‌کوشند با مغالطه و فرافکنی نقش دشمن را کمرنگ جلوه دهند. این طیف، هماره تلاش دارند نقش دولت‌ها و عوامل خارجی در بروز و همچنین مشارکت مستقیم آنها در سازماندهی اعتراضات اجتماعی در ایران و تغییر جهت حرکت آنها به سمت منافع و مطلوب‌های مدنظر را منکر شوند و آگاهانه یا ناآگاهانه «توهم تئوری توطئه» را مطرح و سعی می‌کنند با نادیده گرفتن عامل خارجی، بیش‌تر ریشه‌های داخلی و بومی اعتراضات را برجسته کنند و حتی به شکلی عجیب تشدید ناآرامی‌ها و بروز

خشونت ها را تماماً به عوامل داخلی نسبت می دهند.

در اینجا بدون استدلال و اشاره به دلایل روشن دخالت و نقش فعال دولت ها و عوامل خارجی و گروهک های معاند در اعتراضات و تبدیل آنها به شورش های کورو ساختارشکنانه و سوق دادن آنها به سمت اقدامات تروریستی، تنها با استناد به برخی منابع انگلیسی نشان می دهیم عوامل خارجی و به ویژه آمریکا چگونه برای بروز ناآرامی ها و اغتشاشات خیابانی در ایران و تداوم آنها برنامه ریزی می کنند.

طراحی اغتشاشات در واشنگتن

در آمریکا اندیشکده ها از مهم ترین مراکز سیاست گذاری و تصمیم گیری به شمار می روند. به گونه ای که مطالب مطرح شده و توصیه ها در این اندیشکده ها به سرعت تبدیل به تصمیم می شوند. در این راستا اندیشکده آمریکایی «بنیاد دفاع از دموکراسی ها» یا FDD، که نقش مهمی در شکل دهی سیاست خارجی واشنگتن در قبال ایران دارد در ۲۳ می ۲۰۲۲ (۲۰ خرداد ۱۴۰۱)، یعنی نزدیک به چهار ماه قبل از اغتشاشات اخیر و در بحبوحه اعتراض های پراکنده به افزایش قیمت ها در گزارشی با عنوان «اعتراضات در ایران اوج گرفته، دولت بایدن می تواند کمک کند» به دولت و مقامات آمریکا توصیه می کند این نوع اعتراض ها را جدی بگیرند و از آنها حمایت کنند.

علی رغم اینکه شواهد و تجربه تاریخی نشان می دهد، دولت آمریکا به عنوان دشمن اصلی مردم ایران، در دهه های گذشته و دست کم در سال های اخیر یکی از حامیان اصلی ایجاد ناآرامی و خشونت خیابانی در ایران بوده، نویسندگان این گزارش مدعی می شوند که دولت آمریکا تاکنون به اعتراض های خیابانی در ایران توجه نداشته و همیشه سیاست «محتاطانه» در پیش گرفته و حتی در ناآرامی های سال ۸۸ موسوم به «جنبش سبز» نیز دولت آمریکا «در حمایت از معترضان در ایران موفق نبود».

این گزارش در ادامه برای افزایش ناآرامی های گسترده در ایران و مشارکت فعال دولت آمریکا برای جهت دهی آنها به سمت منافع واشنگتن، ضمن تأکید بر افزایش تحریم های علیه ایران در حوزه های مختلف، مجموعه توصیه هایی مشخص به دولت بایدن ارائه می دهد تا این اعتراض ها به عنوان «اهرم فشار داخلی علیه نظام ایران» عمل کنند.

حمایت دسته جمعی و منسجم و سریع از اغتشاشات

نویسندگان به دولت آمریکا توصیه می کنند که حمایت آنها از ناآرامی ها و شلوغی ها در ایران نباید با تأخیر انجام شود، چون این مسئله «تأثیر منفی بر معترضان دارد» و به



این حجم از عملیات رسانه‌ای و جنگ روانی شاید در طول تاریخ بی سابقه بوده و علیه هیچ دولتی رخ نداده باشد که همین واقعیت نشان دهنده برنامه‌ریزی مفصل و سنگین آمریکایی‌ها در این موضوع است؛ به طوری که طی ده روز ۱۴۵ میلیون محتوا در توئیتر با موضوع مهسا امینی منتشر می‌شود و این ۳۲ برابر تمام تولید محتوایی است که از مجموعه همه موضوعات اعتراضی از زاینده رود، متروپل، حذف ارز ترجیحی و امثالهم در دو سال گذشته رخ داده است.

تحلیل‌ها

۶۳

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیسندگان اسلام

سرعت باید «رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور، وزیر خارجه، مشاور امنیت ملی و سخنگوهای دولت در پیام‌های روشن و منسجم» از اعتراضات حمایت کنند و در تکمیل این پیام‌ها، مقامات آمریکا باید با برگزاری جلسات مجازی با معترضان برجسته یا بستگان معترضان کشته شده آنها را در کانون توجه قرار دهند. و این پیام‌ها و جلسات باید در پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی به صورت گسترده بازتاب داده شود.

دسترسی به اینترنت ماهواره‌ای و استارلینک

به نوشته نویسندگان گزارش اف دی دی «در غیاب احزاب سیاسی و مطبوعات آزاد، هم اکنون معترضان از طریق پلتفرم‌های اینترنت محور و پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی سازماندهی می‌شوند، (پس) ضروری است که مردم ایران به اینترنت آزاد دسترسی داشته باشند تا هم در داخل کشور با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و سازماندهی انجام دهند و هم بتوانند این ویدئوها و روایت اعتراض‌های خود را به اشتراک بگذارند و در رسانه‌ها منتشر کنند.»

اف دی دی در این بخش از توصیه‌های خود ضمن اشاره به سختی‌ها و مشکلات دسترسی به اینترنت ماهواره‌ای در ایران می‌افزاید: در چنین شرایطی بیشترین میزان خلاقیت نه تنها از طرف دولت بایدن، بلکه از طرف کارآفرینان در حوزه فناوری‌های بزرگ نیز نیاز است که مایل به مشارکت در فعالیت‌های بخش دولتی و خصوصی هستند و دامنه توانایی‌های ایالات متحده را تقویت خواهد کرد. یکی از راه‌حل‌های بالقوه برای دورزدن فیلتر اینترنت و حمایت از معترضان ایرانی، سرویس اینترنت ماهواره‌ای است. ایلان ماسک با خلق استارلینک، جایگزینی مناسب و تجاری ایجاد کرده است. این فناوری ممکن است بتواند اینترنت را فراتر از محدوده سانسور به ایرانیان ارائه دهد.

گشودن پرونده حقوق بشر

از دیگر راهکارهای پیشنهادی اف دی دی به دولت آمریکا، استفاده از اعتراض‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی در ایران برای اعمال تحریم‌های حقوق بشری علیه مقامات ایران است. اف دی دی می‌نویسد دولت بایدن همان گونه که تعهد داده باید موضوع «حقوق بشر را در مرکز سیاست خارجی خود

قرار دهد و سیاست اعمال تحریم های هدفمند علیه نیروهای امنیتی و نظامی و قضائی ایران را پیگیری کند.»

نویسندگان این گزارش، بار دیگر در ۱۰ مهر و در بحبوحه اغتشاشات اخیر، گزارشی دیگر با تیتیر «چگونه بایدن می تواند در کنار مردم ایران قرار بگیرد» در وب سایت اف دی دی منتشر کردند که ضمن ابراز خوشحالی از اقدامات کنونی دولت آمریکا در قبال ناآرامی ها در ایران، باز هم توصیه های خود به دولت بایدن را تکرار می کنند؛ از جمله این توصیه ها تحریم وزیر ارتباطات ایران است که دولت آمریکا ۴ روز بعد یعنی روز پنج شنبه ۱۴ مهر این توصیه را انجام داد.

خروج از توافق هسته ای

اف دی دی «اشتیاق دولت بایدن برای احیای برجام» را نقد می کند و به دولت بایدن توصیه می کند که از گفت و گوهای هسته ای با ایران خارج شود، زیرا بنا بر این گزارش «دست یابی به توافق در تضاد با حمایت دولت آمریکا از تظاهرات در ایران قرار دارد» و همچنین با حصول توافق و لغو تحریم ها، درآمدهای زیادی نصیب ایران می شود. گرچه تا کنون دولت آمریکا رسماً نشانه ای از تمایل به خروج از گفت و گوهای هسته ای را بروز نداده، اما با بروز ناآرامی ها لحن مقامات این کشور در برخی اظهار نظرها درباره احتمال احیای برجام تغییر کرده است. هر چند به نظر می رسد این اغتشاشات برای فشار بر ایران در امتیاز دهی بیشتر در برجام است و به همین جهت آمریکا و اروپا به برجام نیاز دارد.

ناآرامی ها در ایران و ارتش مجازی آمریکا

«کیت کلارنبرگ» روزنامه نگار تحقیقی انگلیسی با انتشار گزارشی با عنوان «رمزگشایی از جنگ آنلاین پنتاگون علیه ایران» نوشته، ناآرامی های اخیر در ایران از خارج تحریک و مهندسی می شوند و با استناد به تحقیقات جدید استدلال می کند که چگونه «کلیک یک دکمه در آمریکا، موجب بروز خشونت در خیابان های تهران می شود.» کلارنبرگ با استناد به بررسی ها و پژوهش اخیر دو اندیشکده مؤسسه گرافیکا (Graphika) و نظارت اینترنتی استنفورد (the Stanford Internet Observatory) استدلال می کند که چگونه پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) با استفاده از «ارتش بات ها و ربات ها» و ایجاد گسترده حساب ها و شخصیت های جعلی در فضای مجازی، فضای فکری و روانی مردم ایران را دستکاری می کند و آنها را به سمت اقدامات ساختار شکنانه سوق می دهد.

بخشی از این گزارش به این شرح است: ایران در حوزه جغرافیایی و دستور کار ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) قرار دارد و با توجه به موقعیت دیرینه جمهوری اسلامی در جایگاه دشمن اصلی آمریکا، شاید مایه تعجب نباشد اگر قسمت چشمگیری از تلاش های جنگ روانی و اشاعه اطلاعات جعلی این بخش از پنتاگون به این سمت هدایت شده باشد. ایجاد و ساخت رسانه های جعلی که به زبان فارسی محتوا تولید می کنند، مهمترین راهبردی است که کارشناسان جنگ روانی ارتش آمریکا به کار می گیرند. در همین رابطه شمار زیادی کانال، صفحه و حساب های آنلاین در توئیتر، فیسبوک، اینستاگرام، یوتیوب و حتی تلگرام ایجاد و اداره می شود.

سنتکام در برخی موارد، همچنین روزنامه نگاران و کارشناسان جعلی با «دنبال کننده ها Followers» زیاد در این شبکه ها و پیام رسان های اجتماعی ایجاد کرده که تصویر نمایه (پروفایل) آنها با هوش مصنوعی ساخته شده است. به عنوان مثال فهمیم نیوز (Fahim News) مدعی بود درباره وقایع در ایران «اخبار و اطلاعات دقیق» ارائه می دهد و مداوم مطالبی را منتشر می کرد که اعلام می کرد «رژیم همه تلاش خود را به کار می گیرد تا اینترنت را سانسور و فیلتر کند» و در نتیجه خوانندگان را تشویق می کرد تا به منابع و وب سایت های آنلاین بچسبند. یا «دریچه نیوز» مدعی بود «وب سایت مستقل و بدون وابستگی به هیچ گروه و سازمانی» که «متعهد به ارائه اخبار بدون جهت گیری و بدون سانسور» به مردم ایران است؛ به ویژه اطلاعاتی درباره «نقش مخرب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در همه امور، مسائل ایران و منطقه» منتشر می کرد. کانال های یوتیوب مرتبط با آنها هم ویدئوهای کوتاه زیادی را تولید می کردند، با این امید که با فیلم های اصلی اشتباه گرفته و در شبکه های اجتماعی همه گیر (وایرال) شوند.

بخشی از مطالب این رسانه های جعلی تولیدی است، اما بخش زیادی از خروجی های آنها تغییر و باز نشر مطالب و محتواهای سازمان های تبلیغاتی مانند «راديو فردا» و «صدای آمریکا فارسی» هستند. آنها همچنین مطالب شبکه و وب سایت «ایران اینترنشنال» را تغییر داده و باز نشر می کند که در



داشتن سناریو و برنامه و آمادگی قبلی، قضاوت و صدور حکم قبل از اعلام نتایج بررسی، استفاده از تمام ظرفیت های رسانه ای، تحریک زنان، تشویق به خشونت و حرمت شکنی، القای حس نارضایتی، هراس، خشم و بدبینی مردم به پلیس و مسئولان و القای امید کاذب و همچنین شادی و رضایت مندی مردم از حمله به پلیس و ضرب و شتم آنها، برخورد دوگانه و نقد کل سیستم به جای فرد حقیقی و حقوقی، مهم ترین محور های جنگ رسانه ای دشمن در پوشش اعتراضات و اغتشاشات بوده است.

تحلیل ژورنالیست

انگلیس مستقر است و به نظر می رسد از عربستان سعودی کمک مالی دریافت می کند. مطالب نظرات اشخاص جعلی نیز در این رسانه ها منتشر می شود؛ شخصیت هایی که معمولاً برای افزایش اعتبار و اصلت خود، محتوای غیرسیاسی مانند اشعار فارسی و عکس غذاهای ایرانی را منتشر می کنند. این شخصیت ها و حساب های جعلی با مردم عادی ایران در توئیتر وارد تعامل می شوند و اغلب درباره مسائل روز در فضای مجازی با آنها شوخی می کنند. بات ها و ترول های پنتاگون برای تأثیرگذاری بر ادراک و ایجاد تعامل (با خوانندگان) از تکنیک ها و رویکردهای مختلف استفاده می کنند.

به عنوان مثال دیدگاه ها و مطالبی درباره نقد سیاست خارجی دولت ایران و مسائل اجتماعی منتشر می کردند. کارشناسان و پژوهشگران می گویند هدف این تلاش ها نا مشخص است، گرچه توضیح واضح آن این است که پنتاگون از این طریق به دنبال ایجاد نارضایتی در میان مردم ایران است.

مأموریتی که انجام شد؟

با توجه به تاریخ و سابقه و رفتار سیاسی واشنگتن در قبال کشورها و ملت های مستقل، برای اثبات دخالت آمریکا و عوامل خارجی در ناآرامی ها و اغتشاشات در ایران، شاید نیاز چندانی به شواهد و مدارک آشکار نباشد. اکنون که از اغتشاشات خیابانی اخیر فاصله گرفته ایم بهتر می توان محتوای دو گزارشی که در بالا ذکر شد را بررسی و میزان صحت و سقم آنها را سنجید که چگونه با بررسی فرم و محتوای ناآرامی های اخیر می توان دست آشکار سرویس های امنیتی آمریکا و گروهک های معاند هم سو با آنها را مشاهده کرد و اینکه تأکید بر حضور عوامل خارجی در اغتشاشات اخیر نه ناشی از «توهم تئوری توطئه» که ردیف کردن شواهد و مستندهای روشن دیگری برای اثبات چندباره «توطئه» است.

اقدامات تحریک آمیز غرب در آشوب های اخیر

۱- در ابتدا کشورهای هلند و فرانسه و به دنبال آن کشورهای آلمان، اتریش، بلژیک، اسپانیا و ایتالیا نیز بدون ارائه توضیح روشنی از شهروندان خود خواستند تا سریعاً خاک ایران را ترک کنند. این اقدام تعدادی از کشورهای اروپایی به دلایلی که به آن پرداخته خواهد شد سوالات زیادی را در افکار عمومی داخل و خارج به دنبال داشت.

آنچه تصمیم اخیر کشورهای اروپایی در زمینه توصیه به شهروندانشان برای خروج از ایران را غیرطبیعی و تا حدودی مشکوک جلوه می دهد آن است که این دولت ها اتباع



فلسفه گشت ارشاد
هنوز برای جامعه
جانیافته است. لذا
از سوی دشمن این
مسئله اجتماعی به زبان
سیاسی ترجمه می شود
و حول آن ساماندهی
صورت می گیرد. باید
این اطمینان را داد
که اقدامات به نفع
شهروندان است و گر نه
خبرخواهانه ترین
طرح ها هم کاری پیش
نمی برند. به تعبیر
مرحوم آیت الله حائری
شیرازی، قبل از اینکه
نهی از منکر کنیم باید
حرام را در نظر مردم
منکر کرده باشیم تا
بتوانیم آن را نهی کنیم.

تحلیل و ارزیابی

۶۷

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت رزمندگان اسلام

خود را در روزهایی که اغتشاشات از نظر شدت و گستره در روند صعودی قرار داشت در ایران حفظ کردند اما اینک و در شرایطی که می توان اغتشاشات را پایان یافته تلقی کرد دستورالعمل خروج از ایران را برای شهروندان صادر کرده اند! بدیهی است چنین واکنشی به صورت ماهوی نشانه هایی از یک روند مداخله جویانه را تدک می کشد.

۲- اقدام دوم، بازتاب جانب دارانه اخبار و بزرگ نمایی شگفت آور رخداد های بعضا کوچک به دنبال تحریک افراد معترض برای فروغلتیدن در خشونت بوده است که در واکاوی تصمیم اخیر کشورهای اروپایی بسیار راهگشا خواهد بود.

۳- حضور فیزیکی برخی از عوامل بیگانه در صحنه آشوب ها، با وجود برخورد هایی که در موارد مشابه و در سال های قبل با این عناصر شده بود، تأییدی بر این گزاره است که چنین پروژه هایی به صورت جدی و با پذیرفتن خطر دستگیری نیز از سوی بیگانگان پیگیری می شود.

بازداشت اتباع فرانسوی که در قالب گردشگر وارد کشورمان شده و پیش از رخداد های اخیر با برخی گروه هایی که به بهانه مطالبات صنفی به دنبال ایجاد اغتشاش در کشور بودند، ارتباط برقرار کرده بودند، تنها نمونه ای کوچک از اقدامات مداخله جویانه کشورهای غربی در امور داخلی ایران است. به نظر می رسد پخش اعترافات جاسوسان فرانسوی از صدا و سیما تلنگری جدی به سایر کشورهای اروپایی بود تا مراقبت بیشتری نسبت به نقش آفرینی اتباع خود در امور داخلی ایران داشته باشند.

نکته مهم اینکه؛ صدور دستور خروج اتباع مختلف اروپایی در حالی که اغتشاشات پایان یافته است، این احتمال به ذهن متبادر می کند که این افراد به اشکال مختلف با جریانات اخیر ارتباط داشته و این دستور با هدف حفاظت از آنها صادر شده تا به هر شکل ممکن از دسترس خارج شوند.

اگر چه با توجه به افول اغتشاشات چنین موضعی را هم زمان می توان به پیگیری راهبرد روحیه بخشی به اغتشاشگران و ارسال پیام کلی در خصوص حمایت از تداوم اغتشاشات نیز نسبت داد که البته با هوشیاری مردم شریف کشورمان به طور قطع بی تأثیر خواهد بود.

۴- در این راستا اعمال تحریم های جدید علیه برخی وزیران دولت سیزدهم از

سوی وزارت خزانه داری آمریکا نیز عملاً حلقه دیگری از زنجیره اعمال فشار در راستای حمایت از اغتشاشات است.

تحریم های اخیر که به بهانه به اصطلاح سرکوب اعتراض کنندگان انجام گرفته، نشان می دهد که غرب به ویژه آمریکا از کوچکترین روزنه ای برای مداخله در امور داخلی کشورمان و ایجاد شکاف در میان ملت ایران که وجه دیگری از تداوم پیگیری سیاست فشار حداکثری برای گرفتن امتیازات بیشتر است، چشم پوشی نخواهد کرد.

۵- نمایش محکومیت ۷ وزیر زن اروپایی از اقدامات ایران و حمایت ایشان از حقوق زنان ایرانی! پرده ای دیگر از سناریوی دخالت های بی جای اروپا در ایران به شمار می آید. اقدامی که بیشتر حکایت از شروع سلسله برنامه ای برای گشودن پرونده حقوق بشری علیه ایران دارد.

۶- اختلال در صدور ویزا برای ایرانیان توسط سفارتخانه های اروپایی در ایران که بعضاً محل حمایت برخی از آشوبگران هستند بخشی دیگر از این ماجرا است.

۷- تعلل و تاخیر عمدی و شبه عمدی در حفاظت از سفارتخانه های ایران در اروپا نیز جزیی از همراهی شیطننت آمیز اروپایی ها بر علیه منافع ایران است.

باتوجه به اجلاس ها و مجامع آینده اروپایی این احتمال وجود دارد که این کشورها اقدام به صدور بیانیه ها و مصوبه های محکومیت ایران و اقدامات تحریمی نمایند که البته همه اینها بیشتر جنبه فضا سازی روانی دارد. درباره چرایی این اقدامات؛ می توان گفت: هدف از این تحرکات اروپایی ها در نقش پلیس بد، تاثیر گذاری بر محاسبات و رفتار ایران در مذاکرات رفع تحریم ها و همزمان گشودن پرونده حقوق بشری بر علیه ایران است. هدف گذاری ای که، نتیجه ای برای جبهه استکبار در بر نخواهد داشت.

ریشه های فتنه ۱۴۰۱

نباید فراموش کرد که ریشه شناسی فتنه به وقت و داده های بیشتری نیاز دارد با این حال در پرتو مطالعه و تامل در فتنه های گذشته به شکل حدسی می توان برخی ریشه ها را جهت آزمون در مطالعات تکمیلی این گونه برشمرد.



خطر اصلی نسل دهه هشتادی را باید در همین ناآگاهی جستجو کرد. یک نکته بسیار مهم ارتباط بسیار اندک این نسل با روحانیت و نهاد مسجد است. این موضوع نیز شکاف فکری بین دهه هشتادی ها با ارزش های انقلابی را تشدید می کند.

تحلیل و ارزیابی

۶۹

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیس‌رسان اسلام

حداقل در ده سال اخیر، ابتدا مساله اشتغال و در چند سال اخیر مساله معیشت با فاصله بسیار زیاد از موارد مشابه دیگر، در صدر مطالبات مردم قرار داشته است. فقط کافی است به این نکته اشاره کنیم که در اولین نظرسنجی معتبر پس از پیروزی روحانی در سال ۹۶، مسائل و آزادی های اجتماعی تنها ۳ درصد از مطالبات مردم را تشکیل می داد.

تورم بلند مدت و کاهش قدرت خرید مردم و نگرانی و احساس ناامنی از آینده، عواملی است که کاهش سرمایه اجتماعی حکومت را به ارمغان آورده و احساس نا کارآمدی را القا کرده است. بیان همین نکته کافی است که اعتراضات آبان ۹۸ و تا حدی دی ماه ۹۶، ارتباط زیادی با مطالبات معیشتی مردم داشته است.

هرچند که مطالبات اغتشاشات اخیر رنگ فرهنگی و اجتماعی دارد اما نباید فراموش کرد که احساس نا کارآمدی حکومت حتی برای طبقات برخوردار، پایه های بنیادین برای از بین رفتن مشروعیت جمهوری اسلامی در نظر گرفته شود. وقتی مهر نا کارآمدی بر پیشانی یک حکومت بخورد، عوامل ریز و درشت می تواند تولید بحران کند. نباید فراموش کرد که مرگ مهسا امینی، نه یک علت کلیدی بلکه یک عامل شتاب دهنده به شمار می آید همانند یک جرقه در یک اتاق پراز گاز.

همانگونه که رهبر معظم انقلاب اشاره فرمودند، دهه ۹۰ اقتصاد ایران در جاذد و میانگین رشد اقتصادی کشورمان تقریباً به عدد صفر رسید در حالی که نرخ تورم از میانگین ۲۵ درصد به مقادیری بیشتر جهش کرد. این موضوع ابتدا به مشکلات و مسائل ساختاری حل نشده و باقیمانده از اوایل دهه ۵۰ هجری شمسی و سپس به موضوع حذف ایران از زنجیره تامین تجارت جهانی و گرفتن نقش آن به عنوان تامین کننده انرژی و امنیت آن باز می گردد.

حل مشکلات ساختاری از جمله بیماری هلندی، بحران بانکی، نظام مالیاتی، مساله کسری بودجه و... در کنار باز تعریف نقش ایران در نظام اقتصادی جهانی جهت بازسازی کارآمدی جمهوری اسلامی ضرورت دارد.

شکاف های اجتماعی

اعتراضات اخیر در پی فوت خانم مهسا امینی، همزمان چند شکاف را فعال کرد؛ از جمله شکاف جنسیتی (مسئله حقوق زنان) شکاف نسلی (جوان بودن خانم امینی و بیشتر معترضین) شکاف مذهبی (اهل سنت بودن ایشان) شکاف قومی (کرد بودن ایشان) و فعال شدن گروه های قومی (، شکاف مرکز-پیرامون) فوت یک شهرستانی در سفر به تهران (شکاف سنت - مدرنیته) سبک زندگی و مسئله پوشش (و سرانجام شکاف دولت - ملت) اعمال اقتدار از سوی حکومت و مقاومت اجتماعی از سوی بخشی از مردم. (شکاف نسلی) در اعتراضات اخیر نمود برجسته تری دارد.

وجه غالب نا آرامی ها حضور پررنگ زنان، دختران، نسل Z و تین ایجرها بود. بخشی از نوجوانان و جوانانی که در بند نظم خانواده و مدرسه و جاهای دیگر هستند، با نگاه فستیوالی و تخلیه احساسات وارد تجمعات می شوند و چون اهل تخیل و مصرف کننده ایده های اعتراضی هستند، سوژه مناسبی برای مشارکت در تجمعات خیابانی قلمداد می شوند. هرچند گروه دیگری از آنها از پدران و خودشان، تصور بازندگان گذشته و نا امیدان از آینده را دارند.

نسل زومرها یا همان دهه هشتادی ها، اولین نسل اجتماعی است که از کودکی و نوجوانی دسترسی گسترده به اینترنت و تلفن هوشمند دارند و می توان آنان را نسل دیجیتال دانست. این نسل به سبب دسترسی های ناشی از شبکه های اجتماعی، جهانی تر است و ارتباطات فرامرزی بیشتری دارد. با این اوصاف احتمال اینکه از فرهنگ جهانی متأثر شود هم بیشتر است. بر اساس یک مطالعه در دهه هشتاد شمسی، بین افزایش هویت جهانی با کاهش تعلقات ملی بین شهروندان تهرانی نسبت وجود دارد.

نسل زومر شبکه محور تر عمل می کند از سوی دیگر به سبب فقدان تجربه و انس با بازی های رایانه ای، درکی از خطرات حضور در میدانی اعتراضی را ندارد و بنابراین امکان دارد که در این عرصه، بدون آگاهی از تبعات آن، بیشتر خطر کند.

یک ویژگی مشخص نسل زومر در ایران این است که این نسل درک مشخصی از پدیده های مهم انقلاب اسلامی از جمله مبارزات ستم شاهی، جنگ تحمیلی، ایثار و شهادت، جنایات منافقین و... ندارد. از سوی دیگر، رسانه های رسمی جمهوری اسلامی نیز نتوانسته اند روایتگری درستی از تاریخ و ارزش های انقلاب را عرضه کنند. خطر اصلی نسل دهه هشتادی را باید در همین نا آگاهی جستجو کرد. یک نکته بسیار

زمینه ها، ویژگی ها
و اهداف اعتراضی
۱۴۰۱ و تفاوت آن با
آشوب ها و قتنه های
گذشته
رضا داوری

تخلیه از دلها

۲۰

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت رزمندگان اسلام



وجه غالب نا آرامی ها حضور پررنگ زنان، دختران، نسل Z و تین ایجرها بود. بخشی از نوجوانان و جوانانی که در بند نظم خانواده و مدرسه و جاهای دیگر هستند، با نگاه فستیوالی و تخلیه احساسات وارد تجمعات می شوند و چون اهل تخیل و مصرف کننده ایده های اعتراضی هستند، سوژه مناسبی برای مشارکت در تجمعات خیابانی قلمداد می شوند.



نسل زومرها یا همان دهه هشتادی ها، اولین نسل اجتماعی است که از کودکی و نوجوانی دسترسی گسترده به اینترنت و تلفن هوشمند دارند و می توان آنان را نسل دیجیتال دانست. این نسل به سبب دسترسی های ناشی از شبکه های اجتماعی، جهانی تر است و ارتباطات فرامرزی بیشتری دارد. با این اوصاف احتمال اینکه از فرهنگ جهانی متاثر شود هم بیشتر است.

تحلیل ژورنالها

۲۱

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیس‌رسانگان اسلام

مهم ارتباط بسیار اندک این نسل با روحانیت و نهاد مسجد است. این موضوع نیز شکاف فکری بین دهه هشتادی ها با ارزش های انقلابی را تشدید می کند. نکته دیگر این است که نسل دهه هشتادی در مخالفان یا نا آگاهان از ارزش های انقلاب خلاصه نمی شود بلکه بخشی قابل توجهی هرچند اقلیت (شاید یک سوم تا یک چهارم) از این نسل، به ارزش های انقلاب اعتقاد دارند و حتی شور و حرارت بیشتری نسبت به فرهنگ ایثار و شهادت نسبت به نسل قبلی از خود نشان داده اند.

با وجود میان داری دهه هشتادی ها در اغتشاشات، نباید فراموش کرد که گروه ها و اقشار اجتماعی و نسل های دیگری هم یا در اغتشاشات حضور دارند و یا این که با آن همدلی می کنند. این موضوع به سبب دلایل مختلف نارضایتی گروه های متنوع از شرایط فعلی کشور است. گروه های کم برخوردار از روند تشدید نابرابری در سال های اخیر و فساد اقتصادی و نیز وخامت وضع معیشتی خود نارضایتی دارند. پیوستن این گروه به نارضایتی ها و تراکم گسست معیشتی و عدالت اقتصادی بر روی گسست آزادی خواهی و تجزیه طلبی، بسیار خطرناک خواهد بود.

جنگ شناختی بلند مدت دشمن

فرایند بلند مدت جنگ شناختی دشمن که در مقاطع کوتاه مدت اغتشاشات رنگ و بوی خاص خود را می گیرد، از علل تشدید کننده اغتشاشات دوره ای در ایران است. متأسفانه نهادهای امنیتی بعضاً نگاه های کوتاه مدت و معطوف به مقاطع فتنه مثلاً مقطع ۸۸ دارند و روندهای بلند مدت را رصد نمی کنند. از سوی دیگر بازیگران رسانه ای خودی، عموماً بر موضوعات سیاسی تمرکز می کنند و از زیربناهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جنگ شناختی غفلت می کنند. دو روند کلان رسانه های استکبار در عرصه سیاسی و اجتماعی عبارتند از:

رشته کوه ناامیدی

رشته کوه ناامیدی به این معناست که دشمن با ریزبینی سعی می کند هر نقطه منفی ممکن اعم از مشکلات زیست محیطی، بلایای طبیعی، آسیب ها و حوادث اجتماعی موردی مثل قتل یک دختر توسط پدرش و کلان مثلاً آمار

افسردگی در کشور را پیدا کرده، در گام بعدی بازنمایی گسترده کند و در گام سوم این نقاط را به یکدیگر وصل کند تا رشته کوهی از سیاهی ها و ناامیدی ها شکل بگیرد. در گام آخر همین موارد را به نحوی به حاکمیت و انقلاب وصل کند. از غرق شدن کشتی سانچی تا تجاوز به یک پسر بچه، تا فساد های اقتصادی و... را دائماً و بی وقفه منتشر و سپس این حس را القا کند که کشور ایران جای زندگی نیست و امیدی نمی توان به جمهوری اسلامی بست. سینما و حتی سریال های تلویزیونی صدا و سیما هم در بسیاری از موارد همین موضوعات را بازنمایی کرده اند. پس از سال ها بازنمایی ناامیدی، سیاهی و یاس، نسلی که با این اخبار شکل گرفته، به هیچ وجه باور نمی کند که امیدی به آینده کشور وجود داشته باشد. این نسل معترض، خشمگین و خشونت طلب خواهد شد.

تکه تکه سازی اجتماعی

فرا تحلیل پیمایش های مختلف مربوط به ارزش ها و نگرش های ایرانیان نشان می دهد که در چند دهه اخیر دینداری مردم کاهش نیافته است اما مرز بین افراد کم اعتقاد با معتقدین تیز تر و تند تر شده و به عبارت دیگر جامعه قطبی تر شده است. قطبی شدن جامعه زمینه برای بی ثباتی و منازعات داخلی را فراهم می کند. شبکه های اجتماعی حتی در آمریکا هم روند قطبی سازی را تشدید کرده اند. در ایران نیز می توان رواج تنفر بین برخی گروه های اجتماعی را مشاهده کرد. بعضاً برخی فعالان رسانه ای انقلابی هم ناخواسته در این قطبی سازی ها دمیده اند. ادامه روند شدت گرفتن دو قطبی ها می تواند حتی به جنگ داخلی در یک کشور ختم شود.

فقدان ساز و کار های تخلیه هیجانات اجتماعی

جمهوری اسلامی در زمینه تعبیه ساز و کار های مشروع تخلیه هیجانات عمومی ضعف هایی از خودش نشان داده است. حتی در ادوار گذشته تاریخی ایران برای نمونه صفویه، می توان نزدیک به ۱۵ ساز و کار و شیوه برای تخلیه هیجانات عمومی را شناسایی کرد. غریبه ها از روش های غیر شرعی از جمله دیسکوها و رقص و روابط جنسی برای این موضوع استفاده می کنند در حالی که با روش های شرعی و سالم می توان تدابیری برای این موضوع اندیشید.

نسل دهه هشتادی یکی از پراورزی ترین گروه های سنی به شمار می رود. با توجه به عدم تخلیه هیجانات فردی و اجتماعی، این ظرفیت در قالب اعتراضات اجتماعی خود را نشان می دهد.



نسل زومر شبکه
محور تر عمل می کند
از سوی دیگر به
سبب فقدان تجربه
وانس با بازی های
رایانه ای، درکی از
خطرات حضور در
میدان اعتراضی
را ندارد و بنابراین
امکان دارد که در این
عرصه، بدون آگاهی
از تبعات آن، بیشتر
خطر کند.

تخلیه از هیجانات

۲۳

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رزمندگان اسلام

مشکل دیگر، نداشتن الگوی مشخص برای ارضای غرایز جنسی در جوانان با توجه به دشواری ازدواج، افزایش سن ازدواج و موانع اقتصادی و اجتماعی و خانوادگی بر سر راه آن است در حالی که مساله تحریک غرایز جنسی جوانان در شبکه های اجتماعی و ماهواره ای در سطح بسیار بالایی وجود دارد. بعید نیست که بدون طراحی مدل های مطلوب برای حل این موضوع، مساله انقلاب جنسی به عنوان یک مطالبه پس از حجاب و پوشش، در دستور کار جوانان و نوجوانان قرار گیرد.

دستاوردهای فتنه برای دلسوزان انقلاب

تخلیه بخشی از هیجانات اجتماعی و اعتراضی؛ بعید نیست که بخشی از هیجانات اعتراضی جامعه در قالب این اغتشاشات تخلیه شده باشد. البته این یک فرضیه است و به پژوهش بیشتر نیاز دارد. در جریان فتنه ۸۸، تاحدی انرژی اعتراضی طبقه متوسط طرفدار میرحسین با هزینه های گزاف برای جمهوری اسلامی و مردم تخلیه شد. نکته دیگر این است که مشارکت کنندگان در این اغتشاشات کمتر از یک میلیون نفر هستند و بنابراین قاعدتاً انرژی اعتراضی باقی معترضین انباشته باقی مانده و این فرضیه باید مورد آزمون قرار گیرد.

هشدار برای اصلاح نهادی و رفع ریشه های اغتشاش؛ در سطح راهبردی و حکمرانی نظام باید به رفع نقائص ساختاری و فرایندی که زمینه این اغتشاشات را فراهم می کند توجه کافی مبذول کند. بر اساس یک پژوهش، بین رخ دادن اعتراضات بزرگ در دهه اخیر ایران، با وقوع و افشای یک فساد اقتصادی بزرگ نسبتی برقرار است. نظام باید دقیقاً ریشه های نهادی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعتراضات را به دقت واکاوی و بر اساس آن دست به اصلاحات بزند.

تجربه ای برای تجزیه و تحلیل، سازماندهی و مواجهه با فتنه های بعدی؛ اگر اغتشاشات اخیر را مانوری برای آشوب های عظیم تر بدانیم، فرصتی تقریباً برابر برای دو طرف در به روزرسانی روش ها و سازماندهی و رویکردهای خود فراهم آمده است. بنابراین، تحلیل دقیق روشها و رویکردهای فتنه گران و سیستم های پشتیبان آنان می تواند فرصتی عظیم در اختیار دستگاه امنیتی کشور برای یادگیری را فراهم آورد.

راهکارهای بعد از پایان اغتشاشات

رائه راهکار، منوط به تحلیل دقیق و داده محور اغتشاشات و برگزاری جلسات گروه قانونی است.

۱- تشکیل اتاق فکر متنوع، چند تخصصی و قوی

۲- آسیب شناسی فتنه اخیر در کنار فتنه های گذشته و استخراج نقاط قوت و ضعف طرفین و استخراج راهکار برای مواجهه با فتنه های بعدی

۳- بازطراحی ساختار و مأموریت یگان های سایبری بر اساس تحولات جدید.

۴- بازطراحی روش ها و رویکردهای امنیتی سازمان های اطلاعاتی.

۵- تشکیل کمیته هایی برای سرکشی به خانواده های کشته شدگان

۶- صدا و سیما کوتاهی خود در انعکاس نظرات منتقدین و ایجاد بستر مباحث کارشناسی و تبیینی را جبران کند. بعد از فروکش کردن غائله، به وجه اعتراضی بیش از وجه اغتشاشگری پرداخته شود.

۷- نباید مسدود کردن اینترنت، به منزله پوششی بر ضعف نهادهای مربوطه در پیشگیری و مدیریت بحران باشد.

۸- دولت، شورای عالی انقلاب فرهنگی، قوه قضاییه و دیگران بدون پذیرفتن مسئولیتشان در سیاستگذاری حجاب و گشت ارشاد، پلیس رازیر فشار سنگین اجتماعی سنگین رها کردند. خدشه به سرمایه اجتماعی این نهاد، انجام مأموریت های بعدی را مختل می کند. همه ارکان نظام باید مسئولیت و تبعات این سیاست را بپذیرند.

۹- اصل ۲۷ قانون اساسی و سازکار اعتراض قانونی و مسالمت آمیز به یک سیاست یا تصمیم، عملیاتی شود. ظرفیت این اصل آزاد نشده و تحت مناقشه به حالت تعلیق درآمده است. اگر مردم به خیابان بیایند بلافاصله اشرار میدان داریم شوند و اگر نیایند، چگونه بگویند که فلان سیاست را قبول ندارند؟ خطر جایی است که مردم بدانند بروز اعتراض باعث سوء استفاده دشمن می شود اما بگویند راهی هم غیر از آن نیست.

۱۰- این اعتراضات، پایه ای برای مناقشات سیاسی داخلی و تحت الشعاع قرار دادن عملکرد دولت خواهد بود. در سطح رسانه ای بردار توجهات عمومی باید معطوف به تشریح دستاوردهای واقعی دولت باشد.

۱۱- دشمن به صرف اعتراض اکتفا نمی کند و تنها راه پیروزی را فلج کردن حکومت می داند. تمهیدات لازم برای جلوگیری از اعتصاب احتمالی خصوصاً توسط رانندگان

زمینه ها، ویژگی ها
و اهداف اغتشاش
۱۴۰۱ و تفاوت آن با
آشوب ها و فتنه های
گذشته
رضا داوری

تحلیل و راهکارها

۷۴

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت رزمندگان اسلام



یک ویژگی مشخص
نسل زومر در ایران
این است که این
نسل درک مشخصی
از پدیده‌های مهم
انقلاب اسلامی
از جمله مبارزات
ستم شاهی، جنگ
تحمیلی، ایثار و
شهادت، جنایات
منافقین و... ندارد.
از سوی دیگر،
رسانه‌های رسمی
جمهوری اسلامی
نیز نتوانسته‌اند
روایتگری درستی از
تاریخ و ارزش‌های
انقلاب را عرضه
کنند.

تخلیل‌ها ۴۰

۷۵

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رزمندگان اسلام

حمل و نقل شهری و دیگران اندیشیده شود.

۱۲- حواله دادن کل اعتراضات به اهانت به قرآن و مقدسات، برای ناراضیانی که پرسش جدی نسبت به ماهیت سیاست گشت ارشاد دارند، چندان متقاعدکننده نیست.

۱۳- فلسفه گشت ارشاد هنوز برای جامعه جان‌یفتاده است. لذا از سوی دشمن این مسئله اجتماعی به زبان سیاسی ترجمه می‌شود و حول آن ساماندهی صورت می‌گیرد. باید این اطمینان را داد که اقدامات به نفع شهروندان است وگرنه خیرخواهانه‌ترین طرح‌ها هم کاری پیش نمی‌برند. به تعبیر مرحوم آیت‌الله حائری شیرازی، قبل از اینکه نهی از منکر کنیم باید حرام را در نظر مردم منکر کرده باشیم تا بتوانیم آن را نهی کنیم.

۱۴- اگر طبقه متوسط و متوسط به بالا به طلاق عاطفی، هنجاری و معرفتی نسبت به حاکمیت برسد، دیگر درون سیستم بازی نمی‌کند. نوعی اعتراض سرد که مثلاً در شهر تهران وجود داشت، از جهاتی خطرناکتر از اعتراض عریان خیابانی است.

۱۵- تعریف روشنی از حجاب در کشور وجود ندارد و سردرگمی درباره گفت‌وگو حجاب در بین علما، کارشناسان و مدیران باید برطرف شود (حدود، علل، راهکارها و غیره).

۱۶- صنعت مد و لباس ایرانی و ملی مورد حمایت قرار گیرد و نمایشگاه‌های دائمی برگزار گردد.

۱۷- تحقیقات کیفی و پیمایش‌های ملی حول ابعاد فرهنگی و هویتی حجاب در دستور کار قرار گیرد و از نتایج آن در سیاست‌گذاری مسئله پوشش استفاده شود.

تحلیل و ادبیات



علیرضا معاف

اعتشاش یا اعتراض؟

نکاتی پیرامون تفاوت روش مواجهه با اعتراض و برخورد با اغتشاش

در قرآن کریم، سیره اهل بیت علیهم السلام و سیره امامین انقلاب

فتنه یک ماه اخیر از جهت فتنه شناسی و از حیث فتنه پژوهی شباهت های جدی به همه فتنه های سالهای ۵۸، ۷۸، ۸۸، ۹۶ و ۹۸ دارد و در عین حال تمایزات و تفاوت هایی به دلیل تاثیرات فزاینده فضای مجازی در زیست سیاسی و اجتماعی مردم دارد. با وجود آنکه بسیاری از نقاط کشور آرام است و اکثریت قریب به اتفاق مردم مرز خود را از آشوبگران و اغتشاشگران و فتنه انگیزان جدا کرده اند اما تعداد کمی به برخی حرکت های خیابانی و اغتشاشات میدانی روی آورده اند و این روزها فضای رسانه ها و شبکه های اجتماعی در فضای مجازی مملو از اخبار و تحلیل های مربوط به اغتشاشات و وقایع پیرامون فوت خانم مهسا امینی است. بسترهایی مانند توئیتر و اینستاگرام علناً تبدیل به میدان هدایت و مدیریت آشوب و اغتشاش شده اند. در عین حال مخالفان جمهوری اسلامی مدام از اعتراض، حق اعتراض و نقد و مخالفت با سیاست های نظام می گویند و در مقام تحلیل و سخن، خود را جدای از آشوب و اغتشاش نشان می دهند؛ هر چند هیچ مرزبندی روشنی بین نقد و اعتراض و آشوب و اغتشاشی که در خیابان ها اتفاق می افتد ارائه نمی دهند.

در این بین سخنان حکیمانه، هوشمندانه و دقیق رهبر انقلاب که حاوی نکات مهم و راهگشایی بود، در مورد تفاوت اعتراض و اغتشاش و نحوه مواجهه حکومت با هریک از این ها نیز راهکارها و راهبردهای روشنی را در برداشت. رهبر حکیم انقلاب فرمودند: «در این حادثه ای که پیش آمد، دختر جوانی درگذشت؛ خب حادثه ی تلخی بود، دل ما هم سوخت، ولی واکنش به این حادثه بدون اینکه تحقیقی شده باشد، بدون اینکه هیچ گونه امر مسلمی وجود داشته باشد، این نبود که یک عده ای بیایند خیابان را نا امن کنند، نا امنی را برای مردم به وجود بیاورند، امنیت را به هم بزنند، قرآن را آتش بزنند، حجاب از روی سر زن محجبه بکشند، مسجد و حسینیه را به آتش بکشند، بانک را به آتش بکشند، ماشین های مردم را آتش بزنند. واکنش به یک قضیه ای که حالا تأسف آورهم هست، موجب نمی شود که یک چنین حرکاتی انجام بگیرد؛ این حرکات عادی نبود، طبیعی نبود. این اغتشاش برنامه ریزی داشت؛ این اغتشاش برنامه ریزی شده بود. اگر قضیه این دختر جوان هم

اغتشاش یا اعتراض؟

نکاتی پیرامون تفاوت روش
مواجهه با اعتراض و برخورد
با اغتشاش در قرآن کریم،
سیره اهل بیت علیهم السلام
و سیره امامین انقلاب
دکتر علیرضا معانی

تحلیل و ارزیابی

۷۸

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رزمندگان اسلام

نبود، یک بهانه‌ی دیگری درست می‌کردند برای اینکه امسال در اوّل مهر به دلیلی که عرض خواهم کرد، در کشور ناامنی درست کنند، اغتشاش درست کنند. چه کسی این را برنامه‌ریزی کرده؟ بنده به صراحت می‌گویم این برنامه‌ریزی کار آمریکا، کار رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی و دنباله‌روهای آن‌ها است؛ نشسته‌اند برنامه‌ریزی کرده‌اند. عمّله و مزدوران و حقوق‌بگیران آن‌ها، بعضی از ایرانی‌های خائن هم که در بیرون از کشور هستند، به این‌ها کمک کردند.»

در اینجا رهبر انقلاب از وجود دست‌خارجی و برنامه‌ریزی شده بودن اغتشاشات سخن می‌گویند و در ادامه مصادیق و استدلالاتی برای این سخن خود بیان می‌کنند که نشان می‌دهد، مساله اعتراض مطرح نیست. اما در عین حال ایشان همین اغتشاشگران را هم تفکیک می‌کنند. «این کسانی که در خیابان فساد و تخریب می‌کنند و کردند، این‌ها همه یک حکم ندارند. بعضی از این‌ها جوانان و نوجوانانی هستند که هیجان ناشی از ملاحظه‌ی فرض کنید که فلان برنامه‌ی اینترنتی این‌ها را به خیابان می‌کشاند؛ هیجانی‌اند، احساساتی‌اند، احساساتی می‌شوند می‌آیند. البته همه این‌ها، در مجموع، عده‌ی بسیار کمی هستند در مقابل ملت ایران و در مقابل جوانان مؤمن و غیور ایران اسلامی؛ لکن همین‌هایی که هستند، یک عده‌شان کسانی هستند که آن‌ها را احساسات و هیجان به خیابان می‌کشاند؛ مشکل این‌ها را با یک تنبیهی می‌شود حل کرد؛ یعنی هدایتشان کرد و تفهیم کرد که اشتباه می‌کنند؛ لکن بعضی از این‌ها این جور نیستند؛ بعضی از این‌ها بازمانده‌های عناصرِ ضربت خورده‌ی چهل سال گذشته هستند؛ منافقین، تجزیه‌طلب‌ها، بقایای رژیم منحوس پهلوی، خانواده‌های ساواکی‌های مطرود و منفور که بیانیّه‌ی اخیر وزارت اطلاعات تا حدود زیادی برخی از این مطالب را روشن کرد؛ البته مطالب بیشتری هم وجود دارد. قوّه‌ی قضائیه بایستی این‌ها را به میزان مشارکتشان در تخریب و ضربه‌ی به امنیت خیابان‌ها محاکمه کند و برایشان مجازات معین کند.»

در نگاه حکومت اسلامی، مرز دقیقی بین اعتراض و اغتشاش و آشوب وجود دارد و نشانه‌های روشنی در واقعیت میدانی هست که مشخص می‌کند تجمعی اعتراضی است یا آشوبگرانه؛ حاضران مردم هستند یا جماعتی اغتشاشگر که با برنامه قبلی در خیابان حضور پیدا کرده‌اند.

برخلاف بسیاری از کشورهای دنیا، در جمهوری اسلامی حتی مدل مواجهه حکومت و دستگاه انتظامی و قضایی با طیف های مختلف اغتشاشگران متفاوت است؛ مثلاً بسیاری از بازداشت شده های در متن آشوب و اغتشاش در همان ساعات اولیه و قبل از انتقال به نهادهای مربوطه، آزاد می شوند؛ چرا که با یک پرسش و پاسخ ساده مشخص می شود فرد بازداشت شده، از روی هیجان و احساس وارد بازی دشمن شده یا با برنامه قبلی آمده است. در بسیاری از موارد که فیلم های آن در فضای مجازی هم منتشر شده، ماموران انتظامی با حاضران صحبت می کنند و ضمن دعوت به آرامش و گفتگو، مردم عادی، افراد هیجان زده و احساساتی، جوانان و نوجوانان و رهگذر را دعوت می کنند به کناره گیری از جمعیت معترض یا آشوبگر. در هر حال شیوه مواجهه حکومت اسلامی با اعتراض و اغتشاش قطعاً متفاوت است؛ هرچقدر در برخورد با اعتراض سعه صدر وجود دارد در مواجهه با اغتشاش و آشوب، قاطعیت و صلابت بروز خواهد یافت.

تخلیلات

یک هفته قبل نیز آیت الله رئیسی در مصاحبه تلویزیونی خود سخنانی درباره حق اعتراض و مرز و تفاوت بین اعتراض و اغتشاش بیان کرد؛ البته سخنان رئیس جمهور بهانه ای شد برای مخالفان و جماعتی از اصلاح طلبان تا با خلط مبحث و مغالطه، برخورد با اغتشاشگران و آشوبگران توسط نیروهای انتظامی را در تعارض با سخن رئیس جمهور مبنی بر به رسمیت شناختن حق اعتراض مردم به تصویر بکشند.

آیت الله رئیسی در بخشی از گفتگوی زنده تلویزیونی با مردم گفت: «چه اشکالی دارد برای گفت و گو، نقد و حتی اعتراض نسبت به یک تصمیم مراکزی را قرار دهیم که نسبت به برخی تصمیمات و روش ها نقد و اعتراض شود؟ این مسئله می تواند به ارتقای کار کمک کند و این موضوع در قانون اساسی جایگاه دارد و شنیدن نقد و حتی اعتراض می تواند به ارتقای کار کمک کند. نکته بعدی این است که باید حد فاصل بین اعتراض و اغتشاش مشخص شود؛ اعتراض و سخن مخالف اشکالی ندارد و باید شنیده شود اما اغتشاش، به هم ریختن امنیت کشور، ایجاد هرج و مرج و تعرض به جان و مال مردم است که در هیچ جای دنیا قابل قبول نیست. امروز پلیس، سپاه و بسیج مدافع امنیت

اغتشاش یا اعتراض؟

نکاتی پیرامون تفاوت روش
مواجهه با اعتراض و برخورد
با اغتشاش در قرآن کریم،
سیره اهل بیت علیهم السلام
و سیره امامین انقلاب

دکتر علیرضا معانی

تخلیل ادوار

۸۰

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رزمندگان اسلام

کشور هستند که شیرین‌ترین سرمایه خود یعنی جان‌شان را کف دست گرفتند تا امنیت را حفظ کنند؛ اینان جزو خود مردم هستند. خط قرمز جمهوری اسلامی ایران، امنیت جان و مال مردم است و نمی‌شود نسبت به جان و مال مردم اجازه تعدی داد تا افرادی با اغتشاش جامعه را به هم بزنند؛ هیچ‌کسی از آحاد مردم این را اجازه نمی‌دهد.»

به همین مناسبت در اینجا به شیوه مواجهه و برخورد با اعتراض و اغتشاش و مرزبندی بین آن‌ها با توجه به آیات قرآن، سیره امیرالمومنین سلام الله علیه و سیره امامین انقلاب اشاره خواهیم کرد.

اغتشاش یعنی بغی و محاربه!

طبق آیات قرآن کریم هر فرد و جریانی که علناً و عملاً وارد فاز «براندازی» نظام اسلامی شوند و امنیت جامعه اسلامی را خدشه دار نمایند، «باغی» و «محارب» محسوب شده و برخورد با آنان نیز طبق احکام «بغی» و «محاربه» خواهد بود.

برای روشن شدن حکم قرآن درباره منافقان محارب و اهل بغی، بررسی دو آیه شریفه ضروری است.

آیه بغی

طبق آیات شریفه قرآن کریم، اصل در میان مؤمنان، برادری و اتحاد برادرانه است. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ مؤمنان برادریکدی‌گرند، بنابراین میان دو برادر خود صلح برقرار سازید، و تقوای الهی پیشه کنید تا مشمول رحمت او شوید» (حجرات: ۱۰). و هرکس با برکشیدن سلاح این «اتحاد» را تبدیل به «تفرقه» نماید و امنیت جامعه اسلامی را مخدوش نماید، «باغی» بوده و باید با او برخورد سخت صورت گیرد:

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَاقْتُلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيَّ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ بپردازند، در میان آن‌ها صلح برقرار سازید؛ و اگر یکی از آنان بر دیگری تجاوز کند با گروه ظالم پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، آنگاه در میان آن دو برطبق عدالت صلح برقرار سازید و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت‌پیشه‌گان را دوست دارد.» (حجرات: ۹)

«بغی» به معنای «طلب توأم با تجاوز از حد» است. این معنی با مطلق «تجاوز» قابل

جمع است، چون «تجاوز» از «طلب» جدا نیست؛ و هر جا که «تجاوز» هست، «طلب» نیز هست. بنابراین این فعل در مواقعی بکار می‌رود که انسان در طلب و خواستن چیزی زیاده روی کند. برخی نیز آن را «تعدی» و هر چیزی که از حد خود تجاوز کند، معنا کرده‌اند. برخی از مفسران نیز آن را به «ظلم و تعدی بدون حق» معنا کرده‌اند.

فقهای شیعه با استناد به این آیه شریفه معتقدند هر کس بر علیه امام عادل یا امام معصوم سلام الله علیه خروج کند، «باغی» و جهاد با او «واجب» است. همچنین باید گفت از اطلاق آیات و روایات در این زمینه اینگونه برداشت می‌شود که احکام باغی، اختصاصی به زمان حضور معصوم (ع) ندارد و شامل زمان غیبت که نواب خاص و عام امام سلام الله علیه حضور دارند نیز می‌شود. زیرا اگر در عصر غیبت، فقیه و نائب امام سلام الله علیه نتواند با باغیان برخورد نماید و آنان را طبق موازین اسلامی مجازات کند، آنان اساس نظام عدل اسلامی را متزلزل می‌سازند و در نظام اسلامی هرج و مرج به وجود خواهند آورد. بنابراین، منافق یا بیمار دل یا هر گروه دیگری، زمانی که علناً و عملاً با اختلال در امنیت جامعه اسلامی بر علیه امام جامعه خروج نماید، «باغی» محسوب شده و مستحق مجازات‌های سنگینی هستند که در شرع مقدس اسلام برای آنان در نظر گرفته شده است.

عبارت «فَقَاتِلُوا الَّذِينَ تَبَغُّوا» در این آیه شریفه، به روشنی گویای برخورد سخت با «اهل باغی» است. علاوه بر آنکه منظور از «اصلاح توأم با عدل» در عبارت «فَإِنْ فَأَتْ فَاضْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ»، که مربوط به زمان پس از قتال با اهل باغی می‌باشد نیز چیزی جز اجرای احکام الهی درباره اهل باغی و بازگرداندن حق کسانی که به ناحق به آن‌ها تجاوز شده است، نمی‌باشد.

ب. آیه محاربه

خداوند متعال در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم، درباره حکم کسانی که در جامعه اسلامی به محاربه با نظام اسلامی می‌پردازند می‌فرماید:

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ کیفر آن‌ها که با خدا و پیامبرش به

اغتشاش یا اعتراض؟

نکاتی پیرامون تفاوت روش
مواجهه با اعتراض و برخورد
با اغتشاش در قرآن کریم،
سیره اهل بیت علیهم السلام
و سیره امامین انقلاب
دکتر علیرضا معانی

تخلیل و تحلیل

۸۲

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رزمندگان اسلام

جنگ برمی‌خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند)، فقط این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا چهار انگشت از دست (راست) و پای (چپ) آن‌ها، بعکس یکدیگر، بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آن‌ها در دنیاست و در آخرت، مجازات عظیمی دارند.» (مائده: ۳۳)

مرحوم علامه طباطبائی معتقدند ضمیمه شدن «رسول» بر «الله» در عبارت «الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» نشان دهنده خاص بودن این محاربه است، نه مطلق بودن آن، که مخالفت با تک تک احکام شرعی را شامل می‌شود؛ و آن محاربه خاص، دشمنی با خدا در خصوص مواردی است که «رسول» نیز در آن دخالتی دارد؛ و آن عملی است که برگشت می‌کند به ابطال اثر چیزی که رسول از جانب خدای سبحان بر آن چیز «ولایت» دارد؛ و یکی از اموری که به واسطه «ولایت رسول» گسترش پیدا کرده است، «امنیت عمومی» است.

ایشان در ادامه با تحلیل عبارت «وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا»، اینگونه نتیجه می‌گیرند که مراد از «محاربه» و «افساد» بطوری که از ظاهر آیه برمی‌آید «اخلال به امنیت عمومی» است؛ و قهراً شامل آن چاقوکشی نمی‌شود که به روی فرد معین کشیده شود و او را به تنهایی تهدید کند؛ چون «امنیت عمومی» وقتی خلل می‌پذیرد که خوف عمومی و نا امنی جای امنیت را بگیرد؛ و طبعاً وقتی محارب می‌تواند چنین خوفی در جامعه پدید آورد که مردم را با «اسلحه» تهدید به قتل کند؛ و به همین دلیل است که در سنت نیز محاربه و فساد در ارض به شمشیر کشیدن و مثل آن تفسیر شده است.

با این تعریف از «محاربه» در آیه شریفه معلوم می‌شود زمانیکه آشوبگرانی، صریحاً و با دست بردن به سلاح، امنیت عمومی جامعه را خدشه دار نمایند، «محارب» محسوب شده و طبعاً یکی از احکام سنگین این آیه شریفه بر حسب درجه افساد و میزان اختلال در امنیت جامعه که عبارت است از: «قتل»، «اعدام»، «قطع عضو» و «تبعید» برای آنان لازم الاجراست.

سیره امیرالمؤمنین سلام الله علیه در برخورد با مخالفان و آشوبگران

۱. امام امیرالمؤمنین سلام الله علیه در مواجهه با خوارج، تا زمانی که آنان دست به شمشیر نبردند، با سعه صدر با آنان برخورد می‌نمود، اما زمانیکه به ایجاد هرج و مرج و ناامنی روی آوردند، با آنان قاطعانه برخورد نمود. ایشان در بیانی خطاب به خوارج می‌فرماید:

«لَكُمْ عِنْدَنَا ثَلَاثُ خِصَالٍ: لَا تَمْنَعُكُمْ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ تُصَلُّوا فِيهَا وَلَا تَمْنَعُكُمْ الْفُقَرَاءُ مَا كَانَتْ أَيْدِيكُمْ مَعَ أَيْدِينَا وَلَا تَبْذُوكُمْ بِحَرْبٍ حَتَّى تَبْدَأَ وَنَابَهُ؛ مَا سَهَ امْتِيَازَ بِهِ شَمَا (خوارج) می دهیم: شما را از حضور در مساجد و نماز خواندن (با ما) باز نمی داریم و تا زمانی که دستانتان در دستان ما باشد، سهم شما را از بیت المال می دهیم و آغازگر جنگ با شما نخواهیم بود تا زمانی که شما آن را آغاز نکنید.» حضرت همچنین در بیانی دیگر درباره آنان فرمود:

«اگر ساکت ماندند ما آن ها را به حال خود می گذاریم، اگر سخن گفتند ما با آن ها احتجاج خواهیم کرد و اگر بر ما خروج کردند، با آن ها به جنگ خواهیم پرداخت.»

۲. امام سلام الله علیه با وجود اینکه خود از مخالفان سیاست های عثمان بودند، ولی قتل عثمان توسط معترضین را درست ندانسته و این رفتار را رفتاری از سنخ رفتارهای دوران جاهلیت دانستند:

«إِنَّ هَذَا الْأَمْرُ جَاهِلِيَّةٌ» (نهج البلاغه؛ خطبه ۱۶۸)

۳- امام سلام الله علیه همچنین درباره پیمان شکنی طلحه و زبیر و برخورد با آنان فرمودند، تا زمانی که آنان وحدت جامعه را درهم نشکنند با آنان مدارا می کنند؛ اما در غیر این صورت، برخورد قهرآمیز با آنان خواهند نمود:

«إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ تَمَالَّثُوا عَلَى سَخَطَةٍ إِمَارَتِي وَ سَأَصِيرُ مَا لَمْ أَخَفْ عَلَى جَمَاعَتِكُمْ فَإِنَّهُمْ إِنْ تَمَمُّوا عَلَى فَيَالِهِ هَذَا الرَّأْيِ انْقَطَعَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَإِنَّمَا طَلَبُوا هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَدًا لِمَنْ أَفَاءَ هَا اللَّهُ عَلَيْهِ فَأَرَادُوا رَدَّ الْأُمُورِ عَلَى أَدْبَارِهَا؛ این گروه (فتنه انگیز) به علت خشم بر حکومت من به یکدیگر پیوسته اند و من تا هنگامی که بر اجتماع شما خائف نشوم، صبر و تحمل می کنم و اگر آن ها به این افکار رست و فاسد (و نقشه های شوم) ادامه دهند، نظام جامعه اسلامی از هم گسیخته خواهد شد (و در چنین شرایطی صبر نخواهم کرد) آن ها از روی حسد، نسبت به کسی که خداوند، حکومت را به او بازگردانده به طلب دنیا برخاسته و تصمیم گرفته اند اوضاع را به عقب برگردانند (و سنت های جاهلی را زنده کنند).» (نهج البلاغه؛ خطبه ۱۶۹)

۴- در ماجرای تعرض بخشی از لشکر معاویه به مرزهای حکومت اسلامی و غارت شهرها، ایشان در خطبه ۲۷ نهج البلاغه مشهور به خطبه جهاد می فرمایند:

اغتشاش یا اعتراض؟

نکاتی پیرامون تفاوت روش
مواجهه با اعتراض و برخورد
با اغتشاش در قرآن کریم،
سیره اهل بیت علیهم السلام
و سیره امامین انقلاب

دکتر علیرضا معانی

تخلیل و تحلیل

۸۴

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت رزمندگان اسلام

«وَقُلْتُ لَكُمْ: اغْرَوْهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْرَوْكُمْ، فَوَاللَّهِ مَا غَرِي قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذُلُّوا. فَتَوَاكَلْتُمْ وَتَخَادَلْتُمْ حَتَّى شُنْتُ عَلَيْكُمْ الْغَارَاتِ، وَمِلَكْتُ عَلَيْكُمْ الْأَوْطَانِ. وَهَذَا خَوْغَامِدٍ وَقَدْ وَرَدَتْ خَيْلُهُ الْأَنْبَارِ، وَقَدْ قَتَلَ حَسَّانَ بْنَ حَسَّانٍ الْبَكْرِيَّ، وَأَزَالَ خَيْلَكُمْ عَنْ مَسَالِحِهَا. وَلَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْآخَرَى الْمُعَاهِدَةَ فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَقُلُوبَهَا وَقَلَائِدَهَا وَرَعَائِهَا، مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْأَسْتِزْجَاعِ وَالْأَسْتِزْجَامِ، ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَافَرَيْنَ، مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلَمٌ، وَلَا رَيْقَ لَهُمْ دَمٌ. فَلَوَ أَنَّ امْرَأَةً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا، بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا.

به شما گفتم که با اینان بجنگید پیش از اینکه با شما بجنگند، به خدا قسم هیچ ممتنی در خانه اش مورد حمله قرار نگرفت مگر اینکه دلیل شد. اما شما مسئولیت جهاد را به یکدیگر حواله کردید و به یاری یکدیگر برنخاستید تا دشمن از هر سو بر شما تاخت، و شهرها را از دست شما گرفت. این مرد غامدی است که لشکرش به انبار وارد شد، حسان بن حسان بکری را کشت، و مرزبانان شما را از جای خود راند. به من خبر رسیده مهاجمی از آنان بر زن مسلمان وزن در پناه اسلام تاخته و خلخال و دستنبند و گردنبند و گوشواره او را به یغما برده، و آن بینوا در برابر آن غارتگر جز کلمه استرجاع و طلب دلسوزی راهی نداشته، آن گاه این غارتگران با غنیمت بسیار بازگشته، در حالی که یک نفر از آن ها زخمی نشده و احدی از آنان به قتل نرسیده. اگر بعد از این حادثه مسلمانی از غصه بمیرد جای ملامت نیست، بلکه مرگ او در نظر من شایسته است.»

نکته قابل تامل اینکه این روزها در فضای مجازی با اشاره به ماجرای مشهور درآوردن خلخال از پای زن یهودی که حضرت در همین خطبه به آن اشاره فرموده اند، نظام اسلامی را مورد اتهام قرار می دهند! در حالی که اساسا این ماجرا بر اثر یورش و آشوب دشمن اتفاق افتاده و حضرت گلایه می کنند که چرا کسی برخورد نکرده؟ چرا سکوت کرده اند؟ درست شبیه اتفاقات هولناک و دردناکی که طی روزهای اخیر در برخی خیابان های کشور از سوی اغتشاشگران علیه زن و دختر مسلمان ایرانی رخ داد.

سیره امامین انقلاب در برخورد با معترضان و آشوبگران

در سیره حضرت امام خمینی (ره) نیز موارد متعددی وجود دارد که ایشان ابتدا به نصیحت و موعظه معترضان و مخالفان می پردازند اما پس از موعظه و نصیحت های فراوان، آنان را «تهدید» به مجازات می کنند. در یک نمونه، ایشان درباره سوء استفاده آنان از آزادی موجود در نظام اسلامی می فرمایند:

«مردم ایران! بیدار باشید، مسلمین! بیدار باشید، اگر خدای نخواستہ خللی واقع بشود در این صف فشرده مسلمین، در این صف فشرده ملت ایران، خطر درپیش است. تفرقه افکن‌ها را از بین خودتان بیرون کنید. ما نخواهیم گذاشت که این تفرقه افکن‌ها رشد کنند؛ آن‌ها را در نطفه خفه می‌کنیم.» «آزادی» غیر از «توطئه» است. آزادی، «آزادی بیان» است؛ هر چه می‌خواهند بگویند؛ «توطئه» نکنند؛ آدم کشی نکنند. این آدم کش‌ها و توطئه‌گرها را دفن خواهیم کرد.» (صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۳؛ همچنین: صحیفه امام؛ ج ۷، ص ۱۳۳)

تهدید جریان نفاق در سیره رهبر معظم انقلاب نیز وجود دارد. در یک نمونه، زمانی که جریان نفاق در پوشش فعالیت مطبوعاتی صریحاً مبانی انقلاب و اسلام را زیر سؤال می‌بردند و در حال زمینه سازی برای براندازی نظام اسلامی بودند، ایشان در سخنانی فرمودند:

«اگر بنا شود که کسانی مردم را به بی‌ایمانی و به شهوات سوق دهند، در این کار آزاد نیستند. این آزادی، آزادی خیانت است. اگر قرار شد کسانی بنشینند و توطئه کنند و این توطئه را به شکلی در نوشته‌ای منعکس کنند، این «آزادی توطئه» است و مردود است. بنده منتظر می‌مانم ببینم که دستگاه‌های مسئول چه می‌کنند، و الا، جلوگیری از این حرکات مودیانہ، کار دشواری نیست. فکراین را هم که «دنیا چه می‌گوید» و «روزنامه‌ها و سازمان‌های دنیا چه می‌گویند»، هیچ وقت مانکرده ایم و نباید بکنیم... بنده منتظر اجازه‌ی سازمان‌های بین‌المللی برای نحوه‌ی اداره‌ی این کشور نمی‌مانم و منتظرم دستگاه‌های مسئول وزارت ارشاد، دستگاه قضائی و دستگاه امنیتی کار خودشان را بکنند. ببینید این کسانی که در بعضی از این مطبوعات ایمان مردم را هدف گرفته‌اند، از جان مردم چه می‌خواهند؟ به انقلاب اهانت می‌کنند... من یک بار در اوّل امسال این هشدار را دادم؛ این هم بار دوم است. من با مسئولین، اتمام حجت می‌کنم! مسئولین باید در این مورد اقدام کنند!» (رهبر انقلاب؛ دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۴/ ۰۶/ ۱۳۷۷)

ایشان همچنین در سخنانی پس از تحلیل توطئه‌های منافقان در صدر اسلام، جریان نفاق را تهدید کردند که دیگر نمی‌توانند همچون منافقان صدر اسلام، حوادثی همچون صلح امام حسن سلام الله علیه را به نظام اسلامی تحمیل کنند:

اغتشاش یا اعتراض؟

نکاتی پیرامون تفاوت روش
مواجهه با اعتراض و برخورد
با اغتشاش در قرآن کریم،
سیره اهل بیت علیهم السلام
و سیره امامین انقلاب

دکتر علیرضا معانی

تخلیل و ارزیابی

۸۶

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رزمندگان اسلام

«امروز به برکت ملتِ هوشیاری مثل ملت ایران، به برکت افکار برانگیخته‌ای مثل افکار ملت ایران، به برکت انقلاب بزرگی مثل انقلاب اسلامی ایران، نه آمریکا و نه بزرگتر از آمریکا، اگر در قدرت‌های مادی باشد، قادر نیستند حادثه‌ای مثل حادثه‌ی صلح امام حسن سلام الله علیه را بردنیای اسلام تحمیل کنند. اینجا اگر دشمن زیاد فشار بیاورد، حادثه‌ی کر بلا اتفاق خواهد افتاد.»

(دیدار با جوانان در مصلاي بزرگ تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۱)

ایشان در ماجرای فتنه سال ۸۸ نیز، فتنه‌گران را تهدید کردند که مسئولیت هرگونه خشونت و هرج و مرج برعهده آنان است:

«افراط وقتی در جامعه به وجود آمد، هر حرکت افراطی به افراطی‌گری دیگران دامن می‌زند. اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسئول خون‌ها و خشونت‌ها و هرج و مرج‌ها، آن‌ها هستند... من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آن وقت مسئولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده‌ی آن‌هاست... این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبه‌ی غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آن‌ها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت... البته اگر کسانی بخواهند راه دیگری را انتخاب بکنند، آن وقت بنده دوباره خواهم آمد و با مردم صریح‌تر از این صحبت خواهم کرد.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۳/۱)

رهبر انقلاب همچنین چند ماه پس از این تهدید، و زمانی که فتنه‌گران به فتنه‌انگیزی خود ادامه دادند، در بیاناتی پس از اشاره به سیره امیرالمؤمنین سلام الله علیه در برخورد با مخالفان و معارضان، به سیره امام خمینی (ره) در این زمینه اشاره کرده و فتنه‌گران را تهدید به برخورد قضائی نمودند:

«از اول انقلاب در بین همین گروه‌هایی که در دوران پیش از انقلاب و در حوادث سال‌های مبارزات، همه در کنار هم بودیم، اختلاف‌هایی به وجود آمد. امام (رضوان الله تعالی علیه) با همه‌ی این اختلافات يك جور برخورد نکرد. همین طور که در روش امیرالمؤمنین عرض کردیم، روش امام (رضوان الله علیه) هم همین جور بود؛ یعنی اول با مدارا، با نصیحت؛ لیکن آن وقتی که اقتضاء کرد، برخورد کرد. يك گروه مربوط به «دولت موقت» بودند و مشکلات آن‌ها بود؛ يك گروه آن کسانی بودند که علیه لایحه‌ی قصاص آن حرکت

را انجام دادند؛ يك گروه حتی کار را به ترور و درگیری های خیابانی کشیدند؛ با هر کدام از این ها امام يك نحوی برخورد کرد. در سطوح بالای حکومت هم بود؛ نخست وزیر بود، رئیس جمهور بود، حتی بعد ها در اواخر عمر امام (رضوان الله علیه) در سطوح بالاتر از رئیس جمهور هم بود. امام با کسانی که احساس کردند نمی شود با این ها بیش از آن مدارا کرد، برخورد کردند. همه هم سوابق انقلابی داشتند، سوابق مذهبی داشتند، خیلی شان هم در سطوح بالا بودند؛ لیکن خوب، این جور شد دیگر؛ این انشعاب ها پیش آمد. بعضی واقعاً با امام در افتادند؛ بعضی نه، اختلاف نظری هم بود، اما به درگیری و دعوا و انشعاب و انشقاق نینجامید. بعضی با امام در افتادند و مدارای امام را ندیده گرفتند. امام به همین گروهك منافقین که خواسته بودند بیايند با ایشان ملاقات کنند، پیغام دادند که اگر شما به حق عمل کنید، من می آیم سراغ شما؛ اگر دست از این کارهای خلاف بردارید، خود من می آیم سراغ شما. یعنی امام تا این حد با این ها مدارا کردند و حرف زدند. خوب، وقتی احساس خطر شد؛ بخصوص آن وقتی که مسئله، مسئله ی رسوخ دادن مبانی غلط در کالبد نظام و انقلاب است، این دیگر مثل سم مهلك است. آن وقت امام رعایت نکردند، مدارا نکردند؛ برخورد کردند... اگر کسی با مبانی نظام معارضه کند، با امنیت مردم مخالفت کند، نظام مجبور است در مقابل او بایستد. ما درباره ی افرادی که به آن ها اهانت می شود، تهمت زده می شود، می گوییم این ها حق دفاع دارند؛ خوب، نظام هم همین جور است؛ نظام هم حق دفاع از خودش را دارد. این خطاست که کسی خیال کند چون نظام حاکمیت است و قدرت سیاسی است، نباید دفاع کند؛ بی دفاع بماند؛ در مقابلش هرگونه مخالفتی، معارضه ای، قانون شکنی ای، مرز شکنی ای انجام بگیرد، باید عکس العمل نشان ندهد؛ این درست نیست؛ هیچ جای دنیا هم چنین نیست... بنابراین برخورد با نظام، برخورد با مبانی نظام، ایستادگی و شمشیر کشیدن روی نظام، جواب تند دارد؛ اما نظر مخالف داشتن، نظر متفاوت داشتن، آن وقتی که با این اشکالات همراه نباشد، تهمت و شایعه افکنی و دروغ و از این چیزها نباشد، نه؛ نظام هیچ گونه برخوردی نخواهد کرد. شیوه ی نظام این نبوده، امروز هم نیست و ان شاء الله در آینده هم نخواهد بود.» (خطبه های نماز جمعه تهران، ۲۰/۰۶/۱۳۸۸)

تحلیل و تدوین



دکتر رسول سنایی راد

دهه هشتادی ها؛ هیجانی های حاضر
در عرصه اعتقادات

مقدمه:

اغتشاشات خسارت باری که به بهانه مرگ مهسا امینی از اواخر شهریور ماه در کشور شکل گرفت، عبارت دهه هشتادی ها را بر زبان ها انداخت و دغدغه ی گسست نسلی آسیب زا و هویت منفی برآمده از اینترنت و فضای مجازی در سایه غفلت از جامعه پذیری و جامعه پردازی در حوزه های اجتماعی - فرهنگی و سیاسی را پدید آورد.

چرا که اغلب کسانی که در این اغتشاش ها به شکل هیجانی حضور یافته زیر ۳۰ سال سن داشت و پس از فروکش کردن حضور خیابانی دانشگاه ها و بعضاً مدارس را به جولانگاه خود تبدیل کرده و در همان حال ناسازگاری با ارزش ها و هنجارهای معمول در جامعه را در قالب شعارهای آزادی های اجتماعی و سیاسی نامتعارف فریاد می کشیدند.

گرچه در مقابل هم شاهد حضور حماسی بخشی از همین نسل برای دفاع از امنیت و پاسداشت ارزش ها و حرمت ها در قالب نیروهای بسیجی و حتی شهیدان جوان و هم سن و سال همین شورشگران بود که برای حفظ کیان اسلامی و هویت دینی انقلابی و میهنی به ایثارگری و جان فشانی رو آوردند اما واقعیت این است که بخش اساسی و هیجانی حاضر در میدان اغتشاشات که با تأثیرپذیری از فضای مجازی و اطاعت از لیدرهای حرفه ای آشوبگر هم خسارت های بزرگ به کشور زد و هم خسارت های سنگین خورد، همین نسل دهه هشتادی بودند که از نگاه رهبر فرزانه انقلاب گرچه باید تنبیه شوند اما طرد آن ها بسیار پرهزینه تر و افزوده ای به آن خسارت ها است، از این رونه تنها باید از مسیر تعامل و گفت و گو از تبدیل شدنشان به طعمه برای دشمنان و معاندان ممانعت کرد بلکه لازم است مسیر بازگشت، همراه سازی و جذب آنان را نیز هموار ساخت که شناخت واقعیت های مربوط به این نسل اولین و اصلی ترین گام برای ایفای این رسالت سخت اما لازم به حساب می آید.

الف) نزدیک به نسل زد

نسل زد یا نسل نت به افرادی گفته می‌شود که تقریباً بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ میلادی متولد شده‌اند این نسل از همان ابتدای کودکی با پیشرفت اینترنت و سایر ابزارهای هوشمند مواجه بوده و به همین خاطر به آن‌ها نسل نت (اینترنت) گفته شده است. شاخص‌ترین ویژگی‌های این نسل این است که از همان کودکی استفاده از اینترنت و ابزارهای هوشمند را فرا گرفته‌اند و اصلی‌ترین درجه‌آشنایی آنان با جهان بوده یا به عبارتی در آن زیست کرده‌اند. همین ویژگی تفاوت آن‌ها را با نسل‌های دیگر رقم می‌زند که به اینترنت و ابزار هوشمند دسترسی نداشته و از آن استفاده نکرده‌اند.

از آنجا که به همان اندازه که ارتباط این نسل با اینترنت و فضای مجازی بیشتر بوده ارتباط کمتر با جامعه پیرامون و حتی والدین و اطرافیان داشته‌اند، تعلق و حتی تعهد و مسئولیت‌پذیری آن‌ها هم نسبت به جامعه و اطرافیان کمتر شده و از این رو گاهی با ناسازگاری، بدرفتاری و خطرپذیری بیشتری با دیگران برخورد می‌کنند.

معیار اصلی برای این نسل کسب منفعت و لذت است و بیشتر به سمتی گرایش دارد که منافع بیشتری برای او تأمین کند. همین نوع نگاه و معیار حتی تعهد او را به سازمان‌هایی که با آن سروکار دارد و با اشخاص و افراد کمتر می‌کند و تعهد چندانی ندارد. همین ویژگی او را طرف دار هرگونه نوآوری ساخته و او را از شیوه‌ها و سنت‌ها ساختارها و حتی ارزش‌های هویتی عبور داده و نیازمند باور و اعتماد می‌کند.

اظهار نظر و احساسات برای او کاملاً راحت و آزادانه است و هیچ خط قرمزی را به رسمیت نمی‌شناسد. ارتباط‌گیری با این نسل نیازمند مهارت ارتباطی و کلامی بالا و همچنین انتقال این معنا به او است که او را باور داشته و با وجود تفاوت‌ها به او اعتماد می‌کنند. در این صورت می‌توان امکان همکاری او را جلب کرد که از توانایی‌ها و قابلیت‌های نوآورانه او بهره‌گرفت و واقعیت‌ها را نیز به او منتقل نمود.

البته در کشور با تاخیر ورود و گسترش اینترنت، این نسل هم با تاخیر شکل گرفته، اما عامل شتاب دهنده‌ای که موجب تأثیرپذیری شدیدتر و عمیق از اینترنت بوده، پاندمی کرونا در ۳ سال متوالی از یک سو و تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها و سپردن فضای آموزشی به فضای مجازی از دیگر سو بوده است.

در دوران کرونا برای جبران آموزش حضوری، والدین بهترین گوشی‌های هوشمند را

خریداری و در اختیار فرزندان نوجوان و جوان خود گذاشته و خدمات اینترنتی نیز در حد مقدمات برای آنان فراهم شد. اما نه تنها والدین سواد مهارت و دقت کنترل و جهت دهی استفاده مفید از این ابزار و فضا را نداشتند بلکه هم زمان دشمنان انقلاب اسلامی و ایران قدرتمند، جنگ ترکیبی و پیچیده ای را طراحی کرده بودند که مهمترین ابعاد آن جنگ روانی و شناختی بود که با چاشنی جذابیت های تحریری، فضای مجازی و رسانه ای را اصلی ترین ابزار تغییر در ادراک، شناخت، باور و رفتار مخاطب قرار داده شناخت باور و رفتار مخاطب قرار داده و به فاصله و گسست ارزشی و آرمانی نسل ها، اقوام و مذاهب با حاکمیت، بعنوان فرصتی برای بی ثبات سازی و مختل سازی درون نظام جمهوری اسلامی می نگریست.

در کنار الزامات آموزشی در دوره کرونا و استفاده اجتناب ناپذیر جوانان و نوجوانان از فضای مجازی و هدف گذاری دشمن برای تاثیر گذاری بر ادراک و شناخت جامعه ایرانی، برخی غفلت های بزرگ و خیانت های احتمالی هم در این گسست نسلی تاثیر گذار بوده که نگاه یک بعدی به آموزش و تحصیلات و غفلت از تربیت و پرورش و پیگیری پیاده شدن سند ۲۰۳۰ از نمونه های آشکار آن است. همین طور با میدان دار بودن جریانات شبه سکولار و لیبرال مسلک در فضای فرهنگی کشور به ویژه صنعت فیلم و سینما و توسعه ی سینمای خانگی با هدف رونق بخشی به گیشه و تجارت فرهنگی و توسعه شبکه های فارسی زبان و شبکه های اجتماعی با کارکردهای فرهنگی اجتماعی و پیامدهای سیاسی، پيشران های دیگری نیز در خدمت تغییرات در ذائقه ها و گرایشات نسل های جوان تریه صورت خاموش و زیر جلدی شده است.

ب) گونه شناسی اغتشاشگران

جمعیت های خیابانی اغتشاش های اخیر و جمع های دستگیر شده، گویای این است که یک طیف رنگین کمانی هستند که شامل عناصری از اعضاء و هواداران گروهک های برانداز و جدایی طلب مثل منافقین، سلطنت طلب ها، کومله، دمکرات، الاحوازیه و غیره جمعیت نیابتی و اجاره ای مثل افغانه و یابیکارانی که در ازای دریافت پول به جمعیت پیوسته اند، جمعیت ماجراجو که عمدتاً جوانان و نوجوانانی فاقد گرایش و هدف سیاسی و اجتماعی بوده و

همراهی با اغتشاشات و تماشای آن نوعی سرگرمی برایشان محسوب شده و اکثریت هیجانی و احساسی که متأثر از روایت دروغ مربوط به مرگ مهسا امینی و همچنین فضا سازی روانی شدید شبکه های اجتماعی و رسانه های بیگانه و معاند بویژه ایران - اینترنشنال و بی بی سی فارسی و ادعاهای برخی سلبریتی ها و ورشکستگان سیاسی تحریک شده و به شکل هیجانی به اغتشاشات پیوسته اند. همچنین لیدرها که تعداد آن ها کم ولی نقش پررنگی در تحریک به شروع اغتشاش، جهت دهی به سمت شعارهای ساختارشکنانه و موهن و هدایت به سمت درگیری و حمله به نیروهای مدافع را داشته و از سطح قابل توجهی توانمندی و مهارت برای هدایت و تحریک برخوردار هستند.

این گروه از اغتشاشگران نه تنها در فضای مجازی از آموزش های جنگ شهری و شورش استفاده کرده اند بلکه برخی از آنان به خارج از کشور رفته و توجیه شده و تعدادی با گروهک های معاند و مرتبط و احتمالا و تعداد کمی از آنان به سرویس های کشورهای بیگانه نیز پیوسته اند. تعداد کمی هم عناصر وابسته به سفارتخانه ها و اتباع بیگانه بوده که به دنبال رصد وضعیت و هدایت میدانی بوده اند.

از نمونه های دستگیر شده می توان ویژگی های آماری زیر را در ارتباط با اغتشاشگران فهرست کرد:

۱. حدود ۸۵ درصد مجرد

۲. حدود ۸۰ درصد مرد و ۲۰ درصد زن

۳. حدود ۸۰ درصد زیر ۳۵ سال و حتی حدود ۲۰ درصد زیر ۱۸ سال

۴. حدود ۷۰ درصد بیکار و یا دارای مشاغل غیر ثابت

۵. حدود ۷۰ درصد دیپلم و کمتر از دیپلم

برخی از اغتشاشگران رکورد ۱۶ ساعت حضور در فضای مجازی در شبانه روز را اعلام کرده و حتی فیلم ها و سریال های مورد علاقه آن ها بیرونی بوده و درصد بسیار کمی از آن ها از رسانه ملی استفاده کرده اند و ارتباطی با مراجع و مراکز فرهنگی و سیاسی داخلی نداشته یا بسیار کم داشته اند.

از این رو ویژگی های زیر در آنان برجسته بوده است:

- ۱- ترجیح سبک زندگی لیبرالی و سکولار
 - ۲- ضعف حس تعلق و تعهد اعتقادی، ملی و حتی خانوادگی
 - ۳- پائین بودن امید به آینده و اعتماد به مسئولین و تصمیم سازان
 - ۴- مرجعیت خبری ماهواره و اینترنت
 - ۵- تحریک پذیری و داشتن استعداد جوگیر شدن و دنباله روی از فضای موجود
 - ۶- روحیه تهاجمی و استفاده از ادبیات موهن و الفاظ رکیک
 - ۷- راحت بودن با جنس مخالف و ارتباط نامتعارف
 - ۸- نداشتن محاسبه‌ی منطقی از پیامد اقدام ضد امنیتی و افتخار تلقی کردن آن
- ج) رفتارشناسی اغتشاشگران**

رفتار و حتی انگیزه‌های اغتشاشگران، متأثر از زیست بوم آنان است که فضای مجازی و تأثیرپذیری از اینترنت سازهای اصلی آن به حساب می‌آید بخشی از آنان حتی از بازی‌های کامپیوتری تأثیرپذیرفته و از آن در صحنه اغتشاش تقلید کرده‌اند.

مشاهدات میدانی اغتشاشات و اطلاعات مربوط به گروه‌ها و اجتماعات اغتشاشگران، ویژگی‌های رفتاری زیر را نشان می‌دهد؛

۱. خشونت و ویرانگری
۲. عاری از نزاکت و فرهیختگی
۳. به چالش کشاندن ارزش‌ها و هنجارهای دینی و اقدام به ستیز و حمله علیه آن

۴. نداشتن هیچ خط قرمز و بی‌اعتنایی به تمامی حریم‌ها و حرمت‌ها
۵. جسارت و بی‌باکی و نداشتن هرگونه برآورد وضعیت و محاسبه‌ای مبتنی بر هزینه و فایده‌ی منطقی

۶. علاقه شدید به دیده شدن و احساس قهرمانی در تهاجم و خشونت
- برخورداری از چنین روحیات و رفتاری، جوانان و نوجوانان حاضر در عرصه اغتشاشات را مستعد تحریک پذیری، عصبانیت و خشونت می‌کند که بهترین شکار برای لیدرهای حرفه‌ای در عرصه تحریک و هدایت حلقه‌های متصل به سرویس‌های بیگانه و فرصتی برای گروهک‌های برانداز و جدایی طلب در اجرای سیاست کثیف کشته‌سازی برای نیل به هدف خطرناک بی‌ثبات سازی

و جنگ داخلی می‌سازد.

پیامدهای رفتاری این دسته از جوانان و نوجوانان احساسی هیجانی و ماجراجو حتی اگر با موج سواری و سوء استفاده معاندان و بیگانگان هم همراه نشود و با اهداف کثیف آنان انطباق نداشته باشد می‌تواند به هرج و مرجی ویرانگر و خسارتی بزرگ چون لطمه به روند تحصیلی و پیشرفت‌های علمی را متوجه مدارس و دانشگاه‌ها نماید که باز در طرح و نقشه رقبا و دشمنان ایران اسلامی قرار می‌گیرد. دشمنانی که استقلال، اقتدار و عزت ایران را هدف گذاری کرده و البته توان بکارگیری قدرت نظامی برای نیل به آن را ندارند. اما با خباثت و ناجوانمردی ادراک، شناخت و روان جامعه ایرانی و در مرکز آن جوانان و زنان را مرکز ثقل جنگ ترکیبی و غیراعلامی خود قرار داده اند تا آینده را از این ملت بزرگ سلب و از شکل‌گیری تمدن بزرگ ایرانی اسلامی که موتور محرک و پیشران آن جوانان خود ساخته و توانمند ایرانی هستند جلوگیری نمایند.

د) خواسته‌ها و مطالبات

این بخش دگرزیست دهه هشتادی که تأییدپذیری بالایی از فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای داشته و از چهره‌ها و گروه‌های مرجع نوظهوری مثل سلبریتی‌ها الگو گرفته و سبک زندگی و ذائقه و تفکری سکولار و لیبرالی را انتخاب و به صورت هیجانی در اغتشاشات اخیر به میدان آمده، با داشتن تصویری ناقص و فانتزی از دنیای بیرون و خود باختگی نسبت به آن، متأسفانه برآورد صحیحی از توانایی‌ها و شایستگی‌های حکمرانی و حتی پیشینه تمدنی کشور نیز ندارد.

همچنین چشم انداز پیش روی کشور را نیز امید بخش و روشن ندیده و با نارضایتی از وضع موجود، نوعی حس منفی و جاماندگی از تحولات و رفاه جهانی داشته و اینک به دنبال خواسته‌ها و مطالباتی از این قبیل است:

۱- آزادی‌های اجتماعی و سیاسی نامحدود و گسترده

۲- دستیابی به سطح بالای رفاه و لذت

۳- رهایی از هرگونه محدودیت و تقید مذهبی و اخلاقی

۴- دیده شدن و مورد توجه قرار گرفتن

۵- خروج و مهاجرت از کشور

گرچه این بخش از دهه هشتادی‌های دگرزیست و هیجانی با رفتارهای پرخاشگرانه و تهاجمی، توان انتقال و بیان این مطالبات را ندارند و مغایرت آن با ارزش‌ها و انگاره‌های

جامعه ایرانی متدین و فرهیخته را هم مانعی بزرگ بر سر راه آن می بینند، تنها با عصبانیت و خشونت، تحمیل آن را با شیوه دیکتاتوری و ساختارشکنان متصور می دانند.

از این رو کشف حجاب، اختلاط در اجتماعات با جنس مخالف و خشونت علیه نمادها و نمودهای ارزشی و مذهبی در کنار شعار زن، زندگی، آزادی را به عنوان شیوه ای برای نافرمانی و فشار برای نیل به مطالبات تعریف نشده ی خود قرار داده و بعضاً از درگیری و ثبت تصویری چهره آشوب طلبی و شورش گری برای بازکردن مسیر کوچ و پناهندگی نیز استقبال می کند.

این بخش از دهه هشتادی ها، گرچه ناسازگاری و لجاجت و حتی خشونت را راهی برای دیده شدن و معرفی خود انتخاب کرده و طمع معاندان و دشمنان را برای موج سواری و استفاده ابزاری و تبدیل شدن به هیزم آتش جنگ داخلی برانگیخته است، اما چنانچه به درستی شناخت و درک و اعتمادش برای گفتگو جلب شود، می تواند از دام صیادان طماع. نجات یافته و بخشی از سرمایه انسانی و فرصت ساز برای امروز و فردای کشور عزیز باشد و ایفای نقش نماید.

تَحْلِيلُ الْوَدَّاعِ



دکتر محمد جواد اخوان

قَسْمَةُ دُرُغ

حوادث و اغتشاشات مهر ۱۴۰۱ را باید در قالب یک تهاجم ترکیبی تمام عیار تجزیه و تحلیل کرد؛ تهاجمی که البته چیز جدیدی نیست، اما ابعادی تازه یافته است. وقتی از تهاجم ترکیبی دشمن سخن می‌گوییم، همزمانی حملات تروریستی در شیراز با فراخوان ضدانقلاب برای آشوب و اعمال تحریم‌های جدید معنادار می‌شود. گویا پازلی وجود دارد که قطعات آن یک به یک می‌آیند و در جای خود قرار می‌گیرند.

در جنگ ترکیبی، با پول سعودی در لندن رسانه به راه می‌افتد تا با دروغ پراکنی اذهان و افکار را مسئله دار کند و در عین حال نشانی «خیابان» را برای یافتن پاسخ سؤال هایش بدهد. همان زمان جنبه دیپلماتیک ماجرای تشدید تحریم‌ها را کلید می‌زند تا با «جنگ اقتصادی» فشار را بر ایران افزایش دهد و مردم را هرچه بیشتر ناراضی کند و درست در همین هنگامه است که با تروریست‌های اجاره‌ای که با پول وهابیت شارژ می‌شوند وارد بازی می‌شوند تا در شاهچراغ حمام خون پدید آورند! همه اضلاع پازل در حال تکمیل شدن است.

تحلیل‌ها

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۱۹ بهمن ۱۴۰۰ فرمودند: «دشمنان ما، جبهه دشمن -، چون دشمن یک جبهه است؛ یک جبهه عظیم است - امروز دست زده به یک تهاجم ترکیبی؛ تهاجم دشمن یک تهاجم ترکیبی است؛ یعنی جنبه اقتصادی در آن هست، جنبه سیاسی در آن هست، جنبه امنیتی در آن هست، جنبه رسانه‌ای در آن هست، جنبه دیپلماسی در آن هست - از همه جهت یک حمله ترکیبی دسته جمعی را شروع کرده‌اند.»

طرح براندازی جمهوری اسلامی ایران که از آغاز پیروزی انقلاب آغاز شده بود، طی سال‌های اخیر با فعالیت‌های برخی از مهره‌های نفوذی داخلی و خارجی شکلی جدی پیدا کرده است و مرگ مهسا امینی کاتالیزوری برای اجرای این طرح شد و نخستین گزینه را برای اجرای پروژه کشته‌سازی در اختیارشان قرار داد. در ادامه ماجرا و با روشن شدن شعله‌های فتنه افراد بیشتری به این پروژه اضافه شدند و در ادامه با روشن شدن دروغ‌های امپراتوری دروغ رسانه سعودی و بنگاه نفرت پراکنی بی‌بی‌سی، حالا فیک نیوزها و انتشار تصاویر جعلی و ساختگی از سوی این شبکه‌ها و مهره‌های فعال در فضای مجازی و

توییت‌روارد مرحله تازه‌ای شده است. از همه مهم تر همراهی برخی افراد و چهره‌های شناخته شده رسانه‌ای، فرهنگی و سیاسی با این جریان است.

روز به روز تهاجم ترکیبی تمام عیار علیه کشورمان خود را نمایان ترمی کند؛ تهاجمی که از یک عملیات رسانه‌ای پر حجم امپراتوری دروغ آغاز شد و کم کم لایه‌های دیگر خود را آشکار کرد. اصطلاح «جنگ ترکیبی» (Hybrid Warfare) واژه‌ای نسبتاً جدید است که اولین بار در کنفرانس امنیتی مونیخ ۲۰۱۵ مطرح شد و به معنای کشاندن دامنه‌های منازعه به زمان‌ها، مکان‌ها و حوزه‌های گوناگون و هم افزایی ابزارهای تهاجم برای تضعیف طرف مقابل است. براساس همان مدل اولیه برخی از اجزای این نوع تهاجم عبارت‌اند از: (۱: جنگ دیپلماتیک ۲) تهاجم رسانه‌ای (۳) حمایت از شورش و اغتشاش (۴) عملیات ویژه تروریستی و خرابکاری (۵) جنگ اقتصادی و (۶) حمله سایبری. در این مدل لایه‌های مختلف تهاجم یک به یک و یا هم افزا مؤلفه‌های قدرت حریف را آماج حملات خود قرار می‌دهند.

آنچه در روزهای پایانی تابستان و پاییز امسال رخ داد از این قرار بود، با دروغ «ضرب و جرح مهسا امینی» مردم خشمگین و معترض شده و با تحریک احساسات آن‌ها به کف خیابان دعوت شدند. در ادامه هدف آن بود که فشار پر حجم دیپلماتیک علیه جمهوری اسلامی ایران فعال شود و از این رو از قدرت رسانه و نیز ایجاد کمپین در میان ایرانیان خارج از کشور استفاده شد. لایه بعدی ایجاد جنگ اقتصادی در قالب تشدید تحریم‌ها بود تا با افزایش فشار بر سرفره مردم، جمع زیادی را که هنوز به خیابان نیامده‌اند، به خیابان بکشانند. حمله سایبری به زیرساخت‌های کشور نیز لایه بعدی این تهاجم بود. در این مدت بارها زیرساخت‌های مورد استفاده و نیاز مردم هدف حمله سایبری مزدوران رژیم صهیونیستی قرار گرفت تا با اخلال و لو موقتی بر نارضایتی‌ها بیفزاید. هر چند این حملات سایبری تاکنون دفع شد، اما آن‌ها به طور محدود توانستند برخی رسانه‌های کشور را برای دقایقی از حملات خود متأثر سازند.

غربی‌ها می‌دانند و بارها هم این دانسته خود را آزموده‌اند که با شعله‌ور شدن چند سطل زباله در خیابان، نظام اسلامی بر اندازی نمی‌شود. مسئله آن‌ها بیشتر روشن نگاه داشتن این شعله است که به خاموشی می‌رود. ادامه اغتشاشات خیابانی از یک سو و خلق ماجراهای دروغین جدید برای تحریک مجدد افکار عمومی به آن‌ها این امید را می‌دهد که آشوبگران خشمگین را در خیابان به رفتارهایی هیجانی و خصوصاً فراتر از خطوط



اگر در فتنه‌های
گذشته کسی بابت
دروغ سازی‌ها و
کشته سازی‌ها در
پیشگاه قانون قرار
می‌گرفت شاید به
این سادگی‌ها این
بازی تکراری رخ
نمی‌داد. هنوز هم دیر
نشده است، با بانیان
و دروغ پردازان
کشته سازی بدون
کنتور باید با ابزار
قانون برخورد کرد.

تحلیل و گزارش

۹۹

آبان ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیسندگان اسلام

قرمزامنیتی سوق داده و به خشونت متقابل بکشاند تا بهانه‌های جدید برای ماندن در خیابان تولید شود. البته مدارای نظام این سناریو را ناکام گذارده است، به گونه‌ای که در تهران بزرگ که حدود ۵ درصد حجم اغتشاشات کشور در آن رخ داد نه تن‌ها از معترضان کسی کشته نشد، بلکه چند شهید هم از نیروهای انتظامی و بسیجی فدای امنیت مردم شدند. در واقع وفاداران نظام جان دادند تا دشمن بهانه‌ای برای خونخواهی و فتنه‌انگیزی نیابد.

برای انگلیس، یک ایران خوب، یک ایران آشوب زده است! این‌ها پدران همان نامردمانی هستند که وقتی به سرزمین جدید کوچ کردند، شعارشان در کشتن بومیان آن سرزمین معروف بود: «یک سرخپوست خوب، یک سرخپوست مرده است!» ایران خوب، ایران ویران است، ایران چند پاره و تجزیه شده (باز همان شعار معروف: تفرقه بینداز و حکومت کن!). ایران ایده آل در نظر دشمن خبیث، ایرانی است که یک پایش در بلوا و آشوب و پای دیگرش در به عزانستن برای آن آشوب باشد.

در همین برنامه آشوب سازی، عملیات روانی رسانه‌های مستقر در لندن بر اساس آنچه در گزارش‌های خبری و تصویری آن‌ها مشاهده می‌شود، حکایت از تلاش گسترده آنان در زنده نگه داشتن آشوب حتی در حد دیوارنویسی و فحاشی‌های رکیک گروه‌های کوچک در اینجا و آنجا است. از جمله این عملیات‌های روانی «فضاسازی برای تجمع ۴ آبان با عنوان «چله انقلاب» و «القای مخالفت خانواده‌های شهدای دفاع مقدس با حاکمیت، با انتشار فیلم‌های برخی افراد» است. همچنین در این شبکه‌ها با داغ نگه داشتن اختلاط سلف دانشگاه‌ها، به دنبال دستاورد سازی برای خود هستند و از انتشار فحاشی‌های مربوطه نیز باکی ندارند. اگر گفته شد که مهره‌های آشوب گردان در شبکه‌های فارسی زبان هم اکنون در کتب دینی دنبال آن اند تا مگر مراسمات مهجور مانده‌ای مثل هفتاد و صدم و نیم سال و ده ماهه و امثال ذلک را برای تداوم ماجرا پیدا کنند، نباید تعجب کرد؛ و البته تعجب دیگری هم هست که چرا خانواده‌امینی درباره مرسوم نبودن مراسم چهلم در میان خود هنوز موضعی نگرفته‌اند!

علاوه بر سوژه سازی از هر پدیده طبیعی و مصنوعی و آوازه گری هم نوای

شبکه‌های مزدور فارسی زبان، موج سواری بر روی نارضایتی و خلق نارضایتی‌های سفارشی با جعل و روایت سازی دروغین از رویدادها، تبدیل نارضایتی به اعتراضات اجتماعی، دیگرگون نمودن اعتراضات اجتماعی به سیاسی، تغییر جهت آن‌ها به اعتراضات ساختاری، و در نهایت تبدیل جملگی آن‌ها به اغتشاش و شورش و جنگ خیابانی و... این همان دستورالعملی است که شبکه‌های مذکور در اغتشاشات اخیر دنبال کردند.

طرفه آن که شبکه‌ای همچون بی بی سی که از قدمتی دیرینه برخوردار است و قاعداً پیرامون شئون حرفه‌ای خویش باید حساس باشد، با چرخشی گسترده و تغییر کامل برنامه‌های عادی و روزانه خود و گذشتن از دیگر اخبار مهم جهانی، عملاً به مرتبه «صحنه گردانی عملیاتی اغتشاش‌گران خیابانی» تبدیل شد. همچنین است رسوایی شبکه همتای آن، اینترنت‌نال سعودی که علاوه بر موضوع پیش گفته، رسماً به خط تجزیه ایران مقتدر و یکپارچه روی آورد و در نهایت صراحت، از تجزیه طلبی و تجزیه طلبان حمایت نمود.

چنین چرخشی در شبکه‌های مزدور و چنین هزینه حیثیتی بالایی نمی‌تواند صرفاً ناشی از یک ارزیابی اشتباه از موقعیت توسط آن شبکه‌ها باشد، بلکه قطعاً مبتنی بر «یک راهبرد تازه، یک طرح بزرگ و یک بسته اطلاعاتی- عملیاتی» است که در سطوح بالای رژیم‌های آمریکا و انگلیس اتخاذ شده و به این نوکران سفارشی کار ابلاغ شده است.

در وقایع اخیر سناریوهای نخ‌نمای «کشته‌سازی» و ادبیات تکراری اعتراف اجباری و خشونت سیستماتیک و نیز عوض کردن جای جلاد و شهید و ده‌ها شگرد شناخته شده دیگر، با شیوه‌ی یکسان اما با حجمی صدها برابر بیش از وقایع گذشته، نه تنها حیثیت نداشته شیپورهای انگلیسی، آمریکایی و گاوهای شیرده آن‌ها را بر باد داد، بلکه کلیه موازین حرفه‌ای و بین‌المللی را نیز درنوردید و سابقه‌ی مبتذلی بر سوابق سیاه آن‌ها افزوده شد؛ که پیگرد حقوقی آن‌ها و پیاده نظام فراری نارسانه‌های یاد شده در دستور کار قرار دارد.

پس از پروژه‌های کشته‌سازی، سندسازی‌ها و اتهامات در راستای اجرای سناریوی براندازی، حالا مهره‌های داخلی و خارجی این جریان با خالی ماندن دستشان این بار به سراغ اخبارسازی رفته‌اند و با انتشار فیک نیوزها به دنبال جریان سازی علیه نظام و احیای سناریوی نیمه جان براندازی هستند. در این میان حضور برخی چهره‌ها و افراد

مدعی سواد و آگاهی رسانه‌ای و نقش آفرینی شان در این سناریوسازی باتوسل به اخبار فیک و جعلی این مسئله را به ذهن متبادر می‌کند که یا این‌ها واقعاً قدرت تشخیص این اخبار جعلی را ندارند و درست شبیه افراد عامی کم سواد گول تصویرسازی‌ها و خبرسازی‌های توییتر و شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان را می‌خورند یا با علم به اینکه این اخبار جعلی و فیک نیوز است برای همراه شدن با جریان‌های برانداز و شاید به واسطه معاملات و امتیازاتی با این موج که آرامش و امنیت مردم ایران را نشانه گرفته و در تلاش است تا جان و مال و ناموس این مملکت را به تاراج ببرد و پای داعش و گروه‌های تکفیری را به ایران باز کند و سرنوشتی همانند سوریه را برای ما رقم بزند، همراه شده‌اند.

سیاست‌های رسانه‌ای چندگانه شبکه‌های مجازی همچون توییتر و اینستاگرام هم همچنان ادامه دارد. به طور نمونه اگر شما به تازگی در توییتر اکانتی ساخته باشید، توییتر به شما دنبال کردن صفحات ایران اینترنشنال، صدای آمریکا، اتاق خبر من و تو و افراد و صفحاتی از این قبیل را پیشنهاد می‌دهد. در برابر این انتشار نام و تصویر «آرتین» از سوی اپلیکیشن اینستاگرام محدود شده است. بر این اساس، حتی اگر شما فرزندی به نام آرتین داشته باشید نمی‌توانید عکسش را در اینستاگرام منتشر کنید. اینستاگرام این نام را محدود کرده تا کسی تصاویر آرتین را نبیند. امروز نام آرتین حقیقت شعارهای پوچ آزادی طلبانه را آشکار می‌کند.

سرعت گردش اطلاعات در ایران سرسام‌آور است و با هیچ کشوری در جهان قابل مقایسه نیست. تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان فیک نیوز از این سرعت، بیشترین بهره را می‌برند. از سوی دیگر حجم اخبار و وسعت اخبار به جایی رسیده است که تصاویر زن و مردی از اپلیکیشن پینترست با فتوشاپ جدا شده و در یکی از خیابان‌های رشت قرار گرفته است تا القا کنند در این شهر زنان حجابشان را برداشته‌اند. این خبر و تصویر جعلی نه فقط از سوی یک مخاطب و کاربر عادی بلکه در صفحه توییتر دکتر صادق صبا، مدیر سابق بی‌بی‌سی فارسی و عضو هیئت ارشد هیئت تحریریه ایران اینترنشنال هم با کپشن «رشت آزاد شد» منتشر شده است!

از مجموعه اتفاقات و صحنه‌سازی‌ها و اخبار فیکی که در جریان سناریوی

براندازی در دو ماه اخیر صورت گرفته است می توان فهمید، امروز براندازان جریان نیستند، بلکه فرقه ای متکثر با ایدئولوژی واحدند؛ ایدئولوژی خشونت گرا، ضد مذهبی، بیگانه گرا، ضد ملی، غیردموکراتیک. یک جریان، آموزش ساخت کوکتل مولوتف نمی دهد و توصیه به عمامه اندازی نمی کند و رسانه ای به وسعت ایران اینترنتشال سعودی ندارد تا به شکل ۲۴ ساعته در خدمت انتشار اخبار جعلی آن ها باشد. جریان، هم پیمان تجزیه طلب ها نمی شود و مخالف را به مرگ تهدید نمی کند. پس ما با یک فرقه طرفیم.

هرچند اعتراضات و به دنبال آن اغتشاشات به بهانه خونخواهی برای خانم مهسا امینی رخ داده، اما به تدریج و با روشن شدن ابعاد واقعی ماجرا، طراحان پشت صحنه آشوب ها برای تحریک مجدد افکار عمومی به سراغ همان تاکتیک قدیمی رفته اند، یعنی سوژه کردن دختران جوان و تأکید بر تجاوز و قتل فجیع! دختری جوان به نام «نیکا شاکرمی» در ساختمانی نیمه کاره در نیمه شب - به دلیلی که تاکنون معلوم نشده - از دنیا می رود، بی آنکه فوت او ربط روشنی به نیروهای امنیتی داشته باشد، اما داستان پردازان لندن نشین او را از بازداشتی های اطلاعات سپاه معرفی کردند که مورد تجاوز قرار گرفته است. البته مسائل زیادی در مورد وضعیت متوفی و خانواده او هست که اخلاق اسلامی و رعایت حق الناس مانع از طرح عمومی آن شده که ضد انقلاب را گستاخانه به سوء استفاده از مشی اخلاقی نهاد های رسمی کشور ترغیب کرده است. در موردی دیگر دختران جوان دیگری در کرج با سقوط از ارتفاع در محل سکونت خود، خودکشی کرده، اما ضد انقلاب به دروغ مرگ او را به نیروهای امنیتی و در محل اغتشاشات نسبت داده اند. جالب اینجاست که نام هر دو این دختران جوان از طریق ربات های مجازی به موضوعات داغ فضای مجازی نیز تبدیل شده است.

بازی همان بازی است، تهییج و تحریک مردم با اتهام جنایت، همیشه هم پای دختران جوان در میان است، دختران جوانی که در بازداشتگاه ها مورد تجاوز قرار گرفته و بعد هم به طور فجیعی به قتل رسیده اند. امیرالمؤمنین در نهج البلاغه در وصف منافقان می فرماید: «منافقان بر رفاه و آسایش مردم حسد می ورزند و بر بلا و ناراحتی آنان می افزایند و پیوسته تخم ناامیدی بردل ها می پاشند. آن ها در هر راهی کشته ای را به خاک افکنده اند و به هر دلی راهی دارند، و بر هر مصیبتی اشک دروغینی می ریزند، پیوسته مدح و ثنا به هم وام می دهند، و انتظار پاداش و جزا می کشند، هرگاه چیزی را

طلب کنند اصرار می‌ورزند، اگر کسی را ملامت کنند پرده دری می‌کنند... در برابر هر حقی باطلی آماده ساخته‌اند، و در برابر هر دلیل محکمی شبهه‌ای، و برای هر زنده‌ای قاتلی، و برای هر دری‌کلیدی، و برای هر شبی چراغی (تا به مقاصد شوم خود نائل شوند)... آنان سخنانی می‌گویند و مردم را به اشتباه می‌افکنند، و بیانات فریبنده‌ای دارند تا دیگران را بفریبند.» این جملات امام چه زیبا رفتار اینان را به تصویر می‌کشند، اول به بهانه‌ای مردم را مضطرب کرده و بعد با طرح شبهات و دروغ پردازی‌ها تلاش می‌کنند مردم را مداوم در تشویش نگاه دارند تا به مقصود خود برسند.

اکنون گزارش رسمی پزشکی قانونی، دروغ بودن ادعای قتل مهسا امینی را آشکار کرد و نیز روشن شده که مرگ نیکا شاکرمی و سارینا اسماعیل زاده هیچ ربطی به اغتشاشات نداشته، چه رسد به آنکه به دست نیروهای امنیتی به قتل رسیده باشند. حال باید دروغ پردازی که بدون کنتور دروغ ساخته و نشر داده‌اند و در مورد چگونگی فوت اینان داستان‌ها سر داده‌اند در برابر قانون پاسخگو باشند. اگر در فتنه‌های گذشته کسی بابت دروغ‌سازی‌ها و کشته‌سازی‌ها در پیشگاه قانون قرار می‌گرفت شاید به این سادگی‌ها این بازی تکراری رخ نمی‌داد. هنوز هم دیر نشده است، با بانیان و دروغ‌پردازان کشته‌سازی بدون کنتور باید با ابزار قانون برخورد کرد.

مرگ ناگهانی مهسا امینی و نسبت دادن ماجرا به نیروی انتظامی، دست مایه‌ای برای تحریک احساسات و عواطف و افکار عمومی و ایجاد اغتشاش با به خیابان کشیدن جوانان شد، اما کسانی که در پشت پرده این سناریو طراحی کرده بودند، می‌دانستند با انتشار گزارشات پزشکی قانونی، فرضیه مرگ این دختر جوان بر اثر ضربه به سرد خواهد شد و هر قدر هم تلاش کنند با تحریک خانواده مهسا گزارش پزشکی قانونی را بی اعتبار نمایند، این تلاش در افکار عمومی پذیرفته نخواهد شد، چرا که در تمام دنیا تنها مرجع تعیین علت مرگ پزشکی قانونی است و نظر کارشناسی این سازمان فصل الخطاب است. پس بر آن شدند تا سناریوهای جدیدی را در راستای همان پروژه قدیمی کشته‌سازی دنبال و از این طریق با تحریک و تهییج احساسات افکار عمومی، انگیزه‌ای برای اغتشاشات ایجاد کنند. اینجا بود که مرگ دو دختر نوجوان یعنی سارینا و

نیکای ۱۶ ساله گزینه های خوبی برای پروژه کشته سازی و پیشبرد اهداف براندازانه در اختیار شبکه های ماهواره ای فارسی زبان و اپوزیسیون خارج نشین قرار داد تا با داستان سرایی، سناریوی مرگ نیکا شاکرمی و سارینا اسماعیل زاده بر اثر ضرب و شتم را جایگزین سناریوی مرگ مهسا امینی کنند؛ سناریوهایی که این بار هم تکه های پازل آن در کنار هم نمی نشینند. تناقض گویی های مادر و خاله نیکا از یک طرف و گزارشات نهادهای رسمی و همچنین بازبینی دوربین های مدار بسته ای که تصاویر نیکا را ثبت کرده اند در کنار گزارش پزشکی قانونی، رسوایی این سناریوهای تازه را هم برملا می کند!

با فتنه انگیزی رسانه های فارسی زبان و اپوزیسیون خارج نشین و برخی چهره هایی که کیلومترها دورتر از خاک ایران، جوانان و نوجوانان کشورمان را برای حضور در خیابان ها و اغتشاشگری تحریک و تهییج می کردند، ده ها نفر انسان بی گناه کشته شدند و آسیب های اقتصادی و امنیتی فراوانی به مردم و کسبه وارد شد، اما ضد انقلاب برای دنبال کردن اهداف براندازانه خود همچنان سناریوهای تازه ای را طراحی و اجرایی کند. بعد از رسوایی در ماجرای مرگ مهسا و نسبت دادن آن به نیروی انتظامی، ادعای دروغ بیماری و فوت رهبر معظم انقلاب و ادعای دروغ سقوط شهر آشوبیه، حالا نوبت به سناریوی کشته سازی و مرگ نیکا شاکرمی رسیده بود؛ سناریویی که مانند سناریوهای قبلی به رسوایی محکوم شد.

یکی از شگردهایی که در اغتشاشات اخیر برای گسترش و استمرار اغتشاشات به اجرا گذاشته شده «کشته سازی» بود که به دو شکل صورت می گرفت:

اول، تحریک عناصر هیجانی، خشمگین و بی تجربه برای حمله به مراکز نظامی و نیروهای امنیتی و برانگیختن واکنش دفاعی مأموران در برابر تهاجم که در مواردی منجر به کشته گیری از دو طرف می شد.

دوم، ترغیب و تحریک اغتشاشگران به ترور و کشتن برخی عوامل بی طرف و جهت دهی مسئولیت آن بر عهده نیروهای امنیتی و متهم سازی نظام به انجام این قتل ها.

علاوه بر این، خط دهی به شورشگران برای به کارگیری تاکتیک گرگ های تنها و ترور هواداران نظام و نیروهای نظامی و انتظامی در راستای ایجاد ارباب و منفعل سازی مدافعان نظام و تخریب و به آتش کشیدن اموال آنان نیز تاکنون چندین قربانی و میزان بالایی خسارت مالی و تخریب به دنبال داشته که بخشی از آن علیه شهروندان عادی بوده اند.

جالب اینکه تاکتیک گرگ های تنها، متعلق به گروهک تروریستی داعش است که پس از مواجه شدن با روند اضمحلال و از دست دادن قدرت میدانی، آن را به نیروهای پراکنده خود توصیه می کرد.

این اقدامات کاملاً تروریستی که در راستای نا امن سازی و ضربه به امنیت کشورمان و برهم زدن آرامش جامعه، توسط اغتشاشگران انجام شده یا دنبال می شود، از سوی رسانه هایی، چون ایران اینترنشنال، بی بی سی فارسی و صدای امریکا و امثال آن خط دهی و هدایت می شود. این رسانه ها با به کارگیری شگردهای روانی و تبلیغی نه تنها به خط دهی و آموزش برای دست زدن به این اقدامات تروریستی می پردازند، بلکه با تزریق نفرت و خشم به مخاطبان، انگیزه و جرئت انجام آن را با خشونت بسیار بالا فراهم می آورند. چنین پدیده ای را می توان تروریسم رسانه ای حساب شده نامید که البته مقدمات آن هم در سالیان گذشته با اعتبار زدایی از نهادها و مسئولان جمهوری اسلامی، یعنی ترور شخصیتی مهیا شده و یا دروغ پردازی، شایعه پردازی و فریب زمینه های ذهنی و فکری دست زدن به رفتارهای خشن و تروریستی شکل داده شده بود؛ بنابراین رسانه هایی، چون بی بی سی فارسی و ایران اینترنشنال و امثال آن، نه تنها شریک جنایت ها و ویرانگری های آشوبگران، بلکه آمران این اقدامات تروریستی و جنایتکارانه به حساب می آیند که با استفاده از شگردهای جنگ روانی و جنگ شناختی، بخشی از مخاطبان خود را که سطح آگاهی کمتری داشته و تأثیر پذیری آنان از فضای رسانه ای بیشتر بوده از یک شهروند عادی تبدیل به عنصری پر خاشگر، رادیکال و خشونت طلب کنند. در ادامه همین رسانه ها خط کشته سازی و گرگ صفتی را که نوعی اقدام کاملاً تروریستی و با هدف توسعه و استمرار اغتشاشات بوده، با چاشنی نفرت و خشم اشباع شده به آشوبگران القا و آنان را به میدان جنایت، ترور و ویرانگری سوق داده اند.

